

فلسفہ ۲ جدید التالیف سال دوازدہم

انسانی چاپ ۱۴۰۰

نمونہ سوالات استاندارد و تالیفی و نہایی

و حل تمرینات و فعالیت های کل کتاب

(با ویرایش جدید و اعمال سوالات نہایی

تاشہر یورماہ ماہ ۱۴۰۰)

تالیف از:

سید احمد صمدانی اقدم

شہر یورماہ ۱۴۰۰

## فهرست (براساس صفحات کتاب)

۱

**بخش ۱:** مسائل پیرامون واقعیت وهستی

۲ درس ۱: هستی و چیستی

۸ درس ۲: جهان ممکنات

۱۳ درس ۳: جهان علی و معلولی

۲۲ درس ۴: کدام تصویر از جهان؟

۲۹

**بخش دوم:** پیرامون خدا وعقل

۳۰ درس ۵: خدا در فلسفه ( قسمت اول)

۴۱ درس ۶: خدا در فلسفه ( قسمت دوم)

۵۲ درس ۷: عقل در فلسفه (قسمت اول)

۵۹ درس ۸: عقل در فلسفه (قسمت دوم)

۶۹

**بخش سوم:** نگاهی اجمالی به سیر فلسفه در جهان اسلام

۷۰ درس ۹: آغاز فلسفه در جهان اسلام

۷۸ درس ۱۰: دوره میانی

۸۷ درس ۱۱: دوران متأخر

۹۷ درس ۱۲: حکمت معاصر

- ۱- موضوع دانش فلسفه وجود است فلسفه، مسائل پیرامون وجود را بررسی می کند؛ بنابراین، اصل دانش فلسفه را معرفت شناسی نیز می گویند.
- ۲- یکی از مباحث اولیة فلسفه، تعیین نسبت دو مفهوم هستی و چیستی یا وجود و ماهیت است.
- ۳- حیثیت وجود، وجه اختصاصی موجودات است و حیثیت ماهیت، وجه مشترک آنهاست.
- ۴- انسان می خواهد حیوانات را که همه موجودند، بشناسد و از وجودشان آگاه شود؛ هر چند که این آگاهی کامل باشد.
- ۵- ماهیت هر شی عبارت است از چیستی آن شی هرگاه از ذات یک شی سؤال شود پاسخ صحیح، ماهیت آن شی است.
- ۶- فلاسفه غرب از طریق ابن سینا و فارابی مجدداً با فلسفه ارسطویی آشنا شدند.
- ۷- از قرن ۱۶ میلادی بارش تجربه گرایی، دیدگاه های آلبرت کیپور و آخرین یکن جای خود را به فلسفه های حس گرا و تجربه گرا دادند.
- ۸- فلاسفه غرب از طریق علامه طباطبائی با فلسفه ارسطویی آشنا شدند.
- ۹- افلاطون در کتاب مابعد الطبیعه وجود را از ماهیت جدا می سازد.
- ۱۰- وقتی می گوئیم انسان موجود است تفاوت انسان و وجود فقط در ذهن و از جهت مفهوم است.
- ۱۱- ما انسان های دانیم که اشیا و موجوداتی پیرامون ما وجود دارند و می توانیم به آنها علم پیدا کنیم.
- ۱۲- ویژگی های مخصوص و متمایز موجودات را در منطق و فلسفه، ذاتیات یک شیء هم می گویند.
- ۱۳- میان «انسان» به عنوان یک «چیستی» و «وجود» رابطه ذاتی برقرار است.
- ۱۴- ابن رشد اصیل مغایرت وجود و ماهیت را در اروپا گسترش داد و زمینه ساز گفت و گوهای فراوانی در آنجا شد.
- ۱۵- توماس آکوئیناس همچون ابن سینا این نظر را پایه برهان های خود در خداشناسی قرار داد.
- ۱۶- بنیانگذار مکتب تومیس در اروپا، راجر بیکن است که هنوز هم به نام وی در جریان است.
- ۱۷- توماس آکوئیناس در قرن ۱۳ میلادی زندگی می کرد، فلسفه ای را در اروپا پایه گذاری کرد که بیشتر متکی به دیدگاه های که بیشتر متکی به دیدگاه های ابن سینا و تا حدودی ابن رشد دیگر فیلسوف مسلمان بود.
- ۱۸- فلسفه توماس آکوئیناس فرصتی را فراهم کرد تا فلاسفه غرب با اندیشه های فلسفی و عقلی ابن سینا و فارابی آشنا شوند.
- ۱۹- فلسفه توماس آکوئیناس فرصتی را فراهم کرد تا فلاسفه غرب مجدداً از طریق ابن سینا و ابن رشد با فلسفه ارسطویی ارتباط برقرار کنند.

۲۰- اگر مفهوم وجود، عین مفهوم ماهیت بود، دیگر تصور هر ماهیتی برای اثبات وجود آن کافی بود. (نهایی شهریور ۹۸)

۲۱- حمل "حیوان ناطق" بر "انسان" یک حمل ضروری است و به دلیل نیاز دارد. (نهایی دی ماه ۹۸)

۲۲- همه اشیا واقعی درجهان، در ذهن ما به دو جزء "وجود" و "ماهیت" تحلیل می شوند. (نهایی دی ماه ۹۸)

۲۳- وجود وجه اختصاصی موجودات و ماهیت وجه مشترک آنها می باشد. (نهایی خردادماه ۹۹ و شهریور ۹۹)

۲۴- وجود و ماهیت در خارج از ذهن، دو امر جداگانه هستند و مغایرت دارند. (نهایی دی ماه ۹۹)

۲۵- میان انسان به عنوان یک "ماهیت" و "وجود" رابطه ذاتی برقرار است. (نهایی دی ماه ۹۹)

۲۶- حمل "جسم" بر "مداد و خودکار" به دلیل نیاز دارد. (نهایی خرداد ماه ۱۴۰۰)

۲۷- در عالم خارج، دو امر جداگانه به نام "آب" و "وجود" نداریم و آنها دو مفهوم مختلف از یک موجود واحدند. (نهایی شهریور ماه ۱۴۰۰)

@جوابها: ۱- غ ۲- ص ۳- غ ۴- غ ۵- ص ۶- غ ۷- ص ۸- غ ۹- غ ۱۰- ص ۱۱- ص ۱۲- ص ۱۳- غ ۱۴- غ ۱۵- ص ۱۶- غ ۱۷- ص ۱۸- غ

۱۹- ص ۲۰- ص ۲۱- غ ۲۲- ص ۲۳- غ ۲۴- غ ۲۵- غ ۲۶- غ ۲۷- ص

**@جاهای خالی را با کلمات مناسب کامل کنید:**

۲۸- معرفت شناسی درباره..... صحبت می کند خودبخشی از هستی شناسی به معنای .... آن است.

۲۹- یکی از مباحث اولیة فلسفه، تعیین نسبت دو مفهوم ..... و ..... است.

۳۰- نسان در هر چیزی که مشاهده می کند، دو حیثیت می یابد: حیثیت ... و حیثیت.....

۳۱- حیثیت وجود، وجه..... است و حیثیت ماهیت، وجه..... آنها.

۳۲- در جملات حملی «ماه هست»، «خورشید هست»، موضوع «.....» و محمول «.....» نامیده می شود.

۳۳- وقتی میگوییم "هستی" و "چیستی" دو جنبه یک چیزند، به این معنایست که آنها دو جزء از یک چیزند که باهم..... یا..... شده اند.

۳۴- فارابی، فیلسوف بزرگ مسلمان، به نسبت میان..... و..... توجه ویژه ای کرد و در تمایز میان این دو مفهوم، نکاتی را مطرح نمود.

۳۵- نظریه مغایرت وجود با ماهیت ابن سینا مورد توجه..... نیز قرار گرفت و زمینه گفت و گوهای مهم فلسفی فراوانی را فراهم

آورد که تا عصر..... دنبال شد و تا امروز هم ادامه یافته است.

۳۶- ارسطو در کتاب..... وجود را از ماهیت جدا می سازد، اما به توضیحات کوتاهی اکتفا می کند.

۳۷- در تعریف انسان «حیوان ناطق است «دو مفهوم» انسان و "حیوان ناطق «دو مفهوم یکدیگر .. هستند. و تفاوت آنها صرفا در.....

شان است؛ یعنی حیوان ناطق مفهوم گسترده انسان است.

۳۸- فلاسفه ..... از طریق ابن سینا و ابن رشد مجدد ا با فلسفه ..... آشنا شدند.

۳۹- همه موجودات از نظر "وجود" باهم اشتراک دارند و اختلاف آنها از جهت ..... می باشد.

۴۰- ماهیت و چیستی هر شیء، بیان کننده ..... است.

۴۱- ویژگی های مخصوص و متمایز موجودات را در .....، ذاتیات یک شیء می گویند.

۴۲- نام یکی از فلاسفه بزرگ اروپا که با فلسفه ابن سینا آشنا بود، و نظریه "فرق وجود و ماهیت" را پایه برهان خود در خداشناسی

قرار داد، ..... بوده است. (نهایی شهریور ۹۹)

۴۳- توماس آکوئیناس که با فلسفه ابن سینا آشنا بود. نظریه "....." را پایه برهان خود در خداشناسی قرار داده بود. (نهایی دی ۹۹)

۴۴- کودک با استفاده از کلمه "این" یا "آن" نشان می دهد که از ..... اشیاء آگاه است. (نهایی شهریور ۱۴۰۰)

@ جوابها: ۲۸- حقیقت علم/عام ۲۹- هستی یا وجود و چیستی یا ماهیت ۳۰- موجود بودن/چیستی داشتن ۳۱- مشترک موجودات/

اختصاصی ۳۲- ماهیت/وجود ۳۳- ترکیب/جمع ۳۴- وجود/ماهیت ۳۵- فلاسفه مسلمان/ملاصدرا ۳۶- مابعدالطبیعه ۳۷- جدایی ناپذیر

گسترده ۳۸- غرب/ارسطویی ۳۹- ماهیت ۴۰- توماس آکوئیناس ۴۱- ذاتیات آن شیء ۴۲- منطق و فلسفه ۴۳- فرق وجود و ماهیت ۴۴- وجود

@ گزینه درست را انتخاب کنید (نهایی خرداد ماه ۹۹)

۴۵- کدام اصل پایه برهان وجود و امکان ابن سینا قرار گرفته است؟ (۱) مغایرت وجود و ماهیت (۲) تقدم علت بر معلول

@ گزینه مناسب را انتخاب کنید (نهایی دی ماه ۹۹)

۴۶- فیلسوفان غربی از طریق ابن سینا و ابن رشد، مجدداً با فلسفه (۱: افلاطون □ □ ۲: ارسطو) آشنا شدند.

@ گزینه مناسب را انتخاب کنید (نهایی خرداد ماه ۱۴۰۰)

۴۷- در قرن ۱۳ میلادی فلاسفه غرب از طریق ابن سینا و ابن رشد، مجدداً با فلسفه (۱: افلاطون □ □ ۲: ارسطو) آشنا شدند.

@ جوابها: ۴۵- گزینه یک درست است. ۴۶- شماره ۲ درست است (ارسطو). ۴۷- شماره ۲ درست است (ارسطو).

@ گزینه صحیح را انتخاب کنید:

۴۸- موضوع دانش فلسفه ..... است فلسفه، مسائل پیرامون ..... را بررسی می کند؛ بنابراین، اصل دانش فلسفه رانیز .... می گویند.

(۱) وجود-وجود-وجود شناسی (۲) ماهیت-وجود-وجود شناسی (۳) ماهیت-ماهیت-مابعدالطبیعه (۴) وجود-ماهیت-مابعدالطبیعه

۴۹- معرفت شناسی درباره ..... صحبت می کند خود بخشی از هستی شناسی به معنای ..... است.

(۱) واقعیت علم- خاص آن (۲) حقیقت علم- خاص آن (۳) واقعیت علم- عام آن (۴) حقیقت علم- عام آن

۵۰- از این که در قضایای آسمان هست، مرغابی وجود دارد و... تصور ما از موضوع عین تصور ما از محمول نیست، کدام بحث فلسفی را

مستدل می سازد؟

(۱) اصالت وجود و اعتباریت ماهیت (۲) تشکیک مراتب هستی (۳) قبول واقعیت مستقل از ذهن (۴) مغایرت وجود و ماهیت

۵۱- از اینکه دو قضیه "انسان، انسان است" و "انسان موجود است" به یک معناییستند، کدام اصل به دست می آید؟

(۱) اصالت وجود و اعتباریت ماهیت (۲) تشکیک مراتب هستی (۳) قبول اصل واقعیت مستقل از ذهن (۴) مغایرت وجود و ماهیت

۵۲- فلاسفه ای مثل آلبرت کبیر و راجر بیکن نیز نظری نزدیک به... داشتند اینان در قرن های ۱۳ تا ۱۵ میلادی فلسفه ای را در اروپا ترویج می کردند که بیشتر متکی به دیدگاه های... و تا حدودی... بود.

(۱) ارسطو/ابن سینا/ابن رشد (۲) توماس آکوئیناس/ابن سینا/ابن رشد

(۳) ارسطو/توماس آکوئیناس/ابن سینا (۴) توماس آکوئیناس/ارسطو/ابن سینا

۵۳- چرا معرفت شناسی خود بخشی از هستی شناسی به معنای عام آن است؟ زیرا...:

(۱) حقیقت وجود که وجود ذهنی نامیده می شود خود از اقسام وجود است.

(۲) حقیقت علم، که وجود ذهنی نامیده می شود، خود از اقسام وجود است.

(۳) حقیقت وجود، که وجود علمی نامیده میشود، خود از اقسام علوم است.

(۴) حقیقت علم، که وجود علمی نامیده میشود، خود از اقسام علوم است.

۵۴- کدام یک از موارد زیر از مباحث اصلی فلسفه نیست؟

(۱) تقسیم وجود به وجود خارجی و وجود ذهنی / رابطه هستی با چیستی / واجب و ممکن

(۲) تقسیم وجود به وجود خارجی و وجود ذهنی / رابطه حرکت با تغییرات کمی / ثابت و متغیر

(۳) رابطه هستی با چیستی / تقسیم وجود به علت و معلول / ثابت و متغیر

(۴) رابطه هستی با چیستی / تقسیم وجود به علت و معلول / واجب و ممکن

@ جواب تست ها: ۴۸- گزینه ۱ ۴۹- گزینه ۴ ۵۰- گزینه ۴ ۵۱- گزینه ۴ ۵۲- گزینه ۲ ۵۳- گزینه ۲ ۵۴- گزینه ۲

۵۵- هر یک از گزینه‌های سمت راست با یکی از گزینه‌های سمت چپ مناسبت دارد. آنها را در کنار هم بنویسید (یک مورد

در سمت چپ اضافی است)

- |   |                         |
|---|-------------------------|
| الف) فلسفه توماسی - تومیسم                            | ۱- ابن سینا             |
| ب) برهان وجوب و امکان                                 | ۲- فارابی               |
| ج) کتاب مابعدالطبیعه                                  | ۳- توماس آکوئیناس       |
| د) یکی از اساسی ترین آرا و عقاید فلسفی در تفکر اسلامی | ۴- ارسطو                |
|   | ۵- برهان وجوب و امکان   |
|   | ۶- مغایرت وجود با ماهیت |

@ جواب ها: الف- (۳) ب- (۱) ج- (۴) د- (۶)

۵۶- سوالات کشف ارتباط:

- |   |                   |
|---|-------------------|
| الف: سوالات                                     | ب: پاسخ ها        |
| ۱- موضوع دانش فلسفه                             | الف) ارسطو        |
| ۲- پایه گذار فلسفه توماسی تومیسم                | ب) دلیل           |
| ۳- یکی از برهان های ابن سینا در اثبات وجود خدا  | ج) توماس آکوئیناس |
| ۴- مولف کتاب مابعدالطبیعه                       | د) وجود و ماهیت   |
| ۵- وجه اختصاصی موجودات است.                     | ک) حیوان ناطق     |
| ۶- دو حیثیتی که انسان در هر چیزی مشاهده می کند. | ل) وجود           |
| ۷- در گزاره « انسان حیوان ناطق است » محمول است. | م) وجوب و امکان   |
| ۸- حمل وجود بر ماهیت نیازمند آن است.            | ه) ماهیت          |

@ جواب ها: (۱) ل (۲) ج (۳) م (۴) الف (۵) ه (۶) د (۷) ک (۸) ب

@ به سوالات ذیل جواب کوتاه دهید:

۵۷- چرا معرفت شناسی خود بخشی از هستی شناسی به معنای عام آن است؟

زیرا حقیقت علم، که وجود ذهنی نامیده می شود، خود از اقسام وجود است و این هستی است که به وجود ذهنی و وجود خارجی تقسیم

می شود.

۵۸- انسان را از نظر منطقی و فلسفی تعریف کنید.

انسان: انسان حیوان ناطق است.

۵۹- مباحث اصلی فلسفه را نام ببرید؟

۱- تقسیم وجود به وجود خارجی و وجود ذهنی، ۲- رابطه هستی با چیستی ۳- تقسیم وجود به علت و معلول

۴- واجب و ممکن ۵- ثابت و متغیر

۶۰- چرایی از مباحث اولیة فلسفه، تعیین نسبت دو مفهوم هستی و چیستی ( وجود و ماهیت) است؟

زیرا این دو مفهوم از پرکاربردترین مفاهیم میان انسان ها هستند و معمولاً در کنار هم به کار می روند.

۶۱- حیثیت های دریافتی متفاوتی که یک انسان در هر چیزی مشاهده می کند چند نوع است؟ بنویسید.

دو نوع، حیثیت موجود بودن و حیثیت چیستی داشتن وجود، وجه مشترک موجودات است و ماهیت، وجه اختصاصی آنها.

۶۲- تحلیل و تفسیر خود را نسبت به گزاره های ذیل بنویسید:

۱- اطراف ما اشیاء فراوانی هستند که هم چیستی آنها را تا حدود زیادی می شناسیم و هم از هستی اطلاع داریم.

۲- برخی امور هستند که از « هستی » شان خبر داریم اما هنوز درباره « چیستی » آنها نظر روشنی نداریم.

۳- چیستی های فراوانی را هم می توانیم در ذهن خود حاضر کنیم؛ در حالی که می دانیم این امور حداقل تاکنون وجود ندارند.

@ جواب: گزاره های فوق، گرچه به مسائل روزمره ما مربوط می شوند و فضایی فلسفی نیستند، یک تبیین فلسفی دارند.

۶۳- برهان وجوب و امکان درباره اثبات چه چیزی است؟ این برهان را چه کسی ارائه کرده است؟ پایه این برهان چیست؟

این برهان درباره اثبات خداوند است. این برهان را ابن سینا ارائه کرده است و پایه این برهان مغایرت وجود و ماهیت است.

۶۴- حمل وجود بر چیستی و ماهیت نیازمند چیست؟

نیازمند دلیل است. حال این دلیل ممکن است حسی و تجربی باشد یا عقلی محض

۶۵- یکی از اساسی ترین آرا و عقاید فلسفی در تفکر اسلامی چیست؟

فرق بین ماهیت و وجود یا همان مغایرت وجود و ماهیت

۶۶- چرا میان «انسان» به عنوان یک «چیستی» و «وجود» رابطه ذاتی برقرار نیست؟

به همین سبب، انسان، می تواند موجود باشد و می تواند موجود نباشد.

۶۷- فلسفه ای که توماس آکوئیناس در قرن ۱۳ در اروپا پایه گذاری نمود بیشتر متکی به دیدگاههای کدام فیلسوفان مسلمان بود؟

ابن سینا و تا حدودی ابن رشد



۶۸- توماس آکوئیناس از نظر فلسفی تحت تاثیر کدام اندیشمند مسلمان بود؟ (باندکی تغییر نهایی دی ماه ۹۸) ابن سینا

۶۹- به ترتیب وجه مشترک و وجه اختصاصی موجودات چیست؟ (نهایی دی ماه ۹۹)

وجود (هستی) - ماهیت (چیستی)

۷۰- وجه مشترک و وجه اختصاصی موجودات را به ترتیب بنویسید. (نهایی خرداد ماه ۱۴۰۰)

وجود (هستی) - ماهیت (چیستی)

۷۱- چرا در حمل "شکل سه ضلعی" بر "مثلث" نمی توان از دلیل حمل سوال کرد؟ (نهایی شهریور ماه ۱۴۰۰)

زیرا شکل سه ضلعی از اجزای تعریفی مثلث و چیستی آن است، و گویای ذات و حقیقت مثلث است.

### \* پاسخ کامل و تشریحی دهید:

۷۲- قدم های موجود برای شناسایی نسبت میان هستی و چیستی یا وجود و ماهیت را به اختصار بنویسید؟

**قدم اول: قدم اول: هستی در مقابل نیستی:** در اطراف ما چیزهایی واقعی هست که بر حسب نیاز از آنها استفاده می کنیم و

نیازمان را برطرف می سازیم؛ یعنی قبول داریم که مثلاً غذا و آب واقعاً هست و می توان با دست خود آنها را برداشت و از آنها استفاده نمود. یعنی: ما انسان ها می دانیم که اشیا و موجوداتی پیرامون ما وجود دارند و می توانیم به آنها علم پیدا کنیم.

**قدم دوم: هستی در مقابل چیستی در واقعیت:** موجودات چه ویژگیهای مخصوص به خود دارند که آنها را از دسته دیگر

موجودات متفاوت و متمایز می کند. این ویژگی های مخصوص را در منطق و فلسفه، ذاتیات یک شیء هم می گویند. به عبارت

دیگر: ماهیت و چیستی هر شیء، بیان کننده ذاتیات آن شیء است. الف- کاربرد مفاهیم این و آن نشان از پی بردن به وجود

است. ب- پرسش از چیستی نشان از عدم آگاهی از ماهیت است. ج- انسان در هر چیزی که مشاهده می کند و حیثیت و دو جنبه می

یابد: ۱- موجود بودن (مشترک بین موجودات) - چیستی داشتن: (اختصاصی هر شیء)

**قدم سوم: هستی در مقابل چیستی در ذهن:** هستی و چیستی دو جنبه یک چیزند مثلاً رابطه انسان و موجود در ذهن و از جهت

مفهوم دو چیز مغایر و قابل تفکیک ولی در عین وواز جهت هستی یک چیز، عینی و غیر قابل تفکیک است. مثلاً در خارج، دو امر

جداگانه به نام آب (ماهیت) و وجود نداریم به عبارت دیگر: «وجود» و «آب» دو مفهوم مختلف و متفاوت از یک موجود هستند.

**قدم چهارم: دلایل ابن سینا مغایرت وجود و ماهیت:** حمل هستی بر هر چیستی یک حمل ضروری و نیازمند به دلیل است.

مثال: دو قضیه انسان حیوان ناطق است و انسان موجود است متفاوتند. زیرا حمل وجود بر انسان با حمل حیوان ناطق بر انسان کاملاً

متفاوت است.

۷۳- نقش و اهمیت توماس آکوئیناس در گسترش بحث مغایرت وجود و ماهیت ابن سینا را بنویسید؟

اوبه عنوان یکی از فیلسوفان بزرگ اروپا که با فلسفه ابن سینا آشنا بود، این نظر را در اروپا گسترش داد و زمینه ساز گفت و گوهای فراوانی در آنجا شد و همچون ابن سینا این نظر را پایه برهان های خود در خداشناسی قرار داد و پایه گذار فلسفه توماسی تومیسم در اروپا شد که هنوز هم به نام وی در جریان است.

۷۴- منظور از ذاتیات یک شیء چیست؟ مثال بزنید.

ویژگی های مخصوص و متمایز موجودات را در منطق و فلسفه، ذاتیات یک شیء می گویند. به عبارت دیگر ماهیت و چیستی هر شیء، بیان کننده ذاتیات آن شیء است. مثلاً مفهوم انسان و آب و.....

۷۵- تبیین و تفسیر ابن سینا از مفاهیم هستی و چیستی (وجود و ماهیت) را با ذکر مثالی توضیح دهید؟

ابن سینا بیان کرد که وقتی می گوئیم هستی و چیستی دو جنبه یک چیزند، به این معنا نیست که آنها دو جزء از یک چیزند که باهم ترکیب یا جمع شده اند؛ آنگونه که اکسیژن و هیدروژن دو جزء تشکیل دهنده آب هستند؛ وقتی می گوئیم "انسان موجود است" تفاوت انسان و وجود فقط در ذهن و از جهت مفهوم است، والد از خارج، دو امر جداگانه به نام وجود و انسان نداریم؛ یعنی در خارج از ذهن، واقعیتی است که هر دو مفهوم را به آن نسبت می دهیم. به عبارت دیگر، "وجود و انسان" دو مفهوم مختلف و متفاوت اند که دو موجود جداگانه.

۷۶- ماهیت را تعریف کرده و با ذکر مثال اثبات کنید که وجود با ماهیت در ذهن مغایر یکدیگرند؟ یا چرا مفهوم وجود عین مفهوم ماهیت یا جزء آن نیست؟ یا آیا تصور آدمی از مفهوم وجود عین تصور او از مفهوم ماهیت است؟ چرا؟ (یکی به اختیار)

**پاسخ ۱** مقدمه ۱: اگر مفهوم وجود عین ماهیت بود می بایست برای اثبات وجود برای هیچ ماهیتی نیاز به دلیل نبود. مقدمه ۲: ولی برای این امر ما نیازمند دلیل هستیم. نتیجه: وجود و ماهیت باهم یکسان نبوده مغایرت دارند. (مثال مناسب)

**پاسخ ۲:** بنابراین، حمل وجود بر هر چیستی از جمله انسان نیازمند دلیل است. حال این دلیل ممکن است حسی و تجربی باشد یا عقلی محض. مثال: درد و گزارة انسان حیوان ناطق است و انسان موجود است حمل وجود بر انسان با حمل حیوان ناطق بر انسان کاملاً متفاوت است.

۷۷- چراییان «انسان» به عنوان یکی از چیستی ها با مفهوم وجود مغایر است و رابطه ذاتی میان آنها برقرار نیست؟

برای اینکه مفهوم «انسان» را بر مفهوم «انسان» حمل کنیم، نیازمند دلیل هستیم تا بتوانیم بگوئیم «انسان موجود است» حال ممکن است این دلیل از طریق حس و تجربه شناسایی شود یا از طریق عقل محض سایر ماهیت ها و چیستی هانیز نسبت به مفهوم وجود همین حالت را دارند.

در عبارت انسان حیوان ناطق است، حیوان ناطق که محمول قضیه است، در تعریف انسان آمده است؛ پس انسان همان حیوان ناطق است. این دو مفهوم از یکدیگر جدایی ناپذیرند. هر انسانی حیوان ناطق است و هر حیوان ناطقی انسان است. اصولاً لفظ انسان برای همین چیزی که حیوان ناطق است به کار می رود؛ یعنی حیوان ناطق مفهوم گسترده انسان است. بنابراین، حمل حیوان ناطق بر انسان یک حمل ضروری است و به دلیل نیاز ندارد؛ یعنی نمی توان پرسید چه عاملی باعث شد که حیوان ناطق را بر انسان حمل کنید؟ اما در عبارت، انسان موجود است مفهوم وجود از مفهوم انسان جداست و جزء تعریف آن قرار نمی گیرد. بنابراین، میان انسان به عنوان یک چیستی و وجود رابطه ذاتی برقرار نیست؛ به همین سبب، انسان، می تواند موجود باشد و می تواند موجود نباشد. بنابراین، حمل وجود بر هر چیستی، از جمله انسان نیازمند دلیل است. حال این دلیل ممکن است از طریق حس و تجربه بدست آید یا از طریق عقل محض.

۷۹- دو مورد از نقش و اهمیت توماس آکوئیناس در فلسفه اروپایی و ارتباط آن با فلسفه ابن سینا و ابن رشد را بنویسید؟

۱- یکی از فیلسوفان بزرگ اروپا به نام توماس آکوئیناس که با فلسفه ابن سینا آشنا بود، اصل مغایرت وجود و ماهیت را در اروپا گسترش داد و زمینه ساز گفت و گوهای فراوانی در آنجا شد. ۲- او همچون ابن سینا این نظر را پایه برهان های در اروپا شد خود در خداشناسی قرار داد و پایه گذار مکتب فلسفی تومیسیم که هنوز هم به نام وی در جریان است. ۳- او که در قرن ۱۳ میلادی زندگی می کرد، فلسفه ای را در اروپا پایه گذاری کرد که بیشتر متکی به دیدگاه های ابن سینا و تا حدودی ابن رشد بود.

۸۰- چه عاملی فرصتی را فراهم کرد تا فلاسفه غرب از طریق ابن سینا و ابن رشد مجدداً با فلسفه ارسطویی آشنا شوند؟

توماس آکوئیناس که در قرن ۱۳ میلادی زندگی می کرد، فلسفه ای را در اروپا پایه گذاری کرد که بیشتر متکی به دیدگاه های ابن سینا و تا حدودی ابن رشد بود. همین امر فرصتی را فراهم کرد تا فلاسفه غرب با اندیشه های فلسفی و عقلی ابن سینا و ابن رشد آشنا شوند و از این طریق، مجدداً با فلسفه ارسطویی ارتباط برقرار کنند.

۸۱- وقتی می گوئیم " هستی " و " چیستی " دو جنبه یک چیزند به چه معنا هست و به چه معنا نیست؟

وقتی می گوئیم « هستی » و « چیستی » دو جنبه یک چیزند، به این معنا نیست که آنها دو جزء از یک چیزند که با هم ترکیب یا جمع شده اند. وقتی می گوئیم انسان موجود است تفاوت انسان و وجود فقط در ذهن و از جهت مفهوم است. در خارج دو امر جداگانه به نام وجود و ماهیت نداریم. ماهیت و وجود دو مفهوم مختلف و متفاوت اند نه دو موجود جداگانه.

۸۲- چرا دو مفهوم حیوان ناطق و انسان از یکدیگر جدایی ناپذیرند؟

در عبارت «انسان حیوان ناطق است». «حیوان» و «ناطق» از اجزای تعریفی انسان هستند و چستی اوراتشکیل می دهند و بیان کننده ذات و حقیقت انسان نیست. یعنی ذات انسان چیزی جز همان «حیوان ناطق» نیست. همین جهت، این دو مفهوم از یکدیگر جدایی ناپذیرند؛ یعنی هر انسانی حیوان ناطق است و هر حیوان ناطقی انسان است. چون «حیوان ناطق» همان حقیقت و ذات «انسان» است، حمل حیوان ناطق بر انسان به دلیل نیاز ندارد؛ یعنی نمی توان پرسید چه عاملی باعث شد حیوان ناطق را بر انسان حمل کنید؟

۸۳- چرا رابطه دو مفهوم «وجود» و «انسان» نیازمند دلیل است؟

اما رابطه دو مفهوم «وجود» و «انسان» این گونه نیست. برای اینکه مفهوم «وجود» را بر مفهوم «انسان» حمل کنیم، نیازمند دلیل هستیم تا بتوانیم بگوییم «انسان موجود است». حال ممکن است این دلیل از طریق حس و تجربه شناسایی شود یا از طریق عقل محض. سایر ماهیت ها و چستی هانیز نسبت به مفهوم وجود همین حالت را دارند. بنابراین مفهوم "انسان" به عنوان یکی از چستی ها با مفهوم وجود مغایر است و رابطه ذاتی میان آنها برقرار نیست.

۸۴- یکی از دلایل مغایرت وجود با ماهیت را با ذکر مثال به اختصار بنویسید.

ابن سینا می گوید: درد و گزارة «انسان حیوان ناطق است» و «انسان موجود است»، حمل «وجود» بر «انسان» با حمل «حیوان ناطق» بر «انسان» کاملاً متفاوت است. در عبارت «انسان حیوان ناطق است»، «حیوان» و «ناطق» از اجزای تعریفی انسان هستند و چستی اوراتشکیل می دهند و بیان کننده ذات و حقیقت انسان نیست. یعنی ذات انسان چیزی جز همان «حیوان ناطق» نیست. همین جهت، این دو مفهوم از یکدیگر جدایی ناپذیرند؛ یعنی هر انسانی حیوان ناطق است و هر حیوان ناطقی انسان است. چون «حیوان ناطق» همان حقیقت و ذات «انسان» است، حمل حیوان ناطق بر انسان به دلیل نیاز ندارد؛ یعنی نمی توان پرسید چه عاملی باعث شد حیوان ناطق را بر انسان حمل کنید؟

اما رابطه دو مفهوم «وجود» و «انسان» این گونه نیست. برای اینکه مفهوم «وجود» را بر مفهوم «انسان» حمل کنیم، نیازمند دلیل هستیم تا بتوانیم بگوییم «انسان موجود است». حال ممکن است این دلیل از طریق حس و تجربه شناسایی شود یا از طریق عقل محض. سایر ماهیت ها و چستی هانیز نسبت به مفهوم وجود همین حالت را دارند. بنابراین مفهوم "انسان" به عنوان یکی از چستی ها با مفهوم وجود مغایر است و رابطه ذاتی میان آنها برقرار نیست.

۸۵- تفاوت حمل حیوان ناطق بر انسان با حمل موجود بر انسان چیست؟ توضیح دهید. (نهایی خرداد و دی ماه ۹۹)

در عبارت "انسان حیوان ناطق است"، حمل حیوان ناطق بر انسان یک حمل ضروری است و به دلیل نیاز ندارد. اما حمل وجود بر انسان در عبارت "انسان موجود است" رابطه ضروری نیست و به دلیل نیاز دارد.

۸۶- تفاوت حمل "شکل سه ضلعی" بر "مثلث" با حمل "موجود" بر "مثلث" چیست؟ توضیح بدهید. (نهایی شهریورماه ۹۹)

در عبارت "مثلث شکل سه ضلعی است" حمل شکل سه ضلعی بر مثلث یک حمل ضروری است و به دلیل نیاز ندارد اما حمل وجود بر مثلث در عبارت مثلث موجود است، رابطه ضروری نیست و به دلیل نیاز دارد.

### @جواب فعالیت ها و تمرینات درس اول

🌟 پاسخ تکمیل گزاره‌ها، ص ۴

۱- درخت صنوبر-انسان-ستاره-اسب-فیل-و..... ۲- الکترون، انرژی، امواج الکترومغناطیسی و سبزه چاله هایدروژن و حقیقت نور. خداوند، فرشتگان، جنیان و روح ۳- سفر در زمان، کارخانه تولید اعضای طبیعی بدن و غول، دیو، ققنوس، سیمرغ و سراب.

🌟 پاسخ بررسی، ص ۶

✓ اگر مفهوم وجود عین ماهیت (نوع) یا حتی جز ماهیت (جنس یا فصل) بود تصور هر ماهیتی برای اثبات وجود آن کافی بود یعنی همین که می توانستیم یک ماهیت را تصور کنیم باید می توانستیم مفهوم وجود را بعنوان محمول بران حمل نماییم حال آنکه چنین نیست می گوئیم غول یا کیمیا چیست؟ ماهیت آن را داریم ولی نمی توانیم بگوئیم وجود دارد ✓ به عبارت دیگر: تصور ماهیتی، به معنای وجود آن بود. به این معنی که هر چیزی را تصور می کردیم، باید وجود می داشت. مفهوم تمام ماهیات یکی می شد.

🌟 پاسخ بازبینی ص ۶

۱- بله چون بعضی موجودات حسی و تجربی هستند و بعضی دیگر عقلی محض هستند. ۲- ۲ و ۳ توضیح صرفاً برای تبیین: (اولاً همه گزاره ها با بیان ابن سینا هماهنگ است و تضادی با قول ایشان ندارد. ثانیاً گزاره دوم وسوم باروشنی بیشتری تمایز وجود از ماهیت را می رسانند، زیرا در گزاره دوم این نکته آمده که هستی برخی از امور را می شناسیم اما ماهیت آنها روشن نشده است. در گزاره سوم نیز گفته شده که مای توانیم ماهیاتی را در ذهن بیاوریم در حالی که ممکن است اصلاً موجود نباشند. در گزاره اول سخنی از تمایز میان وجود و ماهیت نیست و فقط گفته شده که ما از اشیای پیرامون خود دو مفهوم چستی و هستی را به دست می آوریم. اما گزاره دوم وسوم به نحو روشن ترین تمایز را می رسانند.)

🌟 پاسخ «به کار ببندیم»، ص ۷

۱- حمل بشر بر انسان و نیز حمل حیوان بر انسان ذاتی و ضروری است و دلیل نمی خواهد ولی حمل مخلوق بر انسان ذاتی نیست و دلیل می خواهد که دلیل آن، از طریق عقل به دست می آید. به عبارت دیگر، قضیه انسان موجود است، با قضیه انسان مخلوق است، مشابه است. زیرا هم مخلوق و هم موجود، از ذاتیات انسان نیست و حمل آن بر انسان نیازمند دلیل است. اما بشر و حیوان ذاتی انسان است و دلیل نمی خواهد.

۲- می توان مغایرت و دوگانگی مفهوم وجود و ماهیت را نتیجه گرفت. گویای آن است که انسان میان وجود و ماهیت تمایز قائل می شود و نیز انسان برای وجود، یک معنا در ذهن دارد و با اینکه نسبت به ماهیت آن موجود شک و تردید دارد که چه ماهیتی است، اما این شک و تردید به وجود آن موجود سرایت نمی کند.

۳- ۱. حمل حیوان بر انسان ذاتی است و دلیل نمی خواهد.

۲. حمل شیر بر انسان ممتنع است زیرا نه به لحاظ مفهومی جزء مفهوم انسان است و نه به لحاظ خارج شیرو انسان یکی هستند.

۳. حمل عجول بر انسان ذاتی نیست و دلیل می خواهد که دلیل آن، از طریق عقل به دست نمی آید. حمل موجود بر انسان نیز ذاتی نیست و دلیل می خواهد که دلیل آن هم همان مشاهده و تجربه خود ماست.

۴. حمل ناطق بر انسان نیز ذاتی است و دلیل نمی خواهد.

۵. حمل موجود بر انسان نیز ذاتی نیست و دلیل می خواهد که دلیل آن هم همان مشاهده و تجربه خود ماست.

۴- خیر، چون مفهوم سه ضلعی، جزء مفهوم مثلث است، به عبارت دیگر حمل سه ضلعی بر مثلث ضروری است و به دلیل نیاز ندارد.

- ۱-در قضیه «تخته‌ی کلاس ما سبز است» رابطه‌بین موضوع و محمول ضروری می‌باشد
- ۲-در قضیه «غذای امروز، شور بود.» رابطه‌ موضوع و محمول، امتناعی می‌باشد
- ۳-قضیه «مجموع دو ضلع مثلث، بزرگتر از ضلع سوم است، رابطه‌ وجوبی است.
- ۴-رابطه‌ امتناعی یعنی محمول قضایا برای موضوعشان ضروری نیست.
- ۵-در قضیه "تعداد موجودات روی زمین بی نهایت است" برقراری ارتباط میان موضوع و محمول ممکن است.
- ۶-قضیه "امروز هوای تبریز پر از گرد و خاک است." رابطه‌ موضوع و محمول امتناعی است.
- ۷-نسبت وجود وهستی به عنوان یک محمول با موضوع آن در قضیه "میز وجود دارد" ضروری است.
- ۸-به عقیده فارابی وقتی به ذات و ماهیت اشیا پیرامون خود نگاه میکنیم میان این ماهیات و وجود یک رابطه‌ امکانی می یابیم.
- ۹-در رابطه‌ امکانی ، ذات و ماهیت اشیا به گونه ای نیست که حتماً باید باشد.
- ۱۰-رابطه‌ میان وجود و گیاه یک رابطه‌ ضرورت است.
- ۱۱-چیزی ذاتا نسبت به وجود حالت امکانی داشته و ممکن الوجود باشد می تواند خود به خود از حالت امکان خارج شود و وجود برایش ضروری گردد و موجود شود.
- ۱۲-اشیایی، که ذاتا ممکن الوجودند، تا واجب الوجود نشوند، موجود نمی شوند.
- ۱۳-اشیایی که ماهیتا، ممکن الوجود نیستند، عاملی دیگر این ماهیات را واجب الوجود کرده وبه آنها وجود بخشیده است.
- ۱۴-همه‌ ماهیاتی که موجودند، به واسطه‌ عاملی دیگر واجب الوجود شده اند. واجب الوجود بالغیرند.
- ۱۵-ابن سینا می گوید: چون ذاتا ممکن الوجودند، به واجب الوجود بالذاتی نیاز دارند که آنها را نسبت به وجود از حالت امکانی خارج کند و وجود را برای آنها ضروری و واجب نماید.
- ۱۶-همه اشیا جهان، واجب الوجود بالذات، هستند.
- ۱۷-واجب الوجود بالذات، ذاتی است که وجود برایش ضرورت دارد و این ضرورت، از ناحیه‌ خود آن ذات است نه از ناحیه‌ یک امر بیرونی.
- ۱۸-بسیاری از مسئله های فیلسوفان همچنان ثابت مانده است و هنوز هم درباره‌ آنها بحث می کنند.
- ۱۹-میان موضوع و محمول در قضایا سه گونه رابطه می تواند برقرار باشد: واجب الوجود، ممکن الوجود و ممتنع الوجود.
- ۲۰-رابطه‌ ماهیت "انسان" با "وجود" یک رابطه‌ ضروری است.

۲۱- از نظر این سینمایی نهایت شدن تعداد اشیاء جهان، نیاز آنها را به واجب الوجود بالذات بر طرف نمی سازد. (نهایی خرداد ماه ۹۹)

۲۲- برگه امتحانی که در زیر دست شما است "واجب الوجود بالغیر" است. (نهایی خرداد ماه ۱۴۰۰)

@ جواب ها: ۱- غ ۲- غ ۳- ص ۴- غ ۵- ص ۶- غ ۷- غ ۸- غ ۹- ص ۱۰- غ ۱۱- غ ۱۲- ص ۱۳- ص ۱۴- ص ۱۵- ص ۱۶- غ

۱۷- ص ۱۸- ص ۱۹- غ ۲۰- غ ۲۱- ص ۲۲- ص

@ جاهای خالی را با کلمات مناسب کامل کنید:

۲۳- اشیاء جهان، چه تعداد آنها محدود باشد و چه نامحدود، چون ذاتاً..... اند.

۲۴- موجودات جهان بر حسب ..... خود ممکن الوجودند. از این حیث که اکنون موجودند، واجب الوجود بالغیرند.

۲۵- در جملات حملی «ماه هست»، «خورشید هست»، موضوع «.....» و محمول «.....» نامیده می شود.

۲۶- در رابطه ..... برقراری ارتباط میان موضوع و محمول غیر ممکن است.

۲۷- وقتی به ..... و ..... اشیاء پیرامون خود نگاه می کنیم، می بینیم که میان این ماهیات و وجود یک رابطه امکانی می یابیم.

۲۸- چیزی ..... نسبت به وجود حالت امکانی داشته و ..... باشند و خود به خود از حالت امکان خارج شود و وجود برایش ضروری گردد و موجود شود.

۲۹- اشیایی، که ذاتاً ممکن الوجودند، تا ..... نشوند، ..... نمی شوند.

۳۰- همه ماهیاتی که موجودند، به واسطه عاملی دیگر ..... الوجود شده اند و به همین دلیل به واجب الوجود ..... معروفند.

۳۱- رابطه میان وجود و گیاه یک رابطه ..... است.

۳۲- اشیاء جهان، چون ذاتاً ..... الوجودند، به واجب الوجود ..... نیاز دارند که آنها را نسبت به وجود از حالت امکانی خارج کند و وجود را برای آنها ضروری و واجب نماید.

۳۳- همه اشیای جهان ..... هستند.

۳۴- وجود برای واجب الوجود بالذات ضرورت دارد و این ضرورت، از ناحیه ..... آن ذات است نه از ناحیه یک امر.....

۳۵- بی نهایت شدن تعداد اشیاء جهان، نیازشان را به ..... بر طرف نمی سازد، بلکه آنها را همچنان نیازمندنگه می دارد.

۳۶- از نظر این سینا و فارابی ..... به موجودات اجازه میدهد که اگر علت وجود آنها فراهم شود، آنها نیز پایه اقلیم وجود بگذارند و موجود شوند.

۳۷- در حال حاضر، همه اشیایی که موجودند «.....» مابه واسطه علتیایی که خارج از ماهیت آنها قرار دارند، اینها " ..... " هستند.

۳۸- در میان اقسام وجود اگر موضوع، ذاتی است که نه از وجود با دار دونه از عدم، آن موضوع ..... رامی نامیم. (نهایی خرداد ۹۸)



۳۹- در قضیه "عدد پنج فرد است" رابطه محمول با موضوع، رابطه ای ..... می باشد. (نهایی شهریور ۹۹)

۴۰- در قضیه "مثلث دارای چهار ضلع است." رابطه محمول با موضوع، رابطه ای ..... می باشد. (نهایی دی ماه ۹۹)

۴۱- در قضیه "دیوار خانه ما سفید است"، رابطه محمول با موضوع خود، رابطه ..... است. (نهایی شهریور ماه ۱۴۰۰)

@ جوابها: ۲۳- (ممکن الوجود) ۲۴- (ذات) ۲۵- (ماهیت- وجود) ۲۶- (امتناعی) ۲۷- (ذات/ماهیت) ۲۸- (ذات/ممکن

۲۹- (واجب الوجود/موجود) ۳۰- (واجب/بالغیر) ۳۱- (امکانی) ۳۲- (ممکن/بالذاتی) ۳۳- (واجب الوجود/بالغیر) ۳۴-

(خود/بیرونی) ۳۵- (واجب الوجود/بالذات) ۳۶- (رابطه امکانی) ۳۷- (واجب الوجود/واجب الوجود/بالغیر) ۳۸- (ممکن الوجود) ۳۹-

(وجوبی یا ضروری) ۴۰- (امتناعی) ۴۱- (امکانی)

### @ گزینه صحیح را انتخاب کنید:

۴۲- قضیه «ارتفاع و میانه مثلث یکی است» بیانگر کدام رابطه است؟

(۱) امکانی (۲) امتناعی (۳) وجوبی (۴) ضروری

۴۳- باتوجه به عقیده ابن سینا، این عبارت را تکمیل کنید: "همه ماهیاتی که موجودند....."

(۱) به واجب الوجود بالغیری نیاز دارند که آنها را نسبت به وجود از حالت امکانی خارج کند و وجود را برای آنها ضروری کند.

(۲) به واسطه عاملی دیگر، واجب الوجود شده اند و لذا می توان گفت که همه اشیا جهان واجب الوجود بالغیر هستند.

(۳) از ناحیه خودشان واجب الوجود بالذات شدند نه از ناحیه یک امر بیرونی.

(۴) ذاتا ممکن الوجود بالذات نشوند، موجود نمی شوند.

@ جواب تست ها: ۴۲- گزینه ۱ ۴۳- گزینه ۲

۴۴- هر یک از گزینه های سمت راست با یکی از گزینه های سمت چپ مناسبت دارد. آنها را در کنار هم بنویسید (یک

### مورد در سمت چپ اضافی است)

الف) رابطه میان ماهیات و وجود ۱- رابطه ضرورت

ب) برقراری ارتباط میان موضوع و محمول غیر ممکن است. ۲- رابطه امکانی

ج) عدد زوج است ۳- واجب الوجود بالغیر

د) به واسطه عاملی دیگر واجب شده اند. ۴- واجب الوجود بالذات

و) ذاتی که ضرورت وجودش از ناحیه ذات خود است. ۵- ممکن الوجود بالذات

۶- رابطه امتناعی

@ جواب: الف) ۲ ب) ۶ ج) ۱ د) ۳ و) ۴

@گزینۀ مناسب را انتخاب کنید: (نهایی دی ماه ۹۹)

۴۵- رابطه با محمول با موضوع خود، در قضیه "زمین کروی است". رابطه (۱: امکانی □ □: وجوبی) است.

@جواب ۴۵: امکانی است (۲)

@به سؤالات ذیل جواب کوتاه دهید:

۴۶- رابطه میان قضایا را نام برده و برای هر یک مثالی بنویسید.

۱- رابطه وجوبی: عدد ۴ زوج است. ۲- رابطه امکانی: حسن معلم است. ۳- رابطه امتناعی: عدد ۶ فرد است.

۴۷- برای هر یک از سؤالات ذیل جواب مختصری در حد یک یا چند کلمه بنویسید؟

الف- در کدام رابطه است که نسبت وجود به عنوان یک محمول با موضوعشان ضروری است؟ رابطه ضرورت

ب- وقتی به ذات و ماهیت اشیاء پیرامون خود نگاه می‌کنیم، میان این ماهیات و وجود چه رابطه‌ای می‌یابیم؟

رابطه امکانی

ج- ذاتی است که وجود برایش ضرورت دارد و این ضرورت، از ناحیه خود آن ذات است نه از ناحیه یک امر بیرونی چه نامیده می‌شود؟

واجب الوجود بالذات

د- از منظر ابن سینا واجب بر چند قسم است؟ نام بنویسید.

دو قسم، واجب الوجود بالذات و واجب الوجود بالغیر

۴۸- رابطه هر یک از مفاهیم زیر را با محمول وجود تعیین نمایید (واجب، ممکن، ممتنع) (نهایی دی ماه ۹۸)

الف) شریک خدا (ب) کوه المابین (ج) انسان (د) خداوند متعال

@جواب: الف) ممتنع (ب) ممکن (ج) ممکن (د) واجب

۴۹- تعیین کنید که رابطه وجود با هر یک از موارد زیر "وجوبی" است یا "امکانی" یا "امتناعی"؟ (نهایی شهریور ماه ۹۹)

الف) دیو (ب) شریک خدا

@جواب: الف- امکانی ب- امتناعی

۵۰- تعیین کنید که رابطه وجود با هر یک از موارد زیر "وجوبی" است یا "امکانی" یا "امتناعی"؟ (نهایی دی ماه ۹۹)

الف) روح (ب) شریک خدا

@جواب: الف- امکانی ب- امتناعی

۵۱- رابطه وجود باهریک از موضوع های زیر ،جوبی است یاامکانی یاامتناعی؟ (نهایی دی ماه ۹۹)

الف) مایع جامد (ب) خداوند (ج) روح

@ جواب: الف) امتناعی (ب) وجوبی (ج) امکانی

۵۲- براساس نسبت های سه گانه درقضایا، جدول را کامل کنید:(نهایی خردادماه ۱۴۰۰)

الف:.....	مثال برای رابطه امکانی	ج: .....
عدد ۲۵ فرد است.	ب: .....	مربع سه ضلعی است.

@ جواب ها: الف) رابطه وجوبی (ب) انسان شاعر است (یا هرمثال درست دیگر) (ج) رابطه امتناعی

۵۳- رابطه وجود باهریک از موضوعات زیر از نوع ضرورت است یا: امکان یا: امتناع؟ (نهایی شهریورماه ۱۴۰۰)

سیاه سفید	دریایی از جیوه	پرنده
الف:.....	ب: .....	ج: .....

@ جواب ها: الف) امتناع (ب) امکان (ج) امکان

@ به سؤالات ذیل جواب کامل و تشریحی دهید:

۵۴- اصطلاحات زیر را با ذکر مثالی تعریف کنید؟

الف- رابطه امکانی: محمول قضایا برای موضوعشان ضروری نیست بلکه ممکن هستند؛ یعنی، هم می توانند این محمول

را بپذیرند و هم نپذیرند. مثال: حسن معلم است.

ب- واجب الوجود بالذات (باندگی تغییر نهایی دی ماه ۹۸ و شهریور ۹۹)

همان ذاتی است که وجود برایش ضرورت دارد و این ضرورت، از ناحیه خود آن ذات است نه از ناحیه یک امر بیرونی. مثال: خدا هست.

ج- رابطه ضروری: محمول قضایا برای موضوعشان ضروری است. مثال: عدد ۵ فرد است.

د- رابطه امتناعی (نهایی خردادماه ۹۹)

برقراری ارتباط میان موضوع و محمول غیرممکن است؛ یعنی محال و ممتنع است که عدد هشت فرد باشد.

و- ممتنع الوجود: (نهایی دی ماه ۹۷)

برقراری ارتباط میان موضوع و وجود غیرممکن است؛ یعنی محال و ممتنع است که عدد هشت فرد باشد، موجودات روی زمین

نامحدود باشند و مثلث، دایره باشد.

همان ممکن الوجود است که بالذات وجود برایش ضرورت ندارد اما بعد از وجود، ضرورتش از ناحیه واجب الوجود بالذات نشئت گرفته است که آن را بوجود آورده است.

۵۶- منظور از این که رابطه ماهیت "انسان" با "وجود" یک رابطه امکانی است؟

منظور این است که انسان میتواند باشد و میتواند نباشد. ذات وی به گونه ای نیست که حتما باشد و همچنین ذات وی به گونه ای نیست که حتما نباشد.

۵۷- طبق عقیده ابن سینا میان ماهیات و وجود چه نوع رابطه ای برقرار است؟

وقتی به ذات و ماهیت اشیاء پیرامون خود نگاه می کنیم، می بینیم که میان این ماهیات و وجود یک رابطه امکانی برقرار است. یعنی ذات و ماهیت اشیاء به گونه ای نیست که حتما باید باشند. همچنین، به گونه ای هم نیست که بودن آنها محال باشد. این اشیاء ذاتا می توانند باشند یا نباشند. به تعبیر دیگر، این اشیاء ممکن الوجودند.

۵۸- طبق نظر ابن سینا، اگر همه چیزهای که این جهان را تشکیل داده اند، ذاتا و ماهیتا نسبت به وجود حالت امکان دارند، چگونه از حالت

امکانی خارج شده و موجود شده اند؟ و چرا موجود بودن برای این ماهیات ضرورت پیدا کرده است؟

این اشیاء، که ذاتا ممکن الوجودند، تا واجب الوجود نشوند، موجود نمی شوند و چون ماهیتا واجب الوجود نیستند، عاملی دیگر این ماهیات را واجب الوجود کرده و به آنها وجود بخشیده است. با بودن علت، "وجود" برای موجودی مثل انسان ضروری میشود و انسان واجب الوجود می گردد و موجود می شود؛ یعنی در حال حاضر، همه اشیایی که موجودند، واجب الوجود هستند، اما به واسطه علتیهایی که خارج از ماهیت آنها قرار دارند. به عبارت دیگر: اینها "واجب الوجود بالغیر" هستند.

@ جواب فعالیت ها و تمرینات درس ۲

🌟 تمرین ص ۱۰

الف: ۱- ضروری ۲- امکان ۳- امتناع

ب: رابطه وجوبی: ۱- عدد ۴ زوج است / رابطه امکانی: ۲- امروز هوا آفتابی است / رابطه امتناعی: ۳- عدد ۵ زوج است

🌟 تعیین رابطه ص ۱۱

مربع پنج ضلعی	انرژی	پرنده	روح	دریای از جیوه	فرشتگان	خداوند	دیو	سیاه سفید	توختن	مهربانی	شکر
امتناع	امکان	امکان	امکان	امکان	امکان	ضرورت	امکان	امتناع	امکان	امکان	امکان

- ۱- نه خیر. چون یعنی امتناع ذاتی یعنی ضرورت عدم. اگر چیزی عدمش ضروری باشد و موجود شود، تناقض پیش می آید.
- ۲- نه خیر. چون ضرورت ذاتی یعنی ضرورت وجود داشتن. اگر چیزی وجودش ضروری باشد و موجود نشود، تناقض پیش می آید.
- ۳- تکمیل کنید: الف: واجب الوجود ب: ممکن الوجود ج: ممتنع الوجود

۱- مثلث سه ضلع دارد. (وجوب) / مثلث سه ضلع ندارد. (امتناع) / جهان نابود می شود. (ممتنع) / کسی که به خدا اعتقاد دارد، می داند که جهان تغییر می کند، اما نابود نمی شود. همچنین اگر نابود شدن به معنی معدوم شدن و نیست شدن باشد، جهان چون عین بودن است، به نبودن و نیست شدن تبدیل نمی شود. {جهان نابود نمی شود. (امکان) / مربع چهار ضلع دارد. (وجوب) / مربع چهار ضلع ندارد. (امتناع) / پیراهن حسن آبی است. (امکان) / پیراهن حسن آبی نیست. (امکان) / عدد سه زوج است. (امتناع) / عدد سه زوج نیست. (وجوب)

۲- پاسخ این است که تقسیم موجودات به واجب و ممکن نیست. بلکه این موجودات به «واجب الوجود بالذات» و «واجب الوجود بالغیر» تقسیم می شوند. اما اگر موجودات عالم را، یا توجه به ذاتشان در نظر بگیریم، می توانیم به واجب الوجود و ممکن الوجود تقسیم کنیم. ذات یک موجود که همان خداوند است، واجب الوجود است و ذات دیگر موجودات، ممکن الوجود است.

۳- گزینه ب و ج صحیح است.

- ۱- انسان از همان اوایل کودکی که زبان می‌گشاید، از "چیستی" و "چرایی" پربیش می‌کند.
- ۲- چراهای انسان همراه با بزرگ شدن کودک ادامه می‌یابد و در طول حیات او به شکل مبهم‌تری مطرح می‌شود.
- ۳- رابطه بین هوای دو طرف شیشه پنجره، رابطه تعادل است.
- ۴- رابطه والدین با فرزندان، استاد و شاگرد، دوست با دوست، کارگر و کارفرما رابطه وجودی و علیت است.
- ۵- علت چیزی است که وجود معلول متوقف بر آن است و تا آن نباشد، معلول هم پدید نمی‌آید؛ یعنی، در وجود خودبدان نیازمند است.
- ۶- معلول چیزی است که وجودش را از چیزی دیگر که همان علت است می‌گیرد؛ یعنی در وجود خود، نیازمند دیگری است.
- ۷- رابطه علیت رابطه ای ضروری است که در آن یکطرف (علت) به طرف دیگر (معلول) وجود می‌دهد.
- ۸- تا علت نباشد معلول موجود نخواهد شد. کلمه «چیستی» بازتابی از همین رابطه است.
- ۹- «چرا» یعنی، «به چه علت» «علت این حادثه چیست».
- ۱۰- رابطه تعادل رابطه ای وجودی است، یعنی یکی وجودش وابسته به وجود دیگری است؛ یعنی مانند رابطه دوستی نیست که در آن ابتدا وجود دوفرد فرض می‌شود و سپس میان آنها دوستی برقرار می‌گردد.
- ۱۱- از میان فیلسوفان اروپایی، هیوم معتقد بود که اصل علیت بدون دخالت تجربه به دست می‌آید و جزء مفاهیم اولیه و بدیهی است که انسان از آن درک فطری دارد.
- ۱۲- اما تجربه گرایان (امپریست‌ها) چون هر چیزی را براساس حس و تجربه تحلیل می‌کنند، معتقدند که انسان از طریق حس به توالی پدیده‌هایی می‌برد و رابطه علیت را بنا می‌نهد.
- ۱۳- عقل‌گرایان معتقدند مثلاً چون زمین همواره با آمدن خورشید، روشن و با ناپدید شدن آن، تاریک شده است، انسان متوجه رابطه ای میان این دو پدیده شده و دانسته که تا خورشید نیاید، زمین هم روشن نمی‌شود. اسم این رابطه را "علت" گذاشته است.
- ۱۴- در میان فیلسوفان تجربه‌گرا، دیوید هیوم فیلسوف قرن هجدهم انگلستان نظر خاصی دارد. او که اساساً تجربه‌گراست و امکان معرفت از طریق استدلال عقلی و بدون تجربه را رد می‌کند.
- ۱۵- از نظر دکارت، تنها راه شناخت واقعیات حس و تجربه است.
- ۱۶- از نظر هیوم، حس فقط می‌تواند اجسام و رنگ‌ها و شکل‌ها و اموری از این قبیل را به ما نشان دهد.
- ۱۷- از طریق تداعی است که ما عادت کرده ایم چیزی را علت چیزی دیگر بنامیم.

- ۱۸- از نظر هیوم، اصل علیت و رابطه ضروری میان علت و معلول رانمی توان از مشاهده حسی و تجربه به دست آورد.
- ۱۹- دانشمندان علوم طبیعی به دلیل پذیرفتن اصل علیت دست به تجربه می زنند تا علل حوادث را پیدا کنند.
- ۲۰- فلاسفه غرب می گویند، اصل علیت یک قاعده عقلی است و از تجربه به دست نمی آید.
- ۲۱- فلاسفه مسلمان: همین که ذهن انسان شکل گرفت و متوجه اصل امتناع اجتماع نقیضین شد، درمی یابد که پدیده ها خود به خود به وجود نمی آیند
- ۲۲- اینکه چیزی خودش به خودش وجود بدهد، به معنای آن است که چیزی که نیست، باشد و این، همان اجتماع ضدین است که محال است.
- ۲۳- فارابی حدود ۶ قرن قبل از هیوم زندگی می کرده است، به گونه ای از علیت سخن گفته که گویا پاسخی برای هیوم آماده نموده است.
- ۲۴- کشف علل امور طبیعی از طریق حس و تجربه صورت می گیرد.
- ۲۵- نتیجه اصل سنخیت تخلف ناپذیری و حتمیت نظام هستی است.
- ۲۶- مثال های " برای حفظ سلامتی باید ورزش کرد و برای ارتباط با خدا باید نماز و نیایش به جای آورد " اصل علیت بیان می کند.
- ۲۷- میان هر علت با معلول خودشنی سنخیت و مناسبت خاصی حکم فرماست که میان علت و معلول دیگر هم چنین است.
- ۲۸- در پرتو اصل سنخیت، نظام جهان انتظام می یابد و در اندیشه ما به صورت دستگاهی منظم و مرتب درمی آید.
- ۲۹- «اصل وجوب علی و معلولی» جهان را تابع یک نظام ضروری و حتمی نشان می دهد که در آن روابط موجودات از قطعیت و حتمیتی برخوردار است که تخلف از آن هرگز ممکن نیست.
- ۳۰- یکی از نتایج اصل وجوب علی و معلولی آن است که انسان از هر چیزی انتظار آثار متناسب با خودش را دارد؛ به همین سبب، می کوشد ویژگی های هر شیء را بشناسد و به تفاوت های آن با اشیاء دیگر پی ببرد تا بهتر بتواند آثار ویژه آن را شناسایی کند.
- ۳۱- فیلسوفان می گویند برای اینکه بدانیم هر علتی چه معلول خاصی دارد، باید از تجربه کمک بگیریم و از طرق مختلف تجربی آثار و معلول های هر علتی را شناسایی کنیم.
- ۳۲- فیلسوفان می گویند با قبول اصل وجوب علی و معلولی است که می توان برای نظم دقیق جهان پشتوانه عقلی قائل شد و دانشمندان با تکیه بر همین اصل، تحقیقات علمی خود را پیگیری می کنند.
- ۳۳- آنچه به معلول ضرورت وجود می دهد، علت است، معلول با، قطع نظر از علت امکان ذاتی دارد.

- ۳۴- یکی از کهن ترین مسائل فلسفی، مسئله علت و معلول است.
- ۳۵- نخستین مسئله ای که فکر بشر را به خود متوجه ساخته و او را به تفکر و اندیشه وادار کرده است، مسئله علت و معلول باشد.
- ۳۶- انسان پس از پیدایش فلسفه به دنبال علت یابی بوده و برای یافتن علل پدیده ها تلاش کرده است.
- ۳۷- در رابطه دوستی ابتدا وجود دو فرد فرض می شود و سپس میان آنها دوستی برقرار می گردد.
- ۳۸- دیوید هیوم او که اساساً تجربه گراست اما امکان معرفت از طریق استدلال عقلی و بدون تجربه را اثبات می کند.
- ۳۹- هیوم می گوید درک علت از طریق استدلال عقلی هم ممکن نیست؛ چون علت مفهومی فراتر از عقل است.
- ۴۰- به نظر هیوم هر انسانی، با درکی از رابطه علت متولد می شود و درک این رابطه نیاز به تجربه ویا آموزش ندارد.
- ۴۱- به نظر دکارت یافتن مصداق های علت و معلول نیازمند تجربه و آموزش است.
- ۴۲- به عقیده ابن سینا درک رابطه علت و پی بردن به آن علت از طریق تجربه امکان پذیر نیست.
- ۴۳- به عقیده ابن سینا کسی که صرفاً تجربه گراست، نیز می تواند تبیین قانع کننده ای از علت اراده کند.
- ۴۴- فیلسوفان تجربه گرا می گویند که اصل سنخیت مانند خود اصل علت یک اصل عقلی است.
- ۴۵- فیلسوفان می گویند همه انسان ها، طبق اصل علت رفتار می کنند.
- ۴۶- عاملی بیرونی در مورد شیء ممکن الوجود که آن را از حالت تساوی وجود و عدم خارج می کند همان علت است.
- ۴۷- برای اینکه علت هر حادثه ای را بدانیم، باید در بیشتر موارد از حس و تجربه خود استفاده کنیم.
- ۴۸- کشف علل امور طبیعی از طریق حس و تجربه امکان پذیر نیست.
- ۴۹- برای اینکه بدانیم هر علتی چه معلول خاصی دارد، فقط باید از عقل کمک بگیریم و از طرق مختلف استدلالی، آثار و معلول های هر علتی را شناسایی کنیم.
- ۵۰- فیلسوفان وقتی با پدیده ای مواجه می شوند می خواهند علت آن را بیابند به سراغ عواملی می روند که تناسب بیشتری با آن پدیده دارد و علت آن پدیده را در میان آن عوامل جست و جوی کنند تا اینکه به علت ویژه آن دست یابند.
- ۵۱- آنچه به معلول ضرورت وجود می دهد، علت است.
- ۵۲- چراهای انسان با بزرگ تر شدن کودک بیشتر و عمیق تر می شود و تا پایان عمر ادامه می یابد.
- ۵۳- فیلسوفان مسلمان می گویند: همین که ذهن انسان شکل گرفت و متوجه اصل امتناع اجتماع نقیضین شد، درمی یابد که پدیده ها خود به خود به وجود نمی آیند.
- ۵۴- ابن سینا حدود ۷ قرن قبل از هیوم، به گونه ای از علت سخن گفته که گویا پاسخی برای هیوم آماده نموده است.



۵۵- فلاسفهٔ مسلمان معتقدند که انسان به طور مادرزادی در همان بدو تولد با این قاعده اصل علیت آشنا بوده و آنرا درک می کرده است.

۵۶- فلاسفهٔ مسلمان معتقدند همین که ذهن انسان شکل گرفت و متوجه اصل امتناع و اجتماع ضدین شد، درمی یابد که پدیده ها خودبه خود به وجود نمی آیند.

۵۷- پدیده های پیرامون ما ذاتاً ممکن الوجود هستند؛ یعنی هم می توانند باشند و هم نباشند.

۵۸- حالت ممکن الوجود مانند ترازویی است که دو کفه آن در حالت تعادل قرار دارند و هیچ کفه ای بر دیگری ترجیحی ندارد.

۵۹- به نظر دکارت پذیرش و قبول رابطه علیت، مقدمه و پایه هر تجربه و آموزشی است.

۶۰- کسی معتقد است که هم مثلت هست و هم غیرمثلت، این قاعده منطق دانان و فیلسوفان که اصل امتناع اجتماع نقیضین نامیده می شود را قبول دارد.

۶۱- پذیرش اصل سنخیت زمینه ساز نگاهی ویژه به جهان و اشیاء پیرامونی است.

۶۲- با قبول اصل سنخیت است که هر حادثه علتی دارد، به ارتباط اجزای جهان با یکدیگر و پیوستگی شان پی می بریم.

۶۳- اصل وجوب بخشی علت به معلول جهان را تابع رابطه ای ضروری و حتمی نشان می دهد.

۶۴- اگر علت با تمام حقیقت خود تحقق یافت، یقین پیدامی کنیم که تحقق معلول نیز ضروری و حتمی می شود و وجوب وجود پیدامی کند.

۶۵- یک باغبان بر اساس اصل علیت بدر می کارد و آن را آبیاری می کند.

۶۶- علت چیزی است که وجود معلول متوقف بر آن است و تا آن نباشد، معلول هم پدید نمی آید؛ یعنی، در وجود خود بدان نیازمند است.

۶۷- اصل وجوب بخشی نظم خاصی در جهان برقرار می کند و به ما می فهماند که هر چیزی اصل نمی تواند منشأ هر چیزی شود و هر چیزی از هر چیزی پدید نمی آید.

۶۸- اصل علیت، علت های خاص معلول های خاص دارند و هر معلولی نیز از علت خاص خود سرچشمه می گیرد.

۶۹- تخلف ناپذیری و حتمیت در نظام هستی، از اصل وجوب (ضرورت) بخشی علت به معلول استنتاج می شود (هماهنگ کشوری

(۸۷)

۷۰- تخلف ناپذیری نظام هستی نتیجهٔ اصل علیت است. (نهایی / دی ماه ۹۸)

۷۱- دکارت می گوید تصور من از حقیقتی نامتناهی و دانا و توانامی تواند از خودم باشد، زیرا من موجودی متناهی هستم. (با اندکی

تغییر نهایی شهریور ۹۹)

۷۲- دیوید هیوم اصل علیت را یک اصل تجربی می داند. (نهایی دی ماه ۹۹)

۷۳- رابطه علیت، رابطه ای وجودی است، مانند رابطه ای که میان دو دوست وجود دارد. (نهایی خردادماه ۱۴۰۰)

۷۴- از نظر فیلسوفان مسلمان، انسان به طور مادرزادی با اصل علیت آشنا است. (نهایی شهریورماه ۱۴۰۰)

@جواب ها: ۱- ص ۲- غ ۳- ص ۴- غ ۵- ص ۶- ص ۷- غ ۸- غ ۹- ص ۱۰- غ ۱۱- غ ۱۲- ص ۱۳- غ ۱۴- ص ۱۵- غ  
۱۶- ص ۱۷- ص ۱۸- ص ۱۹- ص ۲۰- غ ۲۱- ص ۲۲- غ ۲۳- غ ۲۴- ص ۲۵- غ ۲۶- غ ۲۷- غ ۲۸- ص ۲۹- ص  
۳۰- غ ۳۱- ص ۳۲- غ ۳۳- ص ۳۴- ص ۳۵- ص ۳۶- غ ۳۷- ص ۳۸- غ ۳۹- غ ۴۰- غ ۴۱- ص ۴۲- ص ۴۳- غ ۴۴- غ  
۴۵- غ ۴۶- ص ۴۷- ص ۴۸- غ ۴۹- غ ۵۰- ص ۵۱- ص ۵۲- ص ۵۳- ص ۵۴- غ ۵۵- غ ۵۶- غ ۵۷- ص ۵۸- ص ۵۹-  
ص ۶۰- غ ۶۱- غ ۶۲- غ ۶۳- ص ۶۴- ص ۶۵- غ ۶۶- ص ۶۷- غ ۶۸- غ ۶۹- ص ۷۰- غ ۷۱- ص ۷۲- غ ۷۳- غ ۷۴- غ

@جاهای خالی را با کلمات مناسب کامل کنید:

- ۷۵- انسان نیز از همان ابتدای ظهور خود بر روی این کره خاکی به دنبال ..... بوده و برای یافتن .... پدیده ها تلاش کرده است.
- ۷۶- دکارت معتقد بود که اصل علیت بدون دخالت تجربه به دست می آید و جزء مفاهیم ..... و ..... است که انسان از آن درک ..... دارد.
- ۷۷- آمپریست ها چون هر چیزی را بر اساس حس و تجربه تحلیل می کنند، معتقدند که انسان از طریق حس به ..... پدیده ها پی می برد و رابطه علیت را بنا می نهد.
- ۷۸- دیوید هیوم که اساسا ..... گراست و امکان معرفت از طریق استدلال عقلی و بدون تجربه را ..... می کند.
- ۷۹- به عقیده هیوم درک علیت از این طریق ..... ممکن نیست؛ چون علیت مفهومی فراتر از ..... است.
- ۸۰- هیوم ..... چیزی جز یک امر روانی ناشی از ..... پدیده ها نمی داند.
- ۸۱- رابطه وجود بخشی میان علت و معلول را ..... می گویند.
- ۸۲- به نظر هیوم هر انسانی، با درکی از ..... متولد می شود و درک این رابطه نیاز به تجربه و یا آموزش ندارد.
- ۸۳- فلاسفه مسلمان می گویند، اصل علیت یک قاعده ..... است و از ..... به دست نمی آید.
- ۸۴- به عقیده ابن سینا آنچه به معلول ضرورت وجود می دهد، ..... است
- ۸۵- معلول با قطع نظر از علت ..... دارد، یعنی ذات و ماهیت آن نسبت به وجود و عدم مساوی است.
- ۸۶- کسی که معتقد است نمی شود هم مثلث باشد و هم غیر مثلث. این قاعده را منطق دانان و فیلسوفان، ..... نامیده اند.
- ۸۷- پذیرش اصل "....."، زمینه ساز نگاهی ویژه به جهان و اشیای پیرامونی است.

۸۸- هر تلاش تجربی خودمبتنی بر این قاعده اصل ..... است.

۸۹- فلاسفهٔ مسلمان معتقدند همین که ذهن انسان شکل گرفت و متوجه اصل ..... شد، درمی یابد که پدیده ها خود به خود به وجود نمی آیند.

۹۰- ابن سینا حدود ۶ قرن قبل از هیوم زندگی میکرده است، به گونه ای از ..... سخن گفته که گویا پاسخی برای هیوم آماده نموده است.

۹۱- برای اینکه علت هر حادثه ای را بدانیم، باید در بیشتر موارد از ..... خود استغاده کنیم.

۹۲- کشف علل امور طبیعی از طریق ..... صورت می گیرد.

۹۳- فیلسوفان می گویند با قبول ..... می توان برای نظم دقیق جهان پشتوانهٔ عقلی قائل شد.

۹۴- دانشمندان باتکیه بر اصل ..... تحقیقات علمی خود را پیگیری می کنند

۹۵- رابطهٔ ضرورت بخشی علت به معلول را ..... می گویند.

۹۶- رابطهٔ علیت مانند رابطهٔ دوستی نیست، بلکه رابطه ای ..... است.

۹۷- پذیرش اصل " ..... زمینه ساز نگاهی ویژه به جهان و اشیاء پیرامونی است.

۹۸- با قبول این حقیقت که هر حادثه علتی دارد، به ..... اجزای جهان بایکدیگر و ..... پی می بریم.

۹۹- اصل ..... جهان را تابع رابطه ای ضروری و حتمی نشان می دهد.

۱۰۰- اصل ..... به مامی فهماند که هر چیزی نمی تواند منشأ هر چیزی شود و هر چیزی از هر چیزی پدید نمی آید.

۱۰۱- اصل ..... علت های خاص معلول های خاص دارند و هر معلولی نیز از علت خاص خود سرچشمه می گیرد.

۱۰۲- نظم و قانونمندی میان پدیده ها در جهان نتیجه و ثمره اصل ..... میان علت و معلول است.

۱۰۳- تخلف ناپذیری و حتمیت در نظام هستی از اصل ..... استنتاج می شود.

۱۰۴- ارتباط و پیوستگی میان هر شیء و منشأ آن نتیجهٔ اصل ..... است.

۱۰۵- لوازم و فروع اصل علیت، عبارت است از ..... و ..... (هماهنگ کشوری ۸۷)

۱۰۶- نفی اصل علیت = قبول ..... و نفی ..... (هماهنگ کشوری ۸۷)

۱۰۷- دیوید هیوم که اساساً تجربه گراست و امکان معرفت از طریق ..... و بدون ..... را رد می کند. (نهایی دی ماه ۹۸)

۱۰۸- حالت یک معلول را که ذاتا ..... است، می توان به دو کفهٔ ترازو تشبیه کرد که در حالت تساوی هستند. (نهایی خرداد ماه ۹۹)

۱۰۹- رابطهٔ علیت ، مانند رابطهٔ دوستی نیست، بلکه رابطه ای ..... است. (نهایی دی ماه ۹۹)

- @ جواب ها: ۷۵- (علت یابی / علل) ۷۶- (تجربه / اولیّه / بدیهی / فطری) ۷۷- (توالی) ۷۸- (تجربه / رد) ۷۹- (حس / احس) ۸۰- (تداعی / توالی) ۸۱- رابطه علیّت ۸۲- رابطه علیّت ۸۳- (عقلی / تجربه) ۸۴- (علت) ۸۵- (امکان ذاتی) ۸۶- (اصل امتناع اجتماع نقیضین) ۸۷- (علیت) ۸۸- (علیت) ۸۹- (امتناع اجتماع نقیضین) ۹۰- (علیت) ۹۱- (حس و تجربه) ۹۲- (حس و تجربه) ۹۳- (اصل سنخیت) ۹۴- (سنخیت) ۹۵- (وجوب علیّ و معلولی) ۹۶- (وجودی) ۹۷- (علیت) ۹۸- (ارتباط / پیوستگی شان) ۹۹- (وجوب بخشی علت به معلول) ۱۰۰- (سنخیت میان علت و معلول) ۱۰۱- (سنخیت میان علت و معلول) ۱۰۲- (سنخیت) ۱۰۳- (وجوب بخشی علت به معلول) ۱۰۴- (علیت) ۱۰۵- (سنخیت میان علت و معلول / وجوب بخشی علت به معلول) ۱۰۶- (اتفاق / نظم) ۱۰۷- (استدلال عقلی / تجربه) ۱۰۸- (ممکن الوجود) ۱۰۹- (وجودی)

### @ گزینه صحیح را انتخاب کنید:

- ۱۱۰- اگر می‌توانیم به خاصیت سرطان‌زایی سیگار در تجربه علمی پی ببریم، برحسب کدام اصل می‌توانیم مطمئن باشیم که جریان طبیعت در آینده نیز بر همین منوال است؟
- (۱) اصل علیّت (۲) اصل تقدم وجوب بر وجود (۳) اصل علت غایی (۴) اصل سنخیت
- ۱۱۱- کدام مورد درباره رابطه علیّت نادرست است؟
- (۱) یکی از کهن‌ترین مسائل فلسفی، مسئله علیّت و معلول است.  
 (۲) شاید نخستین مسئله‌ای که فکر بشر را به خود متوجه ساخته و او را به تفکر واندیشه وادار کرده است، مسئله علت و معلول باشد.  
 (۳) علت چیزی است که وجود معلول متوقف بر دوطرف است و تا آنها نباشد، معلول هم پدید نمی‌آید.  
 (۴) معلول چیزی است که وجودش را از چیزی دیگر که همان علت است می‌گیرد.
- ۱۱۲- کدام عبارت درباره نظریه ابن سینا در مورد علیّت نادرست است؟
- (۱) درک رابطه علیّت و پی بردن به آن از طریق تجربه امکان پذیر نیست. (۲) آنچه به معلول ضرورت وجود می‌دهد، علت است.  
 (۳) کسی که صرفاً تجربه‌گرا است، نیز می‌تواند تبیین قانع‌کننده‌ای از علیت اراده کند. (۴) معلول با قطع نظر از علت امکان ذاتی دارد
- ۱۱۳- آمپریست‌ها در خصوص اصل علیّت کدام مورد را انکار می‌کنند؟
- (۱) وجود رابطه میان پدیده‌های جهان (۲) تاثیر مشاهدات بر امکان دستیابی به معرفت  
 (۳) تاثیر مشاهدات بر باورهای انسان (۴) توالی برخی از حوادث نسبت به هم
- ۱۱۴- نتیجه «اصل علیّت» و «اصل سنخیت» و «اصل ضرورت علیّ و معلول» به ترتیب چیست؟
- (۱) نظام معین هستی - تخلف ناپذیری - ارتباط و پیوستگی  
 (۲) ارتباط و پیوستگی موجودات جهان - نظام معین هستی - تخلف ناپذیری و حتمیت نظام هستی  
 (۳) تخلف ناپذیری - نظام معین هستی - ارتباط و پیوستگی  
 (۴) نظام معین هستی - ارتباط و پیوستگی موجودات جهان - تخلف ناپذیری و حتمیت نظام هستی

@جواب تست ها: ۱۱۰- گزینه ۴ ۱۱۱-گزینه ۳ ۱۱۲- گزینه ۳ ۱۱۳- گزینه ۱ ۱۱۴- گزینه ۲

@گزینه درست را انتخاب کنید(نهایی خرداد ماه ۱۴۰۰)

۱۱۵- از نظر فلاسفه مسلمان ، کشف علل امور طبیعی از طریق (۱: حس و تجربه ۲: عقل) صورت می گیرد.

@جواب: حس و تجربه (۱)

@گزینه درست را انتخاب کنید(نهایی شهریور ماه ۱۴۰۰)

۱۱۶- از طریق اصل (۱: سنخیت ۲: ضرورت) علت و معلول است که می توان برای نظم دقیق جهان، پشتوانه عقلی قائل شد.

@جواب: سنخیت (۱)

۱۱۷- هر یک از گزینه های سمت راست با یکی از گزینه های سمت چپ مناسبت دارد. آنها را در کنار هم

بنویسید(یک مورد درست چپ اضافی است)

- |  |                            |
|--|----------------------------|
| الف) از کهن ترین مسائل فلسفی   | ۱- هیوم                    |
| ب) وجود معلول متوقف بر آن است.   | ۲- آمپریست ها              |
| ج) انسان از طریق حس به توالی پدیده ها پی می برد و رابطه علیت را بنا می نهد.    | ۳- اصل سنخیت               |
| د) امکان معرفت از طریق استدلال عقلی و بدون تجربه را رد می کند.                 | ۴- اصل علیت                |
| و) قاعده ای عقلی که از طریق تجربه به دست نمی آید.                              | ۵- علت و معلول             |
| ص) هر معلولی از علت خاصی صادر می شود و پدید می آید.                            | ۶- علت                     |
| ی) اصل علیت را جزء مفاهیم اولیه و بدیهی می شمارد که انسان از آن درک فطری دارد. | ۷- کانت                    |
| ز) مهم ترین عاملی که انسان را در مسیر تفکر می اندازد.                          | ۸- دکارت                   |
| ر- نظام و قانون  | ۹- ادراک قانون علت و معلول |
| ط- ارتباط پدیده ها   | ۱۰- اصل وجوب علی و معلول   |
- س- بیانگر نظم و قانونمندی میان پدیده ها.
- ش- پذیرش آن زمینه ساز نگاهی ویژه به جهان و اشیاء پیرامونی است.
- ک) بیانگر تخلف ناپذیری و حتمیت در نظام هستی.

@جواب ها: الف-۵ ب-۶ ج-۲ د-۱ و-۴ ص-۳ ی-۸ ز-۹ ر-۳ ط-۴ س-۳ ش-۴ ک-۱۰

۱۱۸- رابطه علیت چگونه رابطه ای است؟

رابطه وجودی

۱۱۹- مفهوم چرا بازتاب چه نوع رابطه ای است و مقصود از آن چیست؟

کلمه چرا بازتابی از رابطه علیت است و به معنی به چه علت یا علت این حادثه چیست؟ می باشد.

۱۲۰- کدام فیلسوف قرن ۱۸ انگلستان امکان معرفت از طریق استدلال عقلی را رد کرد و چرا؟

هیوم، زیرا تجربه گرا بود.

۱۲۱- فلاسفه مسلمان، اصل علیت را چگونه قاعده ای می دانند؟ و چرا؟

اصل علیت یک قاعده عقلی است و از تجربه به دست نمی آید؛ زیرا دانشمندان علوم طبیعی به دلیل پذیرفتن اصل علیت دست به

تجربه میزنند تا علل حوادث را پیدا کنند.

۱۲۲- کدام قاعده عقلی را فلاسفه مسلمان محال می دانند؟ و منظور از آن چیست؟

اجتماع نقیضین، اینکه چیزی خودش به خودش وجود دهد، به معنای آن است که چیزی که نیست، باشد.

۱۲۳- کشف علل امور طبیعی از چه طریق صورت می گیرد؟

از طریق حس و تجربه

۱۲۴- به ترتیب به عقیده فلاسفه همه انسان ها طبق آن اصل رفتار می کنند و با قبول کدام اصل می توان برای نظم دقیق جهان

پشتوانه عقلی قائل شد؟

اصل سنخیت / اصل سنخیت

۱۲۵- دانشمندان با تکیه بر کدام اصل، تحقیقات علمی خود را پیگیری می کنند؟

اصل سنخیت

۱۲۶- مقصود از این عبارت مقابل چیست؟ تفسیر خود را بنویسید؟ "معلول قطع نظر از علت، امکان ذاتی دارد"

یعنی ذات و ماهیت آن نسبت به وجود و عدم مساوی است.

۱۲۷- چه زمانی وجود معلول ضرورت می یابد و معلول موجود می شود؟

با آمدن علت، وجود معلول ضرورت می یابد و موجود می شود.

۱۲۸- چه عاملی سبب می شود شیء ممکن الوجود ، وجود را برعدم و نیستی ترجیح دهد و چه نامیده می شود؟

این عامل بیرونی در مورد شیء ممکن الوجود، همان علت است.

۱۲۹- دواصل از لوازم و نتایج اصل علیت رافقط نام ببرید؟

۱- اصل سنخیت میان علت و معلول ۲- اصل وجوب بخشی علت به معلول

۱۳۰- عبارات ذیل با کدام اصول یا موارد خاص مطابقت و هماهنگی دارد؟

۱- اگر علت با تمام حقیقت خود تحقق یافت، یقین پیدا می کنیم که تحقق معلول نیز ضروری و حتمی می شود و وجوب وجود پیدا

می کند. اصل..... ← (وجوب بخشی علت به معلول)

۲- نظم خاصی در جهان برقرار می کند و به ما می فهماند که هر چیزی نمی تواند منشأ هر چیزی شود و هر چیزی از هر چیزی

پدید نمی آید. اصل..... ← (سنخیت میان علت و معلول)

۳- هر معلولی نیز از علت خاص خود سرچشمه می گیرد. ← اصل..... (سنخیت)

۴- کشاورز، صنعتگر، طبیب و هر کسی که در یک کار خاص وارد شده و برای آن برنامه ریزی کرده، متوجه ← اصل..... (

سنخیت)

۵- با مواجهه با هر پدیده ای در پی کشف منشأ و عامل پیدایش آن برمی آییم. متوجه ← اصل..... (علیت)

۶- اصل وجوب بخشی علت به معلول، لازمه نتیجه ← اصل..... (تخلف ناپذیری و حتمیت در نظام هستی)

۷- اصل سنخیت میان علت و معلول لازمه نتیجه ← اصل..... (نظم و قانونمندی های معین میان دسته های

مختلف پدیده ها)

۱۳۱- اصل فلسفی مربوط به هر یک از گزاره های زیر را نام ببرید:

الف) اگر یک ذره را برگیری از جای خلل باید همه عالم سراپای (اصل سنخیت)

ب) هیچ حادثه ای به خودی خود رخ نمی دهد. (اصل علیت)

ج) جهان چون خط و خال و چشم و ابروست که هر چیزی به جای خویش نیکوست (اصل سنخیت)

د) سنن و نوامیس هرگز به تغییر و تبدیل دچار نمی گردند. (اصل سنخیت)

ر) اینکه برای کسب معلومات باید مطالعه کرد و برای درمان بیماری باید دارو مصرف کرد. (اصل سنخیت)

۱۳۲- از اصل وجوب (ضرورت) علی و معلولی چه نتیجه ای گرفته می شود؟ (نهایی خرداد ۹۸)

تخلف ناپذیری و حتمیت در نظام هستی

۱۳۳- هریک از اصول زیر چه نتیجه ای در پی دارد؟ (نهایی دی ماه ۹۸)

الف) اصل علیت (ب) اصل سنخیت

@ جواب: الف- ارتباط و پیوستگی موجودات جهان ب- نظم و قانونمندی های معین میان دسته های مختلف پدیده ها

۱۳۴- نتیجه و لازمه اصل "سنخیت میان علت و معلول" چیست؟ (نهایی دی ماه ۹۹)

نظم و قانونمندی های معین میان دسته های مختلف پدیده ها

**\* پاسخ کامل و تشریحی دهید:**

۱۳۵- اصطلاحات زیر را تعریف کنید:

الف) اصل سنخیت علت و معلول با ذکر مثال (نهایی خرداد ماه ۹۹ و شهریور ۹۹) ب) علت ج) معلول د) اصل وجوب

علی و معلولی (وجوب بخشی علت به معلول) و) رابطه بعد از وجود (نهایی دی ماه ۹۷)

الف) انسان علاوه بر اینکه درک می کند که هر حادثه ای علت می خواهد، درک می کند که هر معلولی از هر علتی پدید نمی آید بلکه هر معلولی از علت خاصی صادر می شود و دیدمی آید. مثلاً برای باسواد شدن درس می خوانند.

ب) علت چیزی است که وجود معلول متوقف بر آن است و تا آن نباشد، معلول هم پدید نمی آید؛ یعنی، در وجود خود بدان نیازمند است.

ج) معلول نیز چیزی است که وجودش را از چیزی دیگر که همان علت است می گیرد؛ یعنی در وجود خود، نیازمند دیگری است.

د) یعنی اگر علت یک چیزی موجود شود، موجود شدن آن چیز نیز واجب می شود و ضرورت می یابد و آن چیز نیز موجود می شود.

و) یعنی مانند رابطه دوستی نیست که در آن ابتدا وجود دو فرد فرض می شود و سپس میان آنها دوستی برقرار می گردد.

۱۳۶- علیت چیست و چه تفاوتی میان رابطه علیت با سایر روابط وجود دارد؟ مثال بزنید.

رابطه علیت رابطه ای وجودی است که در آن یک طرف (علت) به طرف دیگر (معلول) وجود می دهد. رابطه علیت رابطه وجودی

است، یعنی یکی وجودش وابسته به وجود دیگری است؛ یعنی مانند رابطه دوستی نیست که در آن ابتدا وجود دو فرد فرض می شود و سپس میان آنها دوستی برقرار می گردد.



۱۳۷- از میان نظرات فلاسفه غربی در خصوص رابطه علیت، نظر دیوید هیوم را با ذکر مثال توضیح دهید. (یا نظر برخی فلاسفه غرب

مبتی برانکار اصل علیت را توضیح دهید/نهایی دی ماه ۹۷)

او می گوید درست است که تنها راه شناخت واقعیات حس و تجربه است، اما اصل علیت و رابطه ضروری میان علت و معلول را نمی توان از مشاهده حسی و تجربه به دست آورد. از نظر هیوم، حس فقط می تواند اجسام و رنگ ها و شکل ها و اموری از این قبیل را به ما نشان دهد. بر اثر تکرار مشاهده خورشید و روشن شدن زمین، در ذهن ما چنین منعکس می شود که خورشید علت روشن شدن زمین است. او این حالت ذهنی را تداعی می گوید، تداعی چیزی جز یک امر روانی ناشی از توالی و پشت سرهم آمدن پدیده هانیست. از این طریق است که ما پنداشته ایم یک رابطه ضروری میان طلوع خورشید و روشن شدن زمین برقرار است.

۱۳۸- چرا هیوم معتقد است که درک علیت از طریق حس ممکن نیست؟

چون علیت مفهومی فراتر از حس است. اصل علیت و رابطه ضروری میان علت و معلول را نمی توان از مشاهده حسی و تجربه به دست آورد. از نظر هیوم، حس فقط می تواند اجسام و رنگ ها و شکل ها و اموری از این قبیل را به ما نشان دهد.

۱۳۹- از میان نظرات فلاسفه غربی در خصوص رابطه علیت، نظریه دکارت را بنویسید. دکارت معتقد بود که اصل علیت بدون دخالت تجربه به دست می آید و جزء مفاهیم اولیه و بدیهی است که انسان از آن درک فطری دارد.

۱۴۰- منظور دکارت از این عبارت که "اصل علیت جزء مفاهیم اولیه ای است که انسان آنرا به طور فطری درک می کند" چیست؟ یعنی هرانسانی، با درکی از رابطه علیت متولد می شود و درک این رابطه نیاز به تجربه و یا آموزش ندارد ولی یافتن مصداق های علت و معلول نیازمند تجربه و آموزش است.

۱۴۱- به عقیده تجربه گرایان یا امپیریست ها، چرا و از چه طریقی انسان، رابطه علیت را بنامی نهد؟ چون هر چیزی را بر اساس حس و تجربه تحلیل می کنند، معتقدند که انسان از طریق حس به توالی پدیده هایی میبرد و رابطه علیت را بنامی نهد.

۱۴۲- نظریه ویژه و خاص دیوید هیوم در مورد اصل علیت به اختصار بنویسید؟

او می گوید درست است که تنها راه شناخت واقعیات حس و تجربه است، اما اصل علیت و رابطه ضروری میان علت و معلول را نمی توان از مشاهده حسی و تجربه به دست آورد. از نظر هیوم، حس فقط می تواند اجسام و رنگ ها و شکل ها و اموری از این قبیل را به ما نشان دهد. بر اثر تکرار مشاهده خورشید و روشن شدن زمین، در ذهن ما چنین منعکس می شود که خورشید علت روشن شدن زمین است. او این حالت ذهنی را تداعی می گوید، تداعی چیزی جز یک امر روانی ناشی از توالی و پشت سرهم آمدن پدیده هانیست. از این طریق است که ما پنداشته ایم یک رابطه ضروری میان طلوع خورشید و روشن شدن زمین برقرار است.

تداعی چیزی جز یک امرروانی ناشی از توالی پدیده هانیست. از این طریق است که ماعادت کرده ایم چیزی را علت چیزی دیگر بنامیم.

۱۴۴- دانشمندان وقتی با پدیده ای مواجه می شوند می خواهند علت آن را بیابند، به سراغ چه عواملی می روند؟

به سراغ عواملی می روند که تناسب بیشتری با آن پدیده دارد و علت آن پدیده را در میان آن عوامل جست و جو می کنند تا اینکه به علت ویژه آن دست یابند.

۱۴۵- به نظریه فیلسوفان مسلمان منظور از اصطلاح اجتماع نقیضین چیست؟ اینکه چیزی خودش به خودش وجود دهد، به معنای آن است که چیزی که نیست، قبلاً باشد تا بتواند خودش را به وجود بیاورد و این، همان اجتماع نقیضین است که محال بودن آن بدیهی است.

۱۴۶- چگونگی شکل گیری اصل علیت در ذهن انسان را از نظر فلاسفه مسلمان بنویسید؟

همین که ذهن انسان شکل گرفت و متوجه اصل امتناع اجتماع نقیضین شد، درمی یابد که پدیده ها خود به خود وجود نمی آیند؛ زیرا اینکه چیزی خودش به خودش وجود دهد، به معنای آن است که چیزی که نیست، قبلاً باشد تا بتواند خودش را به وجود بیاورد و این، همان اجتماع نقیضین است که محال بودن آن بدیهی است.

۱۴۷- چرا فلاسفه مسلمان معتقدند همین که ذهن انسان شکل گرفت و متوجه اصل امتناع اجتماع نقیضین شد، درمی یابد که پدیده ها خود به خود وجود نمی آیند؟ زیرا اینکه چیزی خودش به خودش وجود دهد، به معنای آن است که چیزی که نیست، قبلاً باشد تا بتواند خودش را به وجود بیاورد و این، همان اجتماع نقیضین است که محال بودن آن بدیهی است.

۱۴۸- وقتی کودک صدایی را می شنود یا حرکتی را مشاهده می کند، به دنبال منشأ صدا و عامل حرکت برمی آید، این مسئله را از نظر فیلسوفان مسلمان تبیین کنید؟ از نظر این فیلسوفان، پس از شکل گیری ذهن کودک و درک برخی حقایق است که وقتی کودک صدایی را می شنود یا حرکتی را مشاهده می کند، به دنبال منشأ صدا و عامل حرکت برمی آید؛ یعنی از این به بعد است که متوجه میشود حوادث، خود به خود رخ نمی دهند و میتوان علل حوادث را پیدا کرد.

۱۴۹- چرا از نظر ابن سینا درک رابطه علیت و پی بردن به آن از طریق تجربه امکان پذیر نیست؟

زیرا ما از طریق حس و تجربه، فقط به دنبال هم آمدن یا همراه هم آمدن برخی پدیده ها را می بینیم اما به دنبال هم آمدن دو حادثه به معنای علیت نیست. لذا طبیعی است که کسی که صرفاً تجربه گراست، نمی تواند تبیین قانع کننده ای از علیت ارائه کند.

۱۵۰- به نظر این سینا کشف علل امور طبیعی از چه طریقی صورت می گیرد؟ توضیح دهید.

البته، برای اینکه علت هر حادثه ای را بدانیم، باید در بیشتر موارد از حس و تجربه خود استفاده کنیم. کشف علل امور طبیعی از طریق حس و تجربه صورت می گیرد. کودک وقتی صدایی می شنود، به سمت صدا برمی گردد تا عامل آن صدا را شناسایی کند.

۱۵۱- یکی از نتایج اصل سنخیت را بنویسید؟

۱- یکی از نتایج اصل سنخیت آنست که انسان از هر چیزی انتظار آثار متناسب با خودش را دارد؛ به همین سبب، می گوشت و ویژگی های هر شیء را بشناسد و به تفاوت های آن با اشیاء دیگری ببرد تا بهتر بتواند آن را ویژه آنرا شناسایی کند. ۲- با قبول اصل سنخیت می توان برای نظم دقیق جهان پشتوانه عقلی قائل شد. ۳- دانشمندان با تکیه بر همین اصل، تحقیقات علمی خود را پیگیری می کنند؛ آنان وقتی با پدیده ای مواجه میشوند و میخواهند علت آنرا بیابند، به سراغ عواملی میروند که تناسب بیشتری با آن پدیده دارد و علت آن پدیده را در میان آن عوامل جست و جوی میکنند تا اینکه به علت ویژه آن دست یابند.

۱۵۲- از میان نظرات فلاسفه مسلمان در خصوص رابطه علیت، نظریه این سینا را بررسی کنید؟

این سینا که حدودش قرن قبل از هیوم، زندگی می کرده است، به گونه ای از علیت سخن گفته که گویا پاسخی برای هیوم آماده نموده است. وی می گوید: آری، درک این رابطه و پی بردن به علیت از طریق تجربه امکان پذیر نیست؛ زیرا ما از طریق حس و تجربه، فقط به دنبال هم آمدن یا همراه هم آمدن برخی پدیده ها را می بینیم اما به دنبال هم آمدن دو حادثه به معنای علیت نیست. لذا طبیعی است که کسی که صرفاً تجربه گراست، نمی تواند تبیین قانع کننده ای از علیت ارائه کند.

۱۵۳- فرق اصل علیت و اصل سنخیت را در یک الی دو سطر به طور مختصر توضیح دهید. (هماهنگ کشوری ۸۷)

اصل علیت ارتباط و پیوستگی موجودات جهان را بیان می کند. اصل سنخیت نیز نظم و قانونمندی میان پدیده ها آشکار می سازد.

۱۵۴- به ترتیب بگویید از سه اصل علیت، اصل وجوب بخشی علت به معلول و اصل سنخیت علت و معلول چه نتایج حاصل می

شود؟ ارتباط و پیوستگی - تخلف ناپذیری و حتمیت در نظام هستی - نظم و قانونمندی میان پدیده ها

۱۵۵- نتیجه هر کدام از "اصل وجوب بخشی علت به معلول" و "اصل سنخیت علت و معلول" را به ترتیب بنویسید. (نهایی شهریور ماه ۹۹)

تخلف ناپذیری و حتمیت در نظام هستی - نظم و قانونمندی های معین میان دسته های مختلف پدیده ها

۱۵۶- از نظر فلاسفه مسلمان چگونه میتوان از اصل امتناع اجتماع نقیضین، نتیجه گرفت که پدیده ها خود بخودی بوجود نمی آیند؟

نهایی دی ماه ۹۸)

زیرا اینکه چیزی خودش به خودش وجود بدهد، به معنای آن است که چیزی که نیست، باشد و این محال است.

۱۵۷- نظر دیوید هیوم از فلاسفه جدید غرب درباره منشأ اعتقاد به علیّت را شرح دهید؟ (باندکی تغییر نهایی دی ماه ۹۸)

او می گوید درست است که تنها راه شناخت واقعیات حس و تجربه است، اما اصل علیّت و رابطه ضروری میان علت و معلول را نمی توان از مشاهده حسی و تجربه به دست آورد. از نظر هیوم، حس فقط می تواند اجسام و رنگ ها و شکل ها و اموری از این قبیل را به ما نشان دهد. بر اثر تکرار مشاهده خورشید و روشن شدن زمین، در ذهن ما چنین منعکس می شود که خورشید علت روشن شدن زمین است. او این حالت ذهنی را تداعی میگوید، تداعی چیزی جز یک امر روانی ناشی از توالی و پشت سرهم آمدن پدیده ها نیست. از این طریق است که ما پنداشته ایم یک رابطه ضروری میان طلوع خورشید و روشن شدن زمین برقرار است.

۱۵۸- به نظر فیلسوفان مسلمان چرا یک پدیده نمی تواند خود به خود بدون علت بوجود آید؟ (نهایی خرداد ماه ۹۹)

زیرا اینکه چیزی خودش به خودش وجود بدهد، به معنای آن است که چیزی که نیست، قبلاً باشد تا بتواند خودش را به وجود بیاورد و این، همان اجتماع نقیضین است که محال بودن آن بدیهی است.

۱۵۹- با توجه به سنخیت علت و معلول به سوال های زیر پاسخ دهید (نهایی شهریور ماه ۹۸)

الف- اصل سنخیت علت و معلول به چه معناست؟

هر معلولی از هر علتی پدید نمی آید بلکه هر معلولی از علت خاصی صادر می شود (یا علت های خاص معلول های خاص دارند و هر معلولی نیز از علت خاص خود سرچشمه می گیرد).

ب- از این اصل چه نتیجه ای گرفته می شود؟

نظم و قانونمندی میان پدیده ها.

۱۶۰- نظر دیوید هیوم را درباره علیّت با ذکر مثال شرح دهید. (نهایی خرداد ماه ۹۹)

اصل علیّت و رابطه ضروری میان علت و معلول را نمی توان از مشاهده حسی و تجربه به دست آورد. از نظر هیوم، حس فقط می تواند اجسام و رنگ ها و شکل ها و اموری از این قبیل را به ما نشان دهد. بر اثر تکرار مشاهده خورشید و روشن شدن زمین، در ذهن ما چنین منعکس می شود که خورشید علت روشن شدن زمین است. او این حالت ذهنی را تداعی می گوید، تداعی چیزی جز یک امر روانی ناشی از توالی و پشت سرهم آمدن پدیده ها نیست. از این طریق است که ما پنداشته ایم یک رابطه ضروری میان طلوع خورشید و روشن شدن زمین برقرار است.

۱۶۱- نظر فلاسفه مسلمان را در مورد نحوه درک "اصل علیت" بنویسید. (نهایی شهریورماه ۹۹)

از نظر فلاسفه مسلمان اصل علیت یک قاعده عقلی است و از تجربه به دست نمی آید زیرا هر تلاش تجربی خودمبتمنی بر این قاعده است. آنان می گویند: همین که ذهن انسان شکل گرفت و متوجه اصل امتناع اجتماع نقیضین شد، درمی یابد که پدیده ها خود به خود به وجود نمی آیند؛ زیرا اینکه چیزی خودش به خودش وجود بدهد، به معنای آن است که چیزی که نیست، قبلاً باشد تا بتواند خودش را به وجود بیاورد و این، همان اجتماع نقیضین است که محال بودن آن بدیهی است.

۱۶۲- رابطه علیت را تعریف کنید و تفاوت آن را با سایر روابط بنویسید. (نهایی شهریورماه ۹۹)

رابطه علیت رابطه ای وجودی است، یعنی وجود یکی ضرورتاً وابسته به وجود دیگری است؛ یعنی مانند رابطه دوستی نیست که در آن ابتدا وجود دو فرد فرض می شود و سپس میان آنها دوستی برقرار می گردد.

۱۶۳- نظر فلاسفه مسلمان را در مورد "اصل علیت" بنویسید. (نهایی دی ماه ۹۹)

از نظر فلاسفه مسلمان اصل علیت یک قاعده عقلی است و از تجربه به دست نمی آید زیرا هر تلاش تجربی خودمبتمنی بر این قاعده است. آنان می گویند: همین که ذهن انسان شکل گرفت و متوجه اصل امتناع اجتماع نقیضین شد، درمی یابد که پدیده ها خودبه خود به وجود نمی آیند؛ زیرا اینکه چیزی خودش به خودش وجود بدهد، به معنای آن است که چیزی که نیست، قبلاً باشد.

۱۶۴- چگونگی درک رابطه علیت را از نظر دیوید هیوم، به اختصار بنویسید. (نهایی دی ماه ۹۹)

او تجربه گراست و امکان معرفت از طریق استدلال عقلی، و بدون تجربه را رد می کند و می گوید درک علیت از این طریق هم ممکن نیست؛ چون علیت مفهومی فراتر از حس است. بر اثر تکرار پدیده هادر ذهن ما چنین تداعی بوجود می آید چیزی جز یک امر روانی ناشی از توالی پدیده ها نیست. از این طریق است که ما عادت کرده ایم چیزی را علت چیزی دیگر بنامیم.

۱۶۵- از نظر فیلسوفان مسلمان چرا پدیده هانمی توانند خودبه خود بوجود آیند؟ (نهایی دی ماه ۹۹)

زیرا اینکه چیزی خودش به خودش وجود بدهد، به معنای آن است که چیزی که نیست، قبلاً باشد تا بتواند خودش را به وجود بیاورد و این، همان اجتماع نقیضین است که محال بودن آن بدیهی است.

۱۶۶- نظر دیوید هیوم را درباره "منشاء اعتقاد به علیت در نزد انسان" توضیح دهید. (نهایی خرداد ۱۴۰۰)

او با تجربه گرایان هم عقیده است که تنها راه شناخت واقعیات حس و تجربه است، امامی گوید رابطه ضروری میان علت و معلول یک موضوع حس نیست و آن رانمی توان از طریق مشاهده حسی و تجربه به دست آورد. از نظر او اعتقاد به علیت در نزد انسان، ناشی از عادت ذهنی است. که یک امر روانی ناشی از توالی و پشت سرهم آمدن پدیده ها است.

۱۶۷- رابطه علیت را تعریف نموده و تفاوت آن را با سایر روابط با ذکر مثال شرح دهید. (نهایی شهریورماه ۱۴۰۰)

رابطه وجودبخشی میان علت و معلول را رابطه علیت می گویند. علیت رابطه ای و خودی است که در آن، یک طرف (علت) به طرف دیگر (معلول) وجود میدهد. یعنی یک طرف، وابسته به طرف دیگر است. یعنی مانند رابطه دوستی نیست که در آن ابتدا وجود و فرد فرض می شود و سپس میان آنها دوستی برقرار می گردد.

### @ جواب فعالیت ها و تمرینات درس ۳

#### تفکر ص ۱۴

✓ جستجوی علت، جستجوی حقیقت و دنبال پاسخ پرسش بودن، یک نیاز و زمینه فطری است. به عبارت دیگر اصولاً ساختار ذهن کودک علت یاب است و بخش اعظم تفکر کردن همان علت یابی است. به عبارت دیگر، انسان قدرت و توانایی تفکر و استدلال و یافتن علت ها و چگونگی ها را دارد و همین توانایی است که وقتی به کار می افتد، بسبب کسب علم و دانش می شود و به میزانی که انسان بیشتر تفکر کند، دانش بیشتری به دست می آورد، پرسش های کودک، صرفاً تقلید از بزرگ ترها نیست. بله، تربیت بزرگ ترها سبب تقویت توانایی کودک در پرسشگری می شود، نه اینکه اصل پرسشگری را در او به وجود بیاورد و ایجاد کند. سؤال از چراها و چگونگی ها در نهاد هر کودکی هست.

#### مقایسه ص ۱۵

اشیا	نوع رابطه
فرزندان یک پدر و مادر با یکدیگر	خواهری و برادری
زمین و اشیای روی آن	رابطه جذب (نیروی جاذبه، رابطه حال و محل)
استاد و شاگرد	رابطه تعلیم و تعلم
کارفرما و کارگر	رابطه کاری
اجزای یک ساعت	رابطه نظم (رابطه جزء و کل)

نکته: تفاوت اساسی این قبیل رابطه ها با رابطه علیت چیست؟ در همه این رابطه ها، اجزا و اشیایی وجود دارند که با هم رابطه برقرار می کنند. اما در رابطه علیت، معلول وجود ندارد و علت به معلول وجود می دهد و آن را پدید می آورد.

#### تطبیق ص ۱۷

- ۱- عقل گرایان، به خصوص دکارت این اصل را فطری می دانند و منظورشان از فطری این است که این مفهوم را انسان از ابتدا دارد و آن را کسب نکرده است و به تعبیر دیگر، این مفهوم به طور مادرزادی همراه انسان بوده است.
- ۲- تجربه گرایان آن را مکتسب از تجربه می دانند. البته در این میان، هیوم، فیلسوف قرن ۱۸ انگلستان، که یک فیلسوف تجربه گراست، می گوید انسان، برای رسیدن به معرفت راهی جز تجربه ندارد، در عین حال می گوید علیت حتی یک مفهوم مستقیم تجربی هم نیست. اومی گوید انسان ها (علاوه بر علت و معلول) عنصر سومی را هم در علیت دخالت می دهند و آن ضرورت است.

انسان اینگونه فکرمی کند که اگر علت آمد، ضرورتاً معلول هم می آید. هیوم می گوید هم پهلویی و توالی مساوی با اصل علیت نیستند. آنچه اصل علیت را می سازد، این مفهوم ضرورت است که می گوید اگر الف آمد، ضرورتاً ب هم خواهد آمد.

۳- قانون علیت از نظر فلاسفه اسلامی یک قانون عقلی است و مادرزادی هم نیست و از طریق تجربه و درک توالی زمانی و مانند آن هم به دست نیامده است. بیان ابن سینا، علاوه بر یک تبیین دقیق از علیت، ناظر بر رفع اشکالی است که قرن ها بعد پایه فکری فیلسوفی مثل هیوم را تشکیل داده است.

#### 🔗 مقایسه ص ۱۸

**هیوم:** انسان، برای رسیدن به معرفت راهی جز تجربه ندارد، در عین حال می گوید علیت حتی یک مفهوم مستقیم تجربی هم نیست. او می گوید انسانها عنصر سومی را هم در علیت دخالت می دهند و آن ضرورت است انسان اینگونه فکرمی کند که اگر علت آمد، ضرورتاً معلول هم می آید. هیوم می گوید هم پهلویی و توالی مساوی با اصل علیت نیستند. آنچه اصل علیت را می سازد، این مفهوم ضرورت است.

**ابن سینا** هم به توالی مورد نظر هیوم اشاره می کند و توضیح می دهد که این توالی به هیچ وجه منشأ اعتقاد به علیت در انسان نشده و هم به موضوع عادت ذهنی توجه می کند که هیوم آن را عامل پیدایش اصل علیت در انسان به شمار می آورد و این را هم ابن سینا مردود می شمارد.

**عقل گرایان، به خصوص دکارت** این اصل را فطری می دانند و منظورشان از فطری این است که این مفهوم را انسان از ابتدا دارد و آن را کسب نکرده است و این مفهوم به طور مادرزادی همراه انسان بوده است. تجربه گرایان آن را مکتسب از تجربه می دانند.

از نظر فلاسفه اسلامی (ابن سینا): قانون علیت یک قانون عقلی است و مادرزادی هم نیست و از طریق تجربه و درک توالی زمانی و مانند آن هم به دست نیامده است.

#### 🔗 بررسی ص ۱۹

۱- سوار اتومبیل شدن بدان جهت است که از اتومبیل انتظار داریم یا سرعت بیشتر حرکت کند. غذا می خوریم چون از غذا انتظار داریم که سلامتی ما را تأمین کند

۲- هر تجربه گرایی با پدیده های جدید هم که روبه رومی شود، باز هم بر اساس اصل سنخیت با آن برخورد می کند؛ یعنی به دنبال شناخت آثار ویژه آن پدیده است و انتظار دارد که آثار خاصی از آن ظاهر شود. به عبارت دیگر: در این صورت نمی توانیم قاعده و قانون علمی (کلی و ضروری) داشته باشیم.

۳- الف- از مکافات عمل غافل مشو  
ب- با آن که خداوند رحیم است و کریم  
ج- دهقان سالخورده چه خوش گفت با پسر  
گندم از گندم بروید جو ز جو (مولوی)  
گندم نهد بار چو جو می کاری (مولوی)  
کای نور چشم من به جز از کشته ندروی (حافظ)

#### 🔗 بررسی ص ۲۰

الف- انکار اصل اول (اصل علیت) یا تردید در آن: مساوی عدم ارتباط و پیوستگی میان هر شیء و منشأ آن می باشد. و قبول صدفه و اتفاق است.

ب- انکار اصل دوم (اصل وجوب بخشی علت به معلول) یا تردید در آن: مساوی با عدم قبول تخلف ناپذیری و حتمیت در نظام هستی یعنی میان پدیده ها و علل آنها رابطه ضروری وجود ندارد.

ج- انکار اصل سوم (اصل سنخیت میان علت و معلول) یا تردید در آن: مساوی با عدم قبول نظم و قانونمندیهای معین میان دسته های مختلف پدیده ها یعنی سنخیتی میان اشیا و آثار آنها نیست.

نتایج اصل علیّت	نقد و نظر
وجود نظم در میان پدیده ها	نتیجه سنخیت علت و معلول است.
امکان پیش بینی رخدادها	نتیجه سنخیت علت و معلول است.
امکان پیشگیری از برخی حادثه‌ها	نتیجه سنخیت علت و معلول است.
امکان پژوهش و تحقیق	پژوهشگر هم چون انتظار دارد که از هر پدیده ای آثار خاصی مشاهده کند، تحقیق می کند تا آثار خاص هر پدیده را شناسایی کند.
تنظیم امور زندگی	تنظیم آموزندگی هم بر اساس اصل علیّت و فروع آن است.
به وجود آمدن شاخه‌های مختلف دانش	علم در هر زمینه‌ای جز کشف و بیان علل امور نیست.

۲- به ترتیب: ۱- تجربه‌گرایان و هیوم ۲- دکارت ۳- ابن سینا و فلاسفه پیرو او و توماس آکوئینی ۴- تجربه‌گرایان ۵- عقل‌گرایان و فیلسوفان مسلمان

۳- **سنخیت علت و معلول** یعنی انسان علاوه بر اینکه درک می کند که هر حادثه ای علت می خواهد، همچنین درک می کند که هر علتی، معلول خاص خودش را پدید می آورد و نیز درک می کند که هر معلولی از علت خاصی صادر می شود و پدید می آید؛ مثلاً آتش می سوزاند، آفتاب، روشنایی می دهد و غذا انسان را سیر می کند.



- ۱-علیت از کلماتی است که در گفت و گوهای روزمره همه اقوام و ملل کاربرد دارد.
- ۲-همه اقوام و ملل در گفت و گوهای روزمره، برخی امور را اتفاقی و تصادفی می‌شمارند.
- ۳-هیچ یک از فیلسوفان جهان از واژه اتفاق استفاده نکرده‌اند.
- ۴-به عقیده هراکلیتوس، معتقد بود که ماده اولیه تشکیل دهنده جهان، اتم‌ها و ذرات ریز تجزیه ناپذیر و غیر قابل تقسیم هستند.
- ۵-به نظر دموکریتوس برخورد اتفاقی ذرات ریز تجزیه ناپذیر و غیر قابل تقسیم سرگردان سبب پیدایش عناصر و اشیاء فعلی در جهان شده است.
- ۶-شکل دیگری از اتفاق که در دوره‌های اخیر مطرح شده، در گفته‌های برخی دانشمندان زیست‌شناس آمده است.
- ۷-به نظر برخی از دانشمندان، فقط آن دسته از جانداران که تغییرات بدنی شان "اتفاقاً" سازگار با محیط بوده است؛ به حیات خود ادامه داده و رشد کرده‌اند و اگر در این میان تکاملی رخ داده، اتفاقی بوده است.
- ۸-به نظر برخی از دانشمندان جانداران بی‌شماری در جهان به علت سازگاری اندام‌ها و اعضای بدنشان با محیط زندگی، از بین رفته‌اند.
- ۹-امروزه برخی از دانشمندان می‌گویند که جهان کنونی ما، یعنی این میلیاردها کهکشان، با یک انفجار بزرگ بیگ‌بنگ آغاز شده و به تدریج گسترش یافته است.
- ۱۰-مفهوم مه‌بانگ باعث شده برخی تصور کنند پیدایش این جهان، اتفاقی و بدون یک علت وجوددهنده بوده است.
- ۱۱-امروزه مفهوم اتفاق نه تنها نزد عامه مردم بلکه بر زبان همه دانشمندان نیز جاری می‌شود.
- ۱۲-فارابی در الهیات شفا مفهوم تریب کتاب فلسفی خود، تلاش کرده است نظر مردم را در مورد مفهوم شانس و اتفاق که تصحیح نماید.
- ۱۳-یکی از اقدامات مؤثر و مهم فیلسوفان، دقت در مفاهیم عامیانه و نقد و تصحیح یا تعمیق آنها بوده است.
- ۱۴-فارابی دقت در مفاهیم عامیانه و نقد و تصحیح یا تعمیق آن را از وظایف فیلسوفان می‌شمارد.
- ۲۳-معنای سوم اتفاق این است که میان علت و معلول آن رابطه حتمیت وجود ندارد.
- ۲۴-معنای دوم اتفاق این است که ممکن است از هر علتی هر معلولی پدید آید.
- ۲۵-معنای سوم اتفاق، نبودن غایت و هدف خاص در حرکات و نظم جهان است.
- ۲۶-نظم و قانونمندی میان پدیده‌ها در جهان ناشی از اصل وجوب بخشی علت به معلول است.

۲۷- برخی فیلسوفان اتفاق به معنای اول را انکار می کنند و می گویند هر معلولی به علت نیاز دارد و نمی تواند بدون علت موجود شود.

۲۸- اتفاق به معنای دوم از نظر بسیاری از فلاسفه، از جمله ابن سینا و ملاصدرا و علامه طباطبایی و برخی فیلسوفان اروپایی، امکان پذیر نیست.

۲۹- فیلسوفی یافت نمی شود که به طور صریح و روشن با معنای اول اتفاق با این بیان که میان علت و معلول آن رابطه حتمیت وجود دارد، موافق باشد.

۳۰- از نظر بسیاری از فلاسفه، از جمله ابن سینا و ملاصدرا و علامه طباطبایی و برخی فیلسوفان اروپایی اگر کسی به طور جدی و دقیق اصل سنخیت میان علت و معلول را به طور جدی و دقیق انکار کند و پدید آمدن هر چیزی از هر چیزی را ممکن بداند، به هیچ کاری اقدام نخواهد کرد.

۳۱- برخی از مردم که از تمام اجزای یک علت آگاه نیستند، گاهی فکری می کنند که در برخی موارد، در بعضی وجود علت، معلول پدید نمی آید.

۳۲- به مجموعه چند عامل است که روی هم، علت پدید آمدن آن معلول اند، علت ناقصه می گویند.

۳۳- به هر یک از عوامل که روی هم علت پدید آمدن یک معلول را تشکیل می دهند، علت ناقصه می گویند.

۳۴- انکار اصل علت، بی اعتباری همه علوم و پذیرش هرج و مرج در جهان را به دنبال دارد.

۳۵- اثبات یا نفی اتفاق به معنای سوم و نبودن غایت و هدف خاص در حرکات و نظم جهان نیازمند دقت و تأمل بیشتر است.

۳۶- آن دسته از فلاسفه که برای مجموعه هستی یک علت حقیقی قائل اند، اتفاق به معنای نبودن هدف خاص در حرکات و نظم جهان را انکار می کنند.

۳۷- آن دسته از فلاسفه که علاوه بر لوازم اصل علت به علت العلل معتقدند اتفاق به معنای نبودن غایت در جهان معتقد نیستند.

۳۸- آن دسته از فیلسوفان که معمولاً به علت العلل معتقد نیستند، غایت مندی زنجیره حوادث را انکار می کنند.

۳۹- به نظر فلاسفه معتقد به علت العلل، هر فرایند طبیعی و هر سیر تحولی در طبیعت، هدف خاصی را تعقیب می کند.

۴۰- معنای چهارم اتفاق که بی ارتباط با اصل علت نیست، رخ دادن حادثه پیش بینی شده است.

۴۱- آن دسته از فیلسوفان که معمولاً به علت العلل معتقد نیستند، وجود برخی از فرایندهای تکاملی را در جهان امری اتفاقی به حساب می آورند که از پیش تعیین و پیش بینی شده است.

۴۲- از ابتدای پیدایش موجود زنده بر روی زمین، جانداران بی شماری پدید آمده اند که برخی از آنها، به علت ناسازگاری با محیط زندگی، از بین رفته اند.

۴۳- از ابتدای پیدایش موجود زنده بر روی زمین، جانداران بی شماری پدید آمده اند و فقط آن دسته از جانداران که تغییرات بدنی آنها اتفاقاً سازگار با محیط بوده به حیات خود ادامه داده، رشد کرده اند و تکثیر شده اند.

۴۴- با پذیرش اصل علت در مواجهه با هر پدیده ای در پی کشف منشأ و عامل پیدایش آن برمی آییم.

۴۵- از اصل سنخیت میان علت و معلول اصل نظم و قانونمندی های معین میان دسته های مختلف پدیده ها نتیجه می شود.

۴۶- فیلسوفی راسراغ نداریم که به طور صریح و روشن بامعنای اول اتفاق موافق باشد.

۴۷- برخی فیلسوفان اتفاق به معنای اول را انکار میکنند و میگویند چون هر معلولی به علت نیاز دارد و یک رابطه ضروری میان علت و معلول آن است.

۴۸- اگر کسی واقعاصل و جوب بخشی میان علت و معلول را انکار کند چنین فردی می تواند نظم و هماهنگی موجود در طبیعت را تبیین کند و دلیل آن را به دست آورد.

۴۹- قبول غایتمندی در جهان فقط با قبول علت نخستین و *علیه العزل*، یعنی قبول آفریننده امکان پذیر است.

۵۰- یک عده از فلاسفه معتقدند جهانی که مادر آن زندگی می کنیم، به سوی کمال خود در حرکت است و مرحله به مرحله کاملتر می شود.

۵۱- فلاسفه ای که برای جهان علت نخستین و آفریننده را اثبات می کنند، معتقدند که نوع سوم اتفاق هم مانند دو معنای اول امکان پذیر نیست.

۵۲- دسته ای از فیلسوفان که به خداوند و علت نخستین برای جهان معتقد نیستند، غایتمندی زنجیره حوادث را نیز ممکن می دانند.

۵۳- دسته ای از فیلسوفان که به خداوند و علت نخستین برای جهان معتقد نیستند، حتی وجود فرایندهای تکاملی در جهان را امری اتفاقی به حساب نمی آورند که از پیش تعیین شده است.

۵۴- معنای چهارم اتفاق با هیچ یک از اصول و لوازم علیت مخالف نیست.

۵۵- دسته ای از فیلسوفان در عین انکار خداوند، می خواهند برای جهان و انسان هدف و غایت غایی و نهایی تعیین کنند.

۵۶- قبول غایت برای اشیا و پدیده های جهان وقتی امکان پذیر است که آن غایت، قبل از پیدایش اشیا مشخص شده باشد.

۵۷- علت ناقصه شرط لازم، اما ناکافی برای وجود معلول است. (نهایی / دی ماه ۹۷)

@ جواب ها: ۱- غ ۲- ص ۳- غ ۴- غ ۵- ص ۶- ص ۷- ص ۸- غ ۹- ص ۱۰- ص ۱۱- غ ۱۲- غ ۱۳- ص ۱۴- غ

۲۳- غ ۲۴- ص ۲۵- ص ۲۶- غ ۲۷- غ ۲۸- ص ۲۹- ص ۳۰- ص ۳۱- ص ۳۲- غ ۳۳- ص ۳۴- غ ۳۵- ص ۳۶- ص ۳۷- ص

۳۸- ص ۳۹- ص ۴۰- غ ۴۱- غ ۴۲- غ ۴۳- ص ۴۴- ص ۴۵- ص ۴۶- ص ۴۷- غ ۴۸- غ ۴۹- ص ۵۰- ص ۵۱- ص ۵۲- غ

۵۳- غ ۵۴- ص ۵۵- غ ۵۶- ص ۵۷- ص

- ۵۸- به نظر دموکریتوس، ماده اولیه تشکیل دهنده جهان،..... و ذرات ریز تجزیه ناپذیر و غیر قابل تقسیم هستند که پراکنده در فضای..... هستند.
- ۵۹- به نظر.....، برخورد اتفاقی..... سبب پیدایش عناصر و اشیاء فعلی در جهان شده است.
- ۶۰- به عقیده برخی دانشمندان زیست شناس، آن دسته از جانداران که تغییرات بدنی شان..... سازگار با محیط بوده است؛ حیات خود ادامه داده و رشد کرده اند و تکثیر شده اند.
- ۶۱- امروزه، برخی از دانشمندان می گویند که جهان کنونی ما، یعنی این میلیاردها کیهکشان، بایک انفجار بزرگ..... آغاز شده و به تدریج گسترش یافته است.
- ۶۲- ابن سینا در الهیات شفا مهمترین کتاب فلسفی خود، تلاشی کرده است نظر مردم را از موزد و دو مفهوم..... و..... که تصحیح نماید.
- ۶۳- به مجموعه چند عامل است که روی هم، علت پدید آمدن آن معلول اند، علت..... می گویند.
- ۶۴- به هریک از عوامل که روی هم علت پدید آمدن یک معلول را تشکیل می دهند،..... می گویند.
- ۶۵- معنای اول اتفاق این است که میان علت و معلول آن..... وجود ندارد.
- ۶۶- معنای دوم اتفاق این است که..... میان علت و معلول وجود ندارد.
- ۶۷- اتفاق به..... بسیاری از فلاسفه، از جمله ابن سینا و ملا صدرا و علامه طباطبایی و برخی فیلسوفان اروپایی، امکان پذیر نیست.
- ۶۸- انکار..... بی اعتباری همه علوم و پذیرش هرج و مرج در جهان را به دنبال دارد.
- ۶۹- اثبات یا نفی اتفاق..... به نیازمند دقت و تأمل بیشتر است.
- ۷۰- همه فیلسوفان اتفاق به..... انکار می کنند و می گویند: نمی شود که میان حوادث رابطه ای..... برقرار نباشد.
- ۷۱- اگر کسی واقعاصل..... میان علت و معلول را انکار کند و پدید آمدن هر چیزی از هر چیزی را..... بداند، به هیچ کاری دست نخواهد زد.
- ۷۲- پذیرفتن معنای سوم اتفاق، نفی..... و..... را به دنبال دارد.
- ۷۳- قبول غایتمندی برای جهان فقط با قبول..... و.....، یعنی قبول..... امکان پذیر است.
- ۷۴- معنای چهارم اتفاق،..... است.
- ۷۵- معنای چهارم اتفاق، کاربرد درستی دارد و مربوط به..... و..... ما نسبت به حوادث پیرامونی است.
- ۷۶- معنای سوم اتفاق، بدین معنا که این حرکات و نظام هابه سمت..... معینی به پیش نمی روند.

۷۷- دسته ای از فیلسوفان هم هستند که در عین ..... می خواهند برای جهان و انسان هدف و غایت تعیین کنند.

۷۸- دسته ای از فیلسوفان هم هستند که معتقدند جهان به سمت یک ..... در حرکت است و روزگام ترمی شود و به غایت خود نزدیک تر می گردد.

۷۹- نفی اصل علیت = قبول ..... ونفی ..... (هماهنگ کشوری ۸۷). (اتفاق / نظم)

۸۰- نویسنده کتاب (الهیات) شفا ..... است. (نهایی شهر یورماه ۹۸)

۸۱- به هریک از عواملی که در پدید آمدن یک معلول دخالت دارند، علت ..... می گویند. (نهایی خردادماه ۹۹)

۸۲- قبول غایتمندی در جهان، فقط با قبول علت نخستین و ..... امکان پذیر است. (نهایی دی ماه ۹۹)

@ جواب ها:

۵۸- (اتم ها / غیر متناهی) ۵۹- (دموکریتوس / ذرات سرگردان) ۶۰- (اتفاقا) ۶۱- (بیگ بنگ) ۶۲- (اتفاق / شانسی) ۶۳-

(علت تامه) ۶۴- (علت ناقصه) ۶۵- (رابطه حتمیت) ۶۶- (سنخیتی) ۶۷- (معنای دوم) ۶۸- (اصل سنخیت) ۶۹- (معنای

سوم) ۷۰- (معنای اول / ضروری) ۷۱- (سنخیت / ممکن) ۷۲- (علت نخستین جهان / آفریننده) ۷۳- (علت نخستین / علل

العلل / آفریننده) ۷۴- (رخ دادن حادثه پیش بینی نشده) ۷۵- (علم ناقص / محدود) ۷۶- (غایت و هدف) ۷۷- (انکار

خداوند) ۷۸- (غایت برتر) ۷۹- (اتفاق / نظم) ۸۰- (ابن سینا) ۸۱- (علت ناقصه) ۸۲- (علت العلل)

@ گزینه صحیح را انتخاب کنید:

۸۳- اشتراک علت تامه و ناقصه در چیست؟

(۱) از عدم آنها غیر معلول ضروری می شود. (۲) از وجود آنها، معلول ضروری می شود.

(۳) از عدم آنها عدم معلول ضروری می شود. (۴) از وجود آنها معلول ضروری صادر می شود.

۸۴- هریک از قضایای زیر به ترتیب با کدام معنی از معانی اتفاق هماهنگی و تطابق دارد؟

"همه عوامل پیدایش باران موجود باشند، اما باران نبارد. - حرارت سبب یخ بستن آب شود. - آفتاب سبب تاریکی شود."

(۱) میان علت و معلول رابطه حتمیت وجود ندارد. / ممکن است از هر علتی هر معلولی پدید آید. / نبودن غایت و هدف خاص در جهان

(۲) رخ دادن حادثه پیش بینی نشده است. / ممکن است از هر علتی هر معلولی پدید آید. / نبودن غایت و هدف خاص در جهان

(۳) رخ دادن حادثه پیش بینی نشده است. / نبودن غایت و هدف خاص در جهان / ممکن است از هر علتی هر معلولی پدید آید.

(۴) میان علت و معلول رابطه حتمیت وجود ندارد / ممکن است از هر علتی هر معلولی پدید آید / ممکن است از هر علتی هر معلولی پدید آید.

۸۵- کدام گزینه در مورد دلایل انکار کسانى که معنای دوم اتفاق و لوازم آن قبول ندارند درست نیست؟

- (۱) چنین فردى نمی تواند نظم و هماهنگى موجود در طبیعت را تبیین کند و دلیل آن را به دست آورد.  
(۲) اگر کسى به طور جدى و دقیق اصل سنخیت میان علت و معلول را به طور جدى و دقیق انکار کند، به هیچ کارى اقدام نخواهد کرد.  
(۳) چنین فردى پدید آمدن هر چیزى از هر چیزى را ممکن نمی داند.  
(۴) او حتى نمی تواند دانشمندان را به کشف علل پدیده ها دعوت کند.  
۸۶- اگر کسى معتقد به معنای دوم اتفاق باشد نمی توان گفت:

- (۱) به طور جدى و دقیق اصل سنخیت میان علت و معلول را انکار نمی کند.  
(۲) پدید آمدن هر چیزى از هر چیزى را ممکن می داند، و به هیچ کارى اقدام نمی کند.  
(۳) چنین فردى نمی تواند نظم و هماهنگى موجود در طبیعت را تبیین کند و دلیل آن را به دست آورد..  
(۴) او حتى نمی تواند دانشمندان را به کشف علل پدیده ها دعوت کند.

@ جواب تست ها: ۸۳- گزینه ۳    ۸۴- گزینه ۴    ۸۵- گزینه ۳    ۸۶- گزینه ۱

@گزینه درست را انتخاب کنید

۸۷- اگر کسى بگوید در برخی موارد، در عین وجود علت تامه، معلول بوجود نمی آید، این فرد، "اتفاق" به کدام معنا را پذیرفته است؟ (نهایی خردادماه ۹۹)

- (۱) نفی علیت    (۲) نفی ضرورت

۸۸- هر یک از عوامل پدید آمدن و وجود علت تامه، معلول، علت (۱: تامه □ □ ۲: ناقصه □) می گویند. (نهایی دی ماه ۹۹)

جواب ها: ۸۷- نفی ضرورت (گزینه دو)    ۸۸- ناقصه (گزینه دو)

۸۹- سوالات کشف ارتباط:

الف: سوالات    ب: پاسخ ها

۱- شکل دیگری از اتفاق    الف) اول

۲- انکار اتفاق به آن معنا در نظر همنه فیلسوفان    ب) گفته های برخی دانشمندان زیست

ج) دوم

@ جواب ها: (۱) ب    (۲) الف

۹۰- هر یک از گزینه‌های سمت راست با یکی از گزینه‌های سمت چپ مناسبت دارد. آنها را در کنار هم بنویسید (یک

مورد در سمت چپ اضافی است)

الف) از فیلسوفان یونان باستان معتقد به نظریهٔ اتفاق

۱- اتفاق

ب) نویسندهٔ کتاب الهیات شفا.

۲- دموکریتوس

ج) قبول اصل علیت بانفی آن هماهنگی دارد.

۳- ابن سینا

د) ادامه به حیات خود توسط موجوداتی که اتفاقاً با محیط سازگاری داشته‌اند

۴- کانت

۵- گفته‌های برخی دانشمندان زیست شناس

@ جواب‌ها: الف) ۲ ب) ۳ ج) ۱ د) ۵

@ به سؤالات ذیل جواب کوتاه دهید:

۹۱- کدام فیلسوف یونان باستان از واژهٔ اتفاق استفاده کرده بود؟

دموکریتوس

۹۲- کدام فیلسوف، دقت در مفاهیم عامیانه و نقد و تصحیح یا تعمیق آنها را از وظایف فیلسوفان می‌شمارد؟

ابن سینا

۹۳- ابن سینا در کتاب الهیات شفا در صدد بود نظر مردم را در مورد کدام مفاهیم تصحیح نماید؟

شانس و اتفاق

۹۴- چرا برخی از مردم می‌پندارند، میان علت و معلول، رابطهٔ ضروری وجود ندارد؟

زیرا برخی از مردم که از تمام اجزای یک علت آگاه نیستند.

۹۵- عبارات ذیل با کدام اصول یا موارد خاص مطابقت و هماهنگی دارد؟

۳- قبول اصل علیت بانفی آن موضوع هماهنگی دارد. ← اصل ..... (اتفاق)

۵- نتیجهٔ انکار اصل سنخیت در جهان ← ..... (بی اعتباری همهٔ علوم و پذیرش هرج و مرج در جهان را به دنبال دارد).

۹۶- با ذکر مثال مناسب توضیح دهید کدام معنای اتفاق را همهٔ فیلسوفان انکار می‌کنند؟

معنای اول اتفاق / می‌گویند چون هر معلولی به علت نیاز دارد و یک رابطهٔ ضروری میان علت و معلول آن است، نمی‌شود که

میان حوادث رابطه ای ضروری برقرار نباشد. اگر عوامل پیدایش باران وجود داشته باشد حتماً باران خواهد بارید.

۹۷- به نظر شما، آیا فیلسوفی را سراغ داریم که به طور صریح و روشن با معنای اول اتفاق موافق باشد؟ توضیح دهید.

خیر/ زیرا معتقدند چون هر معلولی به علت نیاز دارد و یک رابطه ضروری میان علت و معلول آن است، نمی شود که میان حوادث رابطه ای ضروری برقرار نباشد. اگر عوامل پیدایش باران وجود داشته باشد حتما باران خواهد بارید.

۹۸- نتیجه پذیرفتن معنای سوم اتفاق، (نبودن غایت و هدف خاص در حرکات و نظم جهان) چیست؟

نفی علت نخستین جهان و آفریننده

۹۹- عقیده آن دسته از فلاسفه که معمولا به *عله العلل* معتقد نیستند، در مورد غایت جهان را بیان کنید.

غایتمندی زنجیره حوادث را انکاری کنند و وجود برخی از فرایندهای تکاملی را در جهان امری اتفاقی به حساب می آورند که از پیش تعیین و پیش بینی نشده است.

۱۰۰- کدام دسته از فیلسوفان غایتمندی زنجیره حوادث را انکار می کنند؟

فلاسفه ای که معمولا به *عله العلل* معتقد نیستند و وجود برخی از فرایندهای تکاملی را در جهان امری اتفاقی به حساب می آورند که از پیش تعیین و پیش بینی نشده است.

۱۰۱- چرا نتیجه پذیرفتن معنای سوم اتفاق، به معنای نفی علت نخستین جهان و آفریننده است؟

زیرا غایتمند بودن جهان بدان معناست که مجموعه حوادثی که در جهان رخ می دهد، هدف و غایت معین و از پیش تعیین شده ای را دنبال می کند و قبول این غایتمندی فقط با قبول علت نخستین و *عله العلل*، یعنی قبول آفریننده امکان پذیر است.

۱۰۲- کدام معنای اتفاق با هیچ یک از اصول و لوازم علیت مخالف نیست؟ و آیا کاربرد درستی دارد؟ و به چه مواردی

از حوادث پیرامون ما مربوط می شود؟

معنای چهارم (رخ دادن حادثه پیش بینی نشده) بنابراین کاربرد درستی دارد و مربوط به علم ناقص و محدود مانسبت به حوادث پیرامونی است.

**\* پاسخ کامل و تشریحی دهید:**

۱۰۳- کدام یک از فیلسوفان یونان باستان از واژه، اتفاق استفاده کرده و عقیده او را در این باره بنویسید.

دموکریتوس، معتقد بود که ماده اولیه تشکیل دهنده جهان، اتم ها و ذرات ریز تجزیه ناپذیر و غیر قابل تقسیمی هستند که در فضای غیرمتناهی پراکنده بوده و به شکلی سرگردان حرکت می کرده اند. برخورد اتفاقی این ذرات سرگردان سبب پیدایش عناصر و اشیاء فعلی در جهان شده است.



۱۰۴- به نظر برخی دانشمندان زیست شناس، چرا بیشتر جانداران از بین رفته اند؟

به علت ناسازگاری اندام ها و اعضای بدنشان با محیط زندگی، از بین رفته اند.

۱۰۵- به نظر برخی دانشمندان زیست شناس، کدام دسته از جانداران توانستند به حیات خود ادامه داده و رشد کنند؟

فقط آن دسته از جانداران که تغییرات بدنی شان اتفاقاً سازگار با محیط بوده است.

۱۰۶- نظریه برخی دانشمندان زیست شناس در مورد پیدایش موجودات براساس اتفاق را توضیح دهید؟

شکل دیگری از اتفاق که در دوره های اخیر مطرح شده، گفته های برخی دانشمندان زیست شناس است. آنان می گویند: از ابتدای

پیدایش موجود زنده بر روی زمین، جانداران بی شماری پدید آمده اند که بیشتر آنها، به علت ناسازگاری با محیط زندگی، از بین رفته

اند. فقط آن دسته از جانداران که تغییرات بدنی آنها اتفاقاً سازگار با محیط بوده به حیات خود ادامه داده، رشد کرده اند و تکثیر شده اند.

۱۰۷- یکی از اقدامات موثر و مهم فیلسوفان، در مورد مفاهیم عامیانه چه بوده است؟

یکی از اقدامات مؤثر و مهم فیلسوفان، دقت در مفاهیم عامیانه و نقد و تصحیح یا تعمیق آنها بوده است.

۱۰۸- کدام فیلسوف، دقت در مفاهیم عامیانه و نقد و تصحیح یا تعمیق آنها را از وظایف فیلسوفان شمرده و در کتاب

الهیات شفا خویش در مورد چه مفاهیمی سخن گفته است؟

ابن سینا، هم درباره اتفاق و هم درباره شناسی سخن گفته و تلاش کرده است نظر مردم را در مورد این مفاهیم تصحیح نماید.

۱۰۹- اصطلاحات زیر را تعریف کنید:

الف) علت ناقصه      ب) علت تامه (نهایی شهر بورودی ماه ۹۸)

الف- در آنجا که معلول ناشی از مجموعه چند عامل است که روی هم، علت پدید آمدن آن معلول اند، هر یک از عوامل را علت ناقصه

می گویند

ب- مجموعه عواملی که روی هم، علت پدید آمدن آن معلول اند را علت تامه می گویند.

۱۱۰- معانی اتفاق را با ذکر مثالی توضیح دهید؟

۱- معنای اول اتفاق این است که میان علت و معلول آن رابطه حتمیت وجود ندارد. چه بسا یک علت موجود شود اما معلول آن

پدید نیاید؛ مثلاً همه عوامل پیدایش باران موجود باشند، اما باران نبارد و چه بسا یک معلول بدون وجود علت پیدا شود، مثلاً بدون

وجود ابر و مانند آن، خود به خود باران نبارد.

۲- معنای دوم اتفاق این است که ممکن است از هر علتی هر معلولی پدید آید؛ مثلاً حرارت سبب یخ بستن آب و آفتاب سبب تاریکی شود؛ یعنی سنخیتی میان علت و معلول وجود ندارد.

۳- معنای سوم اتفاق، نبودن غایت و هدف خاص در حرکات و نظم جهان است؛ بدین معنا که این حرکات و نظام ها به سمت غایت و هدف معینی به پیش نمی روند.

۴- معنای چهارم اتفاق که بی ارتباط با اصل علت نیست، رخ دادن حادثه پیش بینی نشده است؛ مثلاً، شخصی برای خرید روزانه به سمت بازار حرکت میکند اما در بین راه دوست خود را می بیند و از دیدن او خوشحال می شود. این شخص وقتی به منزل بازمی گردد، به اعضای خانواده اش می گوید: من امروز اتفاقی دوستم را دیدم و با او درباره فلان موضوع گفت و گو کردم.

۱۱- عقیده آن دسته از فلاسفه که معمولاً به **عله العلل معتقد نیستند**، در مورد غایت جهان را بیان کنید؟

غایتمندی زنجیره حوادث را انکار می کنند و وجود برخی از فرایندهای تکاملی را در جهان امری اتفاقی به حساب می آورند که از پیش تعیین و پیش بینی نشده است.

۱۱۲- چرا برخی از فیلسوفان اسلامی این معنی از اتفاق که "ممکن است از هر علتی هر معلولی پدید آید و سنخیتی میان علت و معلول وجود ندارد" را انکار کرده اند؟

زیرا آنان می گویند اگر کسی به طور جدی و دقیق اصل سنخیت میان علت و معلول را به طور جدی و دقیق انکار کند و پدید آمدن هر چیزی از هر چیزی را ممکن بداند، به هیچ کاری اقدام نخواهد کرد؛ مثلاً نمی تواند برای رفع عطش آب بیاشامد؛ زیرا میان آب و رفع عطش رابطه ای مشاهده نمی کند علاوه بر این، چنین فردی نمی تواند نظم و هماهنگی موجود در طبیعت را تبیین کند و دلیل آن را به دست آورد. او حتی نمی تواند دانشمندان را به کشف علل پدیده ها دعوت کند. انکار اصل سنخیت، بی اعتباری همه علوم و پذیرش هرج و مرج در جهان را به دنبال دارد.

۱۱۳- چرا اتفاق به معنای نفی اصل سنخیت از نظر بسیاری از فلاسفه، از جمله ابن سینا و ملاصدرا و علامه طباطبایی و برخی فیلسوفان اروپایی، امکان پذیر نیست؟

زیرا قبول این معنای اتفاق، نفی اصل سنخیت علت و معلول را به دنبال دارد. آنان می گویند اگر کسی واقعا اصل سنخیت میان علت و معلول را انکار کند و پدید آمدن هر چیزی از هر چیزی را ممکن بداند، به هیچ کاری دست نخواهد زد؛ مثلاً نمی تواند برای رفع عطش آب بیاشامد؛ زیرا میان آب و رفع عطش رابطه ای مشاهده نمی کند.

۱۱۴- یکی از معانی اتفاق این است که میان علت و معلول آن رابطه حتمیت وجود ندارد این بیان را نقد کنید.

فلسوفی یافت نمی شود که به طور صریح و روشن باین معنای اول موافق باشد. همه فیلسوفان چنین اتفاقی را انکاری کنند و می گویند هر معلولی به علت نیاز دارد و نمی تواند بدون علت موجود شود. برخی از مردم که از تمام اجزای یک علت آگاه نیستند، گاهی فکری کنند که در برخی موارد، در عین وجود علت، معلول پدید نمی آید و بر این اساس، می پندارند، میان علت و معلول، رابطه ضروری وجود ندارد.

۱۱۵- قبول معنای دوم اتفاق (نفی اصل سنخیت) چه تبعات و نتایج دارد؟ دو مورد را بنویسید.

۱- اگر کسی واقعا اصل سنخیت میان علت و معلول را انکار کند و پدید آمدن هر چیزی از هر چیزی را ممکن بداند، به هیچ کاری دست نخواهد زد؛ مثلاً نمی تواند برای رفع عطش آب بیاشامد؛ زیرا میان آب و رفع عطش رابطه ای مشاهده نمی کند.  
۲- علاوه بر این، چنین فردی نمی تواند نظم و هماهنگی موجود در طبیعت را تبیین کند. و دلیل آن را به دست آورد.  
۳- او حتی نمی تواند دانشمندان را به کشف علل پدیده ها تشویق نماید. ۴- در حقیقت، انکار اصل سنخیت، بی اعتباری همه علوم و بی اعتنایی به آنها را به دنبال دارد و متناقض باینک هستی نظام مند و قانونمند است.

۱۱۶- کدام دسته از فیلسوفان معتقدند که هر فرایند طبیعی و هر سیر تحولی در طبیعت، هدف خاصی را تعقیب می کند؟

فلاسفه ای که علاوه بر لوازم، "اصل علیت" به "عله العلیل" معتقدند و برای مجموعه هستی یک علت حقیقی قائل اند.

۱۱۷- به عقیده فیلسوفان اسلامی، پذیرش این معنی اتفاق که ممکن است از هر علتی هر معلولی پدید آید، چه آثار و

پیامدهایی به همراه خواهد داشت؟

هر کس به این معنی معتقد باشد، به هیچ کاری اقدام نخواهد کرد؛ علاوه بر این، چنین فردی نمی تواند نظم و هماهنگی موجود در طبیعت را تبیین کند و دلیل آن را به دست آورد. او حتی نمی تواند دانشمندان را به کشف علل پدیده ها دعوت کند. و بالاخره انکار اصل سنخیت، بی اعتباری همه علوم و پذیرش هر چه و مرج در جهان را به دنبال دارد.

۱۱۸- کدام دسته از فیلسوفان غایتمندی زنجیره حوادث را انکار می کنند؟ توضیح دهید

معمولاً به عله العلیل معتقد نیستند، غایتمندی زنجیره حوادث را انکاری کنند و وجود برخی از فرایندهای تکاملی را در جهان امری اتفاقی به حساب می آورند که از پیش تعیین و پیش بینی نشده است.

شوند؟ توضیح دهید

به سه دسته تقسیم شده اند:

۱- آن دسته از فلاسفه که برای جهان علت نخستین و آفریننده را اثبات می کنند، معتقدند که این نوع اتفاق هم مانند دو معنای اول امکان پذیر نیست و همه حوادث جهان از ابتدا تا کنون و در آینده در جهت یک هدف و غایت از پیش تعیین شده قرار دارند. به عبارت دیگر: جهانی که ما در آن زندگی می کنیم، به سوی کمال خود در حرکت است و مرحله به مرحله کاملتر می شود.

۲- اما آن دسته از فیلسوفان که به خداوند و علت نخستین برای جهان معتقد نیستند، غایت‌مندی زنجیره حوادث را نیز انکار می کنند و حتی وجود فرایندهای تکاملی در جهان را امری اتفاقی به حساب می آورند که از پیش تعیین شده نبوده است.

۳- دسته ای از فیلسوفان هم هستند که در عین انکار خداوند، می خواهند برای جهان و انسان هدف و غایت تعیین کنند و بگویند که جهان به سمت یک غایت برتر در حرکت است و روز به روز کامل تر می شود و به غایت خود نزدیک تر می گردد.

۱۲۰- عقیده آن دسته از فلاسفه که علاوه بر لوازم اصل علیت، به علل معتقدند و برای مجموعه هستی یک علت

حقیقی قائل اند، را در مورد غایت جهان توضیح دهید؟

یک دسته از فلاسفه که علاوه بر لوازم، "اصل علیت" به "علل" معتقدند و برای مجموعه هستی آن علت حقیقی قائل اند، می گویند هر فرایند طبیعی و هر سیر تحولی در طبیعت، هدف خاصی را تعقیب می کند و سر منتهی تعیین شده دارد؛ گرچه انسان هابه علت محدودیت های علمی نتوانند همه این اهداف را کشف کنند.

۱۲۱- غایت‌مندی بودن جهان به چه معناست؟ و قبول این غایت‌مندی چگونه ممکن است؟ بنویسید.

غایت‌مندی بودن جهان بدان معناست که مجموعه حوادثی که در جهان رخ می دهد، هدف و غایت معین و از پیش تعیین شده ای را دنبال می کند و قبول این غایت‌مندی فقط با قبول علت نخستین و علل، یعنی قبول آفریننده امکان پذیر است.

۱۲۲- فلاسفه نسبت به اثبات یا نفی اتفاق به معنای سوم (نفی غایت‌مندی یا نفی علت نخستین)، نظرات متفاوتی ارائه

کرده اند به اختصار بنویسید؟

۱- آن دسته از فلاسفه که برای جهان علت نخستین و آفریننده را اثبات می کنند، معتقدند که این نوع اتفاق هم مانند دو معنای اول امکان پذیر نیست و همه حوادث جهان از ابتدا تا کنون و در آینده در جهت یک هدف و غایت از پیش تعیین شده قرار دارند. به عبارت دیگر: جهانی که مادر آن زندگی می کنیم، به سوی کمال خود در حرکت است و مرحله به مرحله کاملتر می شود.

۲- اما آن دسته از فیلسوفان که به خداوند علت نخستین برای جهان معتقد نیستند، غایت‌مندی زنجیره حوادث را نیز انکار می‌کنند و حتی وجود فرایندهای تکاملی در جهان را امری اتفاقی به حساب می‌آورند که از پیش تعیین شده نبوده است.

۳- دسته ای از فیلسوفان هم هستند که در عین انکار خداوند، می‌خواهند برای جهان و انسان هدف و غایت تعیین کنند و بگویند که جهان به سمت یک غایت برتر در حرکت است و روز به روز کامل تر می‌شود و به غایت خود نزدیک تر می‌گردد.

۱۲۳- این عبارت و نظریه زیر را نقد و بررسی کنید:

"دسته ای از فیلسوفان هم هستند که در عین انکار خداوند، می‌خواهند برای جهان و انسان هدف و غایت تعیین کنند و بگویند که جهان به سمت یک غایت برتر در حرکت است و روز به روز کامل تر می‌شود و به غایت خود نزدیک تر می‌گردد."

نظر این فیلسوفان مورد نقد قرار گرفته است. زیرا قبول غایت برای اشیا و پدیده های جهان وقتی امکان پذیر است که آن غایت، قبل از پیدایش اشیا مشخص شده باشد تا اشیا، متناسب با آن هدف و آن غایت ساخته شده و پدید آمده باشند تا به سوی آن حرکت نمایند و تکامل یابند و چنین غایت و هدفی، بدون قبول خداوند امکان پذیر نیست.

۱۲۴- کدام دسته از فیلسوفان "اتفاق" را به معنای "نفی غایت‌مندی" قبول ندارند؟ نظر آنها را توضیح دهید. (نهایی)

خردادماه ۹۹)

آن دسته از فلاسفه که برای جهان علت نخستین وافریننده را اثبات می‌کنند، معتقدند که این نوع اتفاق هم مانند دو معنای اول امکان پذیر نیست و همه حوادث جهان از ابتدا تا کنون و در آینده در جهت یک هدف و غایت از پیش تعیین شده قرار دارند.

۱۲۵- نظر دموکریتوس درباره ماده اولیه تشکیل دهنده جهان و نحوه پیدایش عناصر و اشیا فعلی در جهان را بنویسید.

(نهایی خردادماه ۹۹)

او معتقد بود که ماده اولیه تشکیل دهنده جهان، اتم ها و ذرات ریز تجزیه ناپذیر و غیر قابل تقسیمی هستند که در فضای غیرمتناهی پراکنده بوده و به شکلی سرگردان حرکت می‌کرده اند. بر خورد اتفاقی این ذرات سرگردان سبب پیدایش عناصر و اشیا فعلی در جهان شده است.

۱۲۶- در پاسخ به این سوال که: آیا تحولات روی زمین از همان ابتدا به سمت پیدایش انسان بوده است یا نه؟ فلاسفه به

سه دسته تقسیم می شوند. نظر هر دودسته را به اختصار بنویسید. (با تغییر جزئی نهایی شهریور و دی ماه ۹۹)

۱- آن دسته از فلاسفه که برای جهان علت نخستین و آفریننده را اثبات می کنند، معتقدند که این نوع اتفاق هم مانند دو معنای اول

امکانپذیر نیست و همه حوادث جهان از ابتدا تا کنون و در آینده در جهت یک هدف از پیش تعیین شده قرار دارند

۲- دسته دیگر از فیلسوفان که به خداوند و علت نخستین برای جهان معتقد نیستند، غایت مندی زنجیره حوادث را نیز انکار می کنند و

حتی وجود فرایندهای تکاملی در جهان را امری اتفاقی به حساب می آورند که از پیش تعیین شده نبوده است.

۳- دسته ای از فیلسوفان هم هستند که در عین انکار خداوند، می خواهند برای جهان و انسان هدف و غایت تعیین کنند و بگویند

که جهان به سمت یک غایت برتر در حرکت است و روز به روز کامل تر می شود و به غایت خود نزدیک تر می گردد.

@ جواب فعالیت ها و تمرینات درس ۴

پاسخ به پرسش های ص ۲۳

✓ از لحاظ فلسفی اول باید بینیم امر اتفاقی و تصادفی و شانسی در جهان واقعیت دارد یا نه. یکی از کارکردها و فواید فلسفه بررسی و تشخیص و تمیز امور واقعی و موهوم است. اگر چیزی مانند اتفاقی و شانسی واقعیت نداشته باشد، نمی توان رخدادها را به آن نسبت داد. امروزه مفهوم اتفاق نه تنها نزد عامه مردم بلکه بر زبان برخی دانشمندان نیز جاری می شود. البته باید از نظر فلسفی مورد نقادی بگیرد. بله ضرب المثل "دری به تخته خورد و فلانی به ثروت رسید" نوعی اتفاق است ولی از نظر فلسفی قابل قبول نیست.

اظهار نظر ص ۲۴

معانی اول و دوم و سوم کمتر و معانی چهارم بیشتر

مقایسه ص ۲۶

نتیجه دیدگاه نخست، هدفداری و احساس آرزایش و نگرش مثبت به جهان و زندگی است و نتیجه دیدگاه دوم حیرانی و سرگردانی و احساس بیوچی و افسردگی و اضطراب و دلهره در زندگی است. کسی که علل و خدا را قبول دارد، می تواند برای جهان یک نقشه از پیش تعیین شده و یک هدف و غایت قائل شود، اما کسی که علل را قبول ندارد نمی تواند برای جهان نقشه و هدف تعیین کند. کسی که برای جهان نقشه و هدف قائل است، می داند که حوادثی که در جهان خلقت رخ می دهد، اتفاقی نیست، بلکه برای آن است که در نهایت و پایان، به آن هدف نهایی منجر شود. اما کسی که جهان را دارای نقشه و هدف نمی داند حوادث را صرفاً اتفاقاتی می داند که به جایی نخواهد انجامید. در نتیجه، دو رفتار متفاوت از این دو نگرش به دست می آید. کسی که برای جهان نقشه و هدف قائل است، می کوشد آن هدف و نقشه را بشناسد و در مسیر آن نقشه و هدف عمل کند. اما کسی که جهان را هدفمند نمی داند، هرچه که به فکر خودش بیاید، آن را هدف قرار می دهد و یا اینکه نگاهی ناامیدانه و مأیوسانه به جهان پیدامی کند و به نیهیلیسم و پوچ گرایی می رسد.

نتیجه دیدگاه سوم، زیرا قبول غایت برای اشیا و پدیده های جهان وقتی امکان پذیر است که آن غایت، قبل از پیدایش اشیا مشخص شده باشد تا اشیا، متناسب با آن هدف و آن غایت ساخته شده و پدید آمده باشند تا به سوی آن حرکت نمایند و تکامل یابند و چنین غایت و هدفی، بدون قبول خداوند امکان پذیر نیست.

۱- چهارمی (معنای صحیح اتفاق)

به عبارت دیگر نظر دموکریتوس بامعانی دوم و سوم اتفاق سازگار است و نظریهٔ مربوط به تکامل زیستی موجودات نیز بامعانی دوم و سوم اتفاق سازگار است و منجر به انکار اصل سنخیت و غایت‌مندی می‌شود و اگر منظور از نظریهٔ مهبانگ این باشد که قبل از انفجار بزرگ چیزی نبوده و ناگهان انفجاری رخ داده، این سخن به معنای آن است که از هیچ، چیزی به وجود بیاید. این سخن با اصل علیت و وجوب بخشی علت و معلول مخالف است و موافق معنای اول اتفاق است. اما اگر به معنای این باشد که ذره ای کوچک و بسیار فشرده بوده و خود به خود در آن انفجاری رخ داده، این سخن نیز هم به معنای اول اتفاق است که می‌خواهد رابطهٔ ضروری میان علت و معلول را انکار کند و هم به معنای دوم اتفاق است که انکار اصل سنخیت را در پی دارد.

۲- نه خیر، و ناظر بر معنای سوم اتفاق است، یعنی حوادث بدون هدف و غایت بدون قبول یک علت خالق حکیم و دارای علم، نمی‌توان این معنای از اتفاق را مردود دانست.

۳- ناظر به معنای دوم و سوم اتفاق است هر ج و مرج، پوچی، نیست‌انگاری، حیرت، سرگردانی و دلپره و .. به عبارت دیگر: اگر کسی واقعاً و جدّاً هم این دو معنای اتفاق را بپذیرد، نمی‌تواند هیچ تصمیمی در طول روز بگیرد و هیچ هدفی را برای خود تعیین کند. چون انجام هر تصمیمی مبتنی بر قبول اصل سنخیت علت و معلول است. و تعیین هر هدفی نیز مبتنی بر هدف‌مندی انسان و جهان می‌باشد.

۴- ناظر بر نفی اتفاق به معنای دوم است. مصراع گندم از گندم بروید. جو ز جوبیان کنندهٔ اصل سنخیت در علت و معلول است و روشن می‌کند که هر چیزی از هر چیزی پدید نمی‌آید، بلکه از هر علت خاص، معلول خاص آن بروز می‌کند. معنای دوم. چون سنخیت علت و معلول را بیان می‌کند.

۵- ناظر بر نفی اتفاق به معنای سوم است. زیرا این ابیات مثنوی مولوی بیان کنندهٔ حرکات غایت‌مندانه و هدف‌دار در جهان است و نشان می‌دهد که گیاهان و حیوانات و انسان‌ها به صورت اتفاقی پدید نیامده اند بلکه هر یک از این موجودات حلقه ای از حلقه های نظام خلقت و تکمیل کنندهٔ یکدیگر هستند.

پیرامون خدا و عقل



سپاسگزاران



- ۱- موجودات ممکن و معلول وجودشان از خودشان نیست و نیازمند به علت هستند.
- ۲- فیلسوفان بزرگ یونان، در جامعه ای زندگی می کردند که مردم آن به خدایان متعدد اعتقاد داشتند.
- ۳- افلاطون توصیفی از نوعی هستی ارائه می دهد که کاملاً بر توصیف خدا در ادیان الهی منطبق است.
- ۴- در جامعه یونانی، مردم آن به خدایان متعدد اعتقاد داشتند. و هر کدام را مبدأ و منشأ یک حقیقت در جهان می شمردند.
- ۵- در ایران باستان، زئوس خدای آسمان و باران، آپولون خدای خورشید و هنر و موسیقی و آرنمیسین خدای عفت و خویشتنداری بود.
- ۶- اتهام اصلی سقراط نیز همین بود که او خدایانی را که همه به آنها معتقدند، انکار می کند. و از خدایی جدید سخن می گوید.
- ۷- حاکمان و بزرگان جامعه یونان اجازه نمی دادند که کسی با اندیشه شرک آلودشان مخالفت کند و یا به خدایان توهین نماید.
- ۸- سقراط، گرچه گاهی از لفظ خدا هم استفاده می کرد، اما گزارش افلاطون از جریان محاکمه وی نشان از آن دارد که وی به وجود خدایان معتقد بوده است و تلاش کرده که مردم را نیز به این حقیقت رهبری و هدایت نماید.
- ۹- گزارش افلاطون از جریان محاکمه سقراط نشان از آن دارد که وی به وجود خدای یگانه معتقد بوده است.
- ۱۰- بعد از محاکمه سقراط، شاگردان او تصمیم گرفتند با دقتی فلسفی و استدلالی درباره خدا صحبت کنند و پندارها را اصلاح نماید.
- ۱۱- به نظر ارسطو افلاطون ابداع کننده خدانشناسی فلسفی است.
- ۱۲- یکی از افلاطون شناسان تیلور است.
- ۱۳- از نظر افلاطون همه چیز در بر تو واقعیت، دارای حقیقت می شوند.
- ۱۴- به نظر تیلور، کار خداوند هدف دار است.
- ۱۵- به نظر تیلور، خدا نزد افلاطون یک خدای معین با ویژگی های روشن است و این، با چند خدایی یونان تفاوت دارد.
- ۱۶- به نظر افلاطون همانطور که روشنایی شبیه خورشید است، اما خود خورشید نیست، حقایق نیز شبیه به "خدا" هستند، نه خود آن.
- ۱۷- ارسطو که از قدرت استدلال و منطق قوی برخوردار بود، تلاش کرد برهان هایی بر وجود خدا و مبدأ نخستین جهان ارائه کند.
- ۱۸- ارسطو از خدا به عنوان صانع و آفریننده اشیا این عالم یاد می کند.
- ۱۹- صانع یا دمیورژ در نظر افلاطون یادآور کننده نظم جهان از یک وجود عاقل به انسان است.
- ۲۰- بسیاری از افلاطون شناسان معتقدند که مثال خیر و صانع (دمیورژ) هر دو، نام های دیگر خداوند است.
- ۲۱- افلاطون شناسان معتقدند دمیورژ، همان خداست اما در مرتبه ذات خداوند. اما مثال خیر، فقط اشاره به خلق جهان دارد.

- ۲۲- افلاطون شناسان معتقدند که اگر گاهی افلاطون از خدایان نام می برد، به معنای اعتقاد وی به چندخدایی نیست.
- ۲۳- افلاطون شناسان معتقدند که اگر گاهی افلاطون از دمیورژ نام می برد برای ارتباط برقرار کردن با جامعه آتن است که به شدت مشرک اند.
- ۲۴- افلاطون تلاش می کند خداوند (مثال خیر) را در جایگاهی قرار دهد که هیچ موجود دیگری نمی تواند به آن جایگاه برسد.
- ۲۵- چندخدایی که ارسطو از آن یاد کرده است، شکل دیگری از همان کفر و بی خدایی است.
- ۲۶- افلاطون در توصیف خداوند: در سوی دیگر، نوعی از هستی وجود دارد که پیوسته ثابت است؛ نه می زاید و نه از میان می رود و نه چیز دیگری را به خود راه می دهد و نه خود در چیزی دیگری فرو می شود.
- ۲۷- افلاطون در توصیف خدا می گوید: نوعی از هستی وجود دارد که پیوسته ثابت است؛ و فقط با تفکر و تعقل می توان به او دست یافت و از او بهره مند شد.
- ۲۸- ارسطو خداوند را چنین توصیف می کند: او نه دیدنی است و نه از طریق حواس در یافتنی است. فقط با تفکر و تعقل می توان به او دست یافت و از او بهره مند شد.
- ۲۹- دکارت که از قدرت استدلال و منطق قوی برخوردار بود، تلاش کرد برهان هایی بر وجود خدا و مبدأ نخستین جهان ارائه کند.
- ۳۰- به نظر ارسطو: به طور کلی، هر جا که یک خوب تر و بهتر وجود دارد، خوب تر و بهتری نیز هست. حال، در میان موجودات برخی خوب تر و بهتر از برخی دیگرند.
- ۳۱- برهان ارسطو در اثبات خدا: "برهان درجات کمال" نامیده اند.
- ۳۲- استدلالهای ارسطو بر وجود خدا، گرچه قدمهای اولیه بوده اند، از استحکام خاصی برخوردارند و زمینه قدمهای بعدی فراهم می کنند.
- ۳۳- به عقیده ارسطو: حقیقتی هم که خوب ترین و بهترین است وجود دارد که از همه برتر است و این، همان واقعیت الهی است.
- ۳۴- برهان مشهور ارسطو بر اثبات وجود خدا، برهان حرکت نام دارد. او معتقد است که وجود حرکت در عالم نیازمند یک محرک است که خود آن محرک، حرکت نداشته باشد.
- ۳۵- باشکل گیری دوره جدید اروپا از قرن های پانزدهم و شانزدهم و پیدایش دوجریان عقل گرا، و تجربه گرا در فلسفه، درباره خدا نیز دیدگاه های مختلفی ظهور کرد که به گونه ای ریشه در این دوجریان داشتند.
- ۳۶- دکارت، از فیلسوفان عقل گرای قرن هفدهم، به شمار می رود.
- ۳۷- هیوم درباره خدا معتقد است: من از حقیقتی نامتناهی و دانا و توانا خود من و هر چیز دیگری به وسیله او خلق شده ایم، تصویری دارم.
- ۳۸- از نظر دکارت، دلایلی که صرفاً متکی بر عقل باشند مردودند؛ زیرا عقل اساساً ادراک مستقل از حس و تجربه ندارد.

- ۳۹- هیوم فیلسوف تجربه گرای قرن هجدهم در مورد خدا ادعای کند که دلایل دکارت و سایر فیلسوفان پذیرفتنی نیست.
- ۴۰- هیوم می گوید مهم ترین برهان فیلسوفان الهی، برهان وجوب و امکان است که از تجربه گرفته شده است.
- ۴۱- به نظر دکارت برهان نظم توانایی اثبات یک وجود ازلی و ابدی و نامتناهی را ندارد.
- ۴۲- به عقیده هیوم، بر اساس نظم موجود جهان، همانگونه که نمی توان یک ناظم و خالق اداره کننده این جهان را اثبات کرد اما می توان به یک خالق نامتناهی و وجودی ازلی و ابدی رسید.
- ۴۳- به عقیده هیوم، برهان نظم فقط می تواند ثابت کند که یک ناظم و مدبر این جهان را اداره می کند.
- ۴۴- به عقیده هیوم، برهان نظم ثابت می کند که این ناظم و خالق است که نیاز مندی به علت نیست و وجودی ازلی و ابدی دارد.
- ۴۵- به جز هیوم دیگر فیلسوفان تجربه گرا که عموماً به خدا اعتقاد داشتند، برهان نظم را معتبر نمی دانستند.
- ۴۶- هیوم به همراه دیگر فیلسوفان تجربه گرا که از برهان نظم در اثبات وجود خدا استفاده می کردند.
- ۴۷- به عقیده هیوم، برهان نظم ثابت نمی کند که این ناظم خالق همان خداوندی است که نیاز مندی به علت نیست و وجودی ازلی و ابدی دارد.
- ۴۸- کانت، فیلسوف عقل گرای قرن ۱۸ آلمان، راهی متفاوت با دکارت و دیگر فیلسوفان عقل گرای پیشین برای پذیرش خدا پیمود.
- ۴۹- کانت به جای اثبات وجود خدا از طریق مخلوقات یا برهان علیت و یا وجوب و امکان، ضرورت وجود خدا را از طریق اخلاق و وظایف اخلاقی اثبات کرد.
- ۵۰- از نظر کانت انسان دارای یک وجدان اخلاقی است که او را دعوت به فضیلت و رعایت اصول اخلاقی در زندگی می کند.
- ۵۱- کانت معتقد است: وجدان اخلاقی از انسان می خواهد که آنچه را برای خود می پسندد، برای دیگران هم پسندد و این اصل را به عنوان یک قاعده، همواره در نظر داشته باشد و در زندگی پیاده کند.
- ۵۲- به نظر کانت، زندگی جمعیتی انسان بدون اصول اخلاقی و رعایت آنها امکان پذیر نیست.
- ۵۳- به نظر دکارت: وجدان اخلاقی از انسان می خواهد که آنچه را برای خود می پسندد، برای دیگران هم پسندد.
- ۵۴- به نظر کانت مسئولیت پذیری و رعایت اخلاق تنها در جایی معنا دارد که انسان خود را صاحب اراده و اختیار نباشد.
- ۵۵- هیوم معتقد بود: که برای موجودات بدون اختیار، وظیفه اخلاقی معنا ندارد.
- ۵۶- به نظر دکارت: اختیار و اراده نمی تواند ویژگی بدن باشد که ماده ای مانند سایر مواد است بلکه باید ویژگی نفسی غیرمادی باشد که فنا پذیر است و با مرگ بدن از بین نمی رود.
- ۵۷- به نظر کانت، روح و نفس مجرد، سعادتش در کسب فضیلت و رعایت اصول اخلاقی است.

- ۵۸- به نظر کانت، روح و نفس مجرد برای سعادت دائمی خود به جهانی ماوراءِ دنیای ما نیاز دارد و چنین جهانی نیز مشروط به وجود خدایی جاودان و نامتناهی نیست.
- ۵۹- به نظر کانت، قبول امور غیرمادی، پشتوانهٔ رعایت اصول اخلاقی است.
- ۶۰- به نظر کانت، انسان، با قبول خداوند، خود را در جهانی زنده و باشعور می‌یابد که رفتار انسان را زیر نظر دارد و در مقابل هر رفتار، عکس العمل مناسب آن را نشان می‌دهد.
- ۶۱- بر اساس نظر کانت، قبول نفس، پشتوانهٔ اختیار و ارادهٔ انسان و مسئولیت پذیری او و نکتهٔ گاه اصول اخلاقی مورد قبول وی می‌باشد.
- ۶۲- کانت معتقد است با پذیرش خداوند است که زندگی انسان معنای حقیقی و متعالی پیدا می‌کند و از پوچی و بی‌هدفی خارج می‌شود.
- ۶۳- زندگی معنادار، آن زندگی است که دارای هدف و مقصود متعالی و مقدس و آراسته به فضائل اخلاقی و کرامت انسانی باشد.
- ۶۴- بعد از کانت، فیلسوفان حس گرا و تجربه گرایان غالب فلسفی در اروپا را تشکیل می‌دادند.
- ۶۵- فیلسوفانی مانند هیوم و دکارت تلاش می‌کردند که پایه‌های عقلی اعتقاد به خدا را استوار سازند.
- ۶۶- رشد تفکر حسی و حس‌گرایی و ظهور فیلسوفانی که جهان را صرفاً حقیقتی مادی می‌دانستند پایه‌های اعتقاد به خدا را در جامعهٔ اروپایی سست کرد.
- ۶۷- رشد تفکر حسی و حس‌گرایی بعد از دکارت و کانت و ظهور فیلسوفان مادی‌گرا، پایه‌های اعتقاد به خدا را در جامعهٔ اروپایی سست کرد و زندگی مردم را تحت تأثیر قرار داد.
- ۶۸- بعد از دکارت و کانت و ظهور فیلسوفانی مادی‌گرا، معنا و مقصود زندگی در کل جامعهٔ اروپایی به اهداف مادی محدود شد و زندگی فاقد جنبه‌های متعالی خود گردید.
- ۶۹- بعد از دکارت و کانت و ظهور فیلسوفانی مادی‌گرا، زندگی بسیاری از مردم فاقد معنا و ارزش‌های متعالی گردید و بحران معناداری زندگی پدید آمد.
- ۷۰- دسته دیگری از فیلسوفان غربی مانند کِرکگور فیلسوف دانمارکی قرن ۱۹ و ویلیام جیمز، فیلسوف آمریکایی قرون ۱۹ و ۲۰، و برگسون، فیلسوف فرانسوی قرن ۲۰ از تجربه‌های معنوی درونی و عشق و عرفان برای خداوند استفاده کردند.
- ۷۱- دسته‌ای مانند برگسون، فیلسوف آمریکایی قرون نوزدهم و بیستم، و ویلیام جیمز، فیلسوف فرانسوی قرن بیستم از تجربه‌های معنوی درونی و عشق و عرفان برای اثبات خداوند استفاده کردند.
- ۷۲- ویلیام جیمز معتقد است: من معتقدم که دلیل وجود خداوند عمدتاً در تجربه‌های شخصی درونی مانده است.

۷۳- بحران معناداری زندگی سبب شده در قرن بیستم و بیست و یکم فیلسوفانی ظهور کردند که در عین اعتقاد راسخ به خدا، به جای ذکر دلایل اثبات وجود او، به رابطه میان اعتقاد به خدا و مخلوقات توجه کنند.

۷۴- بحران معناداری زندگی سبب شد که در قرن بیستم و بیست و یکم فیلسوفانی ظهور کردند که نشان دادند که زندگی بدون اعتقاد به خدایی که مبدأ خیر و زیبایی و ناظر بر انسان باشد، دچار خلأ معنایی و پوچی آزردهنده ای خواهد شد.

۷۵- در قرن ۱۹ فیلسوفانی ظهور کردند که در عین اعتقاد راسخ به خدا، به جای ذکر دلایل اثبات وجود او، به رابطه میان اعتقاد به خدا و معناداری زندگی توجه کردند.

۷۶- در قرن بیستم و بیست و یکم فیلسوفانی ظهور کردند که نشان دادند که زندگی بدون اعتقاد به خدایی که مبدأ خیر و زیبایی و ناظر بر انسان است، دچار خلأ معنایی و پوچی آزردهنده ای می شود.

۷۷- زندگی معنادار عبارت از یک زندگی دارای غایت و هدف و سرشار از ارزش های اخلاقی است که انسان را نسبت به آینده مطمئن می کند و آرامشی برتر به او می دهد.

۷۸- ویلیام جیمز، فیلسوف دانمارکی قرن بیستم معتقد است که ایمان هدیه ای الهی است که خداوند به انسان عطا می کند.

۷۹- به نظر کرکگور، خدا انسان مؤمن را برمی گزیند و به او ایمان هدیه می کند و اگر کسی شایسته این بخشش نشود، زندگی تاریکی راسپری خواهد کرد.

۸۰- به نظر کاتینگهام: قبول خداوند زندگی ما را در بستری قرار می دهد که آن را با ارزش و با اهمیت می سازد.

۸۱- به نظر کاتینگهام: قبول خداوند این امید را می دهد که به جای اینکه احساس کنیم در جهان بیگانه ای افتاده ایم که در آن هیچ امری در نهایت، اهمیت ندارد، می توانیم مأمن و پناهگاهی بیابیم.

۸۲- به عقیده کاتینگهام: پس از سیر نزولی استدلال های عقلی و فلسفی در اروپا بر اثبات وجود خدا، همه فیلسوفان به این سمت حرکت کردند که خدا را عامل اصلی معنابخشی به زندگی معرفی کنند.

۸۳- کاتینگهام معتقد است که پس از سیر نزولی استدلال های عقلی و فلسفی در اروپا بر اثبات وجود خدا، فیلسوفان به این سمت حرکت کردند که خدا را عامل اصلی معنابخشی به زندگی معرفی کنند.

۸۴- ارسطو معتقد بود که بدون موجودی جاودان و برتر از ماده، وجود نظم و انتظام در جهان محال است. (نهایی دی ماه ۹۸)

۸۵- به نظر "تیلور" افلاطون ابداع کننده خداشناسی فلسفی است. (نهایی خرداد ماه ۹۹)

۸۶- از نظر کانت، اختیار و اراده نمی تواند ویژگی بدن مادی باشد. (نهایی شهریور ماه ۹۹)

۸۷- دکارت می گوید تصور من از حقیقتی نامتناهی ودانا و توانا نمی تواند از خودم باشد، زیرا من موجودی متناهی هستم. نهایی

شهریور ماه ۹۹ (باندرکی تغییر)

۸۸- ارسطو گفته است که نمی شود یک نظم بر جهان حاکم باشد، بدون اینکه موجودی برتر از ماده در کار باشد. (حذف شده)

(نهایی دی ماه ۹۹)

۸۹- ویلیام جیمز معتقد است که دلیل وجود خداوند عمدتاً در تجربه های شخصی درونی مانده است. (نهایی دی ماه ۹۹)

@ جوابها: ۱-ص ۲-ص ۳-ص ۴-ص ۵-ص ۶-ص ۷-ص ۸-ص ۹-ص ۱۰-ص ۱۱-ص ۱۲-ص ۱۳-ص ۱۴-ص ۱۵-ص ۱۶-ص ۱۷-ص

۱۸-ص ۱۹-ص ۲۰-ص ۲۱-ص ۲۲-ص ۲۳-ص ۲۴-ص ۲۵-ص ۲۶-ص ۲۷-ص ۲۸-ص ۲۹-ص ۳۰-ص ۳۱-ص ۳۲-ص ۳۳-ص

۳۴-ص ۳۵-ص ۳۶-ص ۳۷-ص ۳۸-ص ۳۹-ص ۴۰-ص ۴۱-ص ۴۲-ص ۴۳-ص ۴۴-ص ۴۵-ص ۴۶-ص ۴۷-ص ۴۸-ص ۴۹-ص ۵۰-ص

۵۱-ص ۵۲-ص ۵۳-ص ۵۴-ص ۵۵-ص ۵۶-ص ۵۷-ص ۵۸-ص ۵۹-ص ۶۰-ص ۶۱-ص ۶۲-ص ۶۳-ص ۶۴-ص ۶۵-ص ۶۶-ص ۶۷-ص

۶۸-ص ۶۹-ص ۷۰-ص ۷۱-ص ۷۲-ص ۷۳-ص ۷۴-ص ۷۵-ص ۷۶-ص ۷۷-ص ۷۸-ص ۷۹-ص ۸۰-ص ۸۱-ص ۸۲-ص ۸۳-ص

۸۴-ص ۸۵-ص ۸۶-ص ۸۷-ص ۸۸-ص ۸۹-ص

@ جاهای خالی را با کلمات مناسب کامل کنید:

۹۰- فیلسوفان بزرگ یونان، در جامعه ای زندگی می کردند که مردم آن به ..... اعتقاد داشتند.

۹۱- در یونان باستان: خدای خورشید و هنر..... و خدای آسمان و باران..... و خدای عفت و خویش داری ..... بود.

۹۲- اتهام اصلی ..... نیز همین بود که او خدایانی را که همه به آنها معتقدند، انکار می کند و از خدایی جدید سخن می گوید.

۹۳- یکی از افلاطون شناسان مشهور اروپایی به نام..... است.

۹۴- به قول تیلور، یکی از افلاطون شناسان مشهور اروپایی افلاطون ابداع کننده ..... است.

۹۵- از نظر افلاطون، کار خداوند ..... است.

۹۶- افلاطون، در مواردی از خداوند با عنوان "....." یاد می کند و توضیح می دهد که همه چیز در پرتو آن دارای حقیقت می شوند.

۹۷- از نظر افلاطون، همانطور که روشنایی شبیه خورشید است، اما خود خورشید نیست، حقایق نیز شبیه به "....." هستند نه خود آن.

۹۸- افلاطون گاهی نیز از خدا به عنوان «.....» و "....." این عالم یاد می کند.

۹۹- افلاطون می گوید: "یگانه سخنی که درباره نظم جهان و گردش آفتاب و ماه و ستارگان می توان گفت این است که کل جهان

در زیر فرمان ..... قرار دارد."

- ۱۰۰- افلاطون شناسان معتقدند.....، همان خداست اما مرتبه خلق جهان. اما مثال خیر، فقط اشاره به ..... دارد.
- ۱۰۱- به نظر ارسطو هر جا که یک خوب تر و بهتر وجود دارد، خوب ترین و بهترین نیز هست. که به برهان..... مشهور است.
- ۱۰۲- برهان خوب ترین و بهترین موجود ارسطو نام دیگرش برهان ..... است.
- ۱۰۳- از نظر ارسطو هر گاه دو موجود با یکدیگر مقایسه شوند و گفته شود که یکی کامل تر و خوب تر از دیگری است، باید یک ..... و یک ..... وجود داشته باشد.
- ۱۰۴- برهان مشهور ارسطو بر اثبات وجود خدا، ..... نام دارد
- ۱۰۵- ارسطو در مورد خدا، حقیقتی هم که خوب ترین و بهترین است وجود دارد. که از همه بزرگتر است و این، همان ..... است.
- ۱۰۶- دکارت، در یکی از استدلالهای خود می گوید: من از..... و دانا. و توانا خود من و هر چیز دیگری به وسیله او خلق شده ایم، تصوری دارم.
- ۱۰۷- به نظر دکارت، این تصور من از خدایم توانا از خودم باشد؛ زیرا من موجودی..... ام. پس این تصور از من و هر موجود..... دیگری نیست بلکه از وجود..... است؛ اوست که می تواند چنین ادراکی به من بدهد.
- ۱۰۸- دیوید هیوم، فیلسوف حس گرا و تجربه گرای قرن ۱۸، می گوید ادعای کند که دلایل ..... و سایر فیلسوفان پذیرفتنی نیست.
- ۱۰۹- از نظر هیوم، دلایل اثبات خداوند که صرفاً متکی بر ..... باشند مردودند؛ زیرا ..... اساساً ادراک مستقل از حس و تجربه ندارد.
- ۱۱۰- دیوید هیوم می گوید مهم ترین برهان فیلسوفان الهی، ..... است که از..... گرفته شده اما این برهان نیز توانایی اثبات یک وجود ازل و ابدی و نامتناهی را ندارد.
- ۱۱۱- یکی از دلایل ناتوانی اثبات یک وجود ازل و ابدی و نامتناهی به نظر هیوم این است که بر اساس ..... فقط می تواند ثابت کند که یک ناظم و خالق این جهان را اداره می کند.
- ۱۱۲- به نظر هیوم، برهان نظم ثابت نمی کند که..... بهمان خداوندی است که نیاز مندی علت نیست و وجودی ازل و ابدی دارد.
- ۱۱۳- آن دسته از فیلسوفان تجربه گرا که به خدا اعتقاد داشتند،..... را معتبر می دانستند و از این در اثبات..... استفاده می کردند.
- ۱۱۴- کانت، راهی متفاوت با دکارت و دیگر فیلسوفان عقل گرای پیشین برای ..... پیمود.
- ۱۱۵- کانت، به جای اثبات وجود خدا از طریق مخلوقات یا برهان علیت و با وجود امکان، ضرورت وجود خدا را از طریق ..... اثبات کرد.
- ۱۱۶- به نظر .....، انسان دارای یک وجدان اخلاقی است که او را دعوت به فضیلت و رعایت اصول اخلاقی در زندگی می کند.
- ۱۱۷- بنابر عقیده کانت،..... از انسان می خواهد که آنچه را برای خود می پسندد، برای دیگران هم پسندد.
- ۱۱۸- طبق عقیده .....، انسان باید اصل وجدان اخلاقی به عنوان یک قاعده، همواره در نظر داشته باشد و در زندگی پیاده کند.
- ۱۱۹- بر اساس عقیده کانت،..... تنها در جایی معنا دارد که انسان خود را صاحب اراده و اختیار ببیند.

۱۲۰- به نظر کانت، برای موجودات ..... وظیفه اخلاقی معنا ندارد.

۱۲۱- بنابر عقیده کانت ..... نمی تواند ویژگی بدن باشد که ماده ای مانند سایر مواد است.

۱۲۲- از نظر کانت، اختیار و اراده بیدویژگی ..... باشد که فناپذیر است و با مرگ بدن از بین نمی رود.

۱۲۳- کانت معتقد است که ..... به عنوان بعد غیرمادی انسان، بهره مند از وجدان اخلاقی است.

۱۲۴- از نظر کانت، انسان در ... فضایل اخلاقی مانند عدالت را خوب می شمارد و ذلت های اخلاقی مانند ظلم را بدیه حساب می آورد.

۱۲۵- بر اساس عقیده کانت، روح و نفس مجرد که سعادتش در کسب فضیلت و رعایت اصول اخلاقی است، چون موجودی جاودانه

است، برای سعادت دائمی خود به ..... ما نیاز دارد و چنین جهانی نیز مشروط به وجود ..... است.

۱۲۶- زندگی معنادار، آن زندگی است که دارای هدف و مقصود متعالی و مقدس و آراسته به ..... باشد.

۱۲۷- کانت معتقد است با پذیرش ... است که زندگی انسان معنای حقیقی و متعالی پیدامی کند و از پوچی و بی هدفی خارج می شود.

۱۲۸- بعد از کانت، فیلسوفان حس گرا و تجربه گرا که جریان غالب فلسفی در اروپا را تشکیل میدادند و با توجه به مبنای خود نمیتوانستند

از ..... استفاده کنند، بر اساس نظرشان درباره خدا ..... شدند.

۱۲۹- فیلسوفانی مانند ..... و ..... تلاش می کردند که پایه های عقلی اعتقاد به خدا را استوار سازند.

۱۳۰- از نظر فیلسوفانی مانند ..... و ..... در صورتی زندگی معنادار می شود که از پشتوانه قبول خداوند برخوردار باشد.

۱۳۱- یک عده از فیلسوفان غربی مانند ..... و ..... از تجربه های معنوی درونی و عشق و عرفان برای خداوند استفاده کردند.

۱۳۲- دسته دیگری از فیلسوفان غربی مانند کِرکگور و ویلیام جیمز، و برگسون، از ..... و ..... برای خداوند استفاده کردند.

۱۳۳- کِرکگور فیلسوف دانمارکی قرن نوزدهم و ویلیام جیمز، فیلسوف آمریکایی قرون نوزدهم و بیستم، و برگسون، فیلسوف فرانسوی

قرن بیستم از ..... برای خداوند استفاده کردند.

۱۳۴- ویلیام جیمز می گوید: من معتقدم که دلیل وجود خداوند عمدتاً در ..... ما نهفته است.

۱۳۵- در قرن بیستم و یکم فیلسوفانی ظهور کردند که در عین اعتقاد راسخ به خدا، به جای ذکر دلایل اثبات وجود او، به رابطه

میان " ..... و " ..... " توجه کردند.

۱۳۶- در قرن بیستم و یکم فیلسوفانی ظهور کردند که نشان دادند که زندگی بدون اعتقاد به خدایی که مبدأ خیر و زیبایی

و ناظر بر انسان است، دچار ..... می شود.

۱۳۷- در نظر فیلسوفان قرن بیستم و یکم مانند ویلیام جیمز و برگسون زندگی معنادار عبارت از یک زندگی دارای غایت و هدف

و سرشار از ..... است که انسان را نسبت به آینده مطمئن می کند و ..... به او می دهد.



۱۳۸- کرگور، فیلسوف دانمارکی قرن بیستم معتقد است که ایمان ..... است که خداوند به انسان می بخشد

۱۳۹- کرگور معتقد است که خدا..... را برمی گزیند و به او ایمان هدیه می کند و اگر کسی شایسته این بخشش نشود..... راسپری خواهد کرد.

۱۴۰- کاتینگهام، معتقد است:..... زندگی ما را در بستری قرار می دهد که آن را با ارزش و با اهمیت می سازد.

۱۴۱- به نظر کاتینگهام، قبول خداوند این امید را می دهد که به جای اینکه احساس کنیم در جهان بیگانه ای افتاده ایم که در آن هیچ امری در نهایت، اهمیت ندارد، می توانیم ..... بیابیم.

۱۴۲- کاتینگهام، بیان می کند که پس از سیر نزولی استدلال های عقلی و فلسفی در اروپا بر اثبات وجود خدا، برخی از فیلسوفان به این سمت حرکت کردند که خدا را عامل اصلی ..... معرفی کنند.

۱۴۳- کانت ضرورت وجود خدا را از طریق ..... اثبات کرده است. (نهایی دی ماه ۹۸)

@ جواب ها: ۹۰- (خدایان متعدد) ۹۱- (آپولون / زئوس / آرمیس) ۹۲- (سقراط) ۹۳- (تیلور) ۹۴- (خداشناسی

فلسفی) ۹۵- (هدف دار) ۹۶- (مثال خیر) ۹۷- (مثال خیر) ۹۸- (صانع (دمیورژ) / آفریننده) ۹۹- (عقل) ۱۰۰- (دمیورژ / ذات

خداوند) ۱۰۱- (درجات کمال) ۱۰۲- (درجات کمال) ۱۰۳- (کامل مطلق / خوب مطلق) ۱۰۴- (برهان حرکت) ۱۰۵- (واقعیت

الهی) ۱۰۶- (حقیقتی نامتناهی) ۱۰۷- (متناهی / نامتناهی) ۱۰۸- (دکارت) ۱۰۹- (عقل / عقل) ۱۱۰- (برهان

نظم / تجربه) ۱۱۱- (برهان نظم) ۱۱۲- (ناظم خالق) ۱۱۳- (برهان نظم / وجود خدا) ۱۱۴- (پذیرش خدا) ۱۱۵- (اخلاق و وظایف

اخلاقی) ۱۱۶- (کانت) ۱۱۷- (وجدان اخلاقی) ۱۱۸- (کانت) ۱۱۹- (مسئولیت پذیری و رعایت اخلاق) ۱۲۰- (بدون

اختیار) ۱۲۱- (اختیار و آزاده) ۱۲۲- (نفسی غیر مادی) ۱۲۳- (اختیار و آزاده) ۱۲۴- (وجدان خود) ۱۲۵- (جهانی

ماوراء دنیای / خدایی خداوند و نامتناهی) ۱۲۶- (فضائل اخلاقی / کرامت انسانی) ۱۲۷- (خداوند) ۱۲۸- (برهان عقلی

محض / دودسته) ۱۲۹- (دکارت / کانت) ۱۳۰- (دکارت / کانت) ۱۳۱- (کرگور / یلیام جیمز / برگسون) ۱۳۲- (تجربه های

معنوی درونی / عشق و عرفان) ۱۳۳- (تجربه های معنوی درونی و عشق و عرفان) ۱۳۴- (تجربه های شخصی

درونی) ۱۳۵- (اعتقاد به خدا / معناداری زندگی) ۱۳۶- (خلأ معنایی و بوجی آزار دهنده ای) ۱۳۷- (ارزشهای

اخلاقی / آرامشی برتر) ۱۳۸- (هدیه ای الهی) ۱۳۹- (انسان مؤمن / زندگی تاریکی) ۱۴۰- (قبول خداوند) ۱۴۱- (مأمن

و پناهگاهی) ۱۴۲- (معنا بخشی به زندگی) ۱۴۳- (اخلاق و وظایف اخلاقی)

۱۴۴- کدام گزینه در نظر ارسطو، در باره وجود خدا نادرست است؟

(۱) حقیقتی هم که خوب ترین و بهترین است وجود دارد که از همه برتر است و این همان واقعیت الهی است.

(۲) یک نظم و انتظام بر جهان حاکم است، بدون اینکه موجودی جاویدان و برتر از ماده در کار باشد.

(۳) استدلالهای ارسطو بر وجود خدا، گرچه قدم های اولیه بوده اند، از استحکام خاصی برخوردارند و زمینه قدم های بعدی فراهم می کنند.

(۴) به طور کلی، هر جاکه یک خوب تر و بهتر وجود دارد، خوب تر و بهتری نیز هست.

۱۴۵- کدام عبارت تایید کننده نظر تیلور درباره افلاطون است؟

(۱) افلاطون ابداع کننده خداشناسی فلسفی است. (۲) افلاطون مبدع خداشناسی عقلی است.

(۳) افلاطون نخستین فیلسوف الهی است. (۴) افلاطون نخستین ارتباط دهنده فلسفه با دین است.

۱۴۶- در کدام گزینه نظریه دکارت با صفات خداوندی مناسبتری ندارد؟

(۱) دانا (۲) نامتناهی (۳) توانا (۴) تغییر ناپذیر بودن

۱۴۷- در دیدگاه دکارت حصول تصور ما از نامتناهی چگونه حاصل می شود؟

(۱) از طریق حس و محتوای تجربی اشیاء (۲) از اشیای منتهی (۳) اشیاء شناخته و پرداخته ذهن (۴) امور گواه و علامت وجود الهی

۱۴۸- به ترتیب دیوید هیوم، بر چه اساسی و عقیده ای ملحد و منکر وجود خدا بود و مناسبترین توصیف برای تعیین دیدگاه او درباره خدا چیست؟

(۱) فلسفه علمی - انکار خدا (۲) فلسفه تجربی - امتناع از نظر (۳) فلسفه تجربی - انکار خدا (۴) فلسفه علمی - امتناع از نظر

۱۴۹- بر اساس تفکر فلسفی کانت، به ترتیب ملاک تعیین مسئولیت پذیری و رعایت اخلاق و شرط مسئولیت پذیری و رعایت اخلاق چیست؟

(۱) اختیار و اراده انسان - اراده و اختیار (۲) کسب فضیلت اخلاقی - اراده و اختیار

(۳) اختیار و اراده انسان - حس خداجویی (۴) کسب فضیلت اخلاقی - حس خداجویی

۱۵۰- اگر کسی معتقد به نظر ویلیام جیمز درباره خدا باشد نمی توان گفت:

(۱) از طریق تجربه های درونی و عشق و عرفان اثبات می شود.

(۲) دلیل وجود خداوند عمدتاً در تجربه های شخصی درونی ما نهفته است.

(۳) وجود خدا نیازی به استدلال و برهان و عقلانیت ندارد.

(۴) ویلیام جیمز، فیلسوف آمریکایی قرون نوزدهم و بیستم، درباره خدا نظریه ای دارد.

۱۵۱- در کدام گزینه ویژگی های زندگی معنا دار وجود ندارد؟

(۱) دارای هدف و مقصود متعالی و مقدس (۲) دارای هدف والا و اراده و اختیار متعالی

(۳) دارای هدف مقدس و آراسته به فضائل اخلاقی (۴) دارای هدف مقدس و آراسته کرامت انسانی

@جواب تست ها: ۱۴۴- گزینه ۲ ۱۴۵- گزینه ۱ ۱۴۶- گزینه ۴ ۱۴۷- گزینه ۲ ۱۴۸- گزینه ۳ ۱۴۹- گزینه ۱ ۱۵۰- گزینه ۳ ۱۵۱- گزینه ۲

۱۵۲- استدلال دکارت برای اثبات وجود خدا، مبتنی بر کدام مورد است؟ (نهایی خردادماه ۹۹)

(۱) داشتن تصور از خالق نامتناهی (۲) داشتن وجدان اخلاقی

۱۵۳- به نظر کدام فیلسوف اروپایی دلایل اثبات وجود خداوند که صرفاً متکی بر عقل باشند، مردود هستند؟ (نهایی شهریورماه ۹۹)

(۱) هیوم (۲) دکارت

۱۵۴- کدام یک از خدایان یونان باستان نبود؟ (نهایی دی ماه ۹۹) (۱) مزدا (۲) زئوس

۱۵۵- به نظر کدام فیلسوف اروپایی، برهان نظم برای اثبات خالق نامتناهی کافی نیست؟ (نهایی دی ماه ۹۹)

(۱) هیوم (۲) دکارت

۱۵۶- از نظر کانت، اختیار واراده، ویژگی (۱) بدن (۲) نفس است. (نهایی خردادماه ۱۴۰۰)

جواب ها: ۱۵۲- گزینه ۱ (داشتن تصور از خالق نامتناهی) ۱۵۳- گزینه ۱ (هیوم) ۱۵۴- گزینه ۱ (مزدا) ۱۵۵- گزینه ۱ (هیوم) ۱۵۶-

گزینه ۲ (نفس)

### ۱۵۷- سوالات کشف ارتباط:

الف: سوالات

ب: پاسخ ها

۱- خداوند در نظر افلاطون

الف) برهان حرکت

۲- برهان مشهور ارسطو بر اثبات وجود خدا

ب) مثال خیریا صانع یا دمیورژ

۳- خدای آسمان و باران در یونان باستان

ج) آرتمیس

۴- خدای عفت و خویشتن داری در یونان باستان

د) زئوس

۵- یکی از افلاطون شناسان مشهور اروپایی

ر) آپولون

۶- خدای خورشید و هنر و موسیقی در یونان باستان

ز) برهان نظم

۷- مهم ترین برهان فیلسوفان الهی از نظر هیوم

ک) برهان علیت یا وجوب وامکان

۸- کانت ضرورت وجود خدا را از طریق این برهان اثبات نکرد.

و) برگسون

ی) تیلور

@ جواب ها: ۱) ب ۲) الف ۳) د ۴) ج ۵) ی ۶) ر ۷) ز ۸) ک

مورد در سمت چپ اضافی است)

- الف) قبول خداوند، پشتوانه اختیار و اراده انسان و مسئولیت پذیری او و تکیه گاه اصول اخلاقی مورد قبول وی می باشد. ۱- افلاطون  
ب) به طور کلی، هر جا که یک خوب تر و بهتر وجود دارد، خوب تر و بهتری نیز هست. ۲- دکارت  
ج) افلاطون ابداع کننده خداشناسی فلسفی است. ۳- هیوم  
د) نوعی از هستی وجود دارد که پیوسته ثابت است؛ نه می زاید و نه از میان می رود. ۴- ویلیام جیمز  
ه) من از حقیقتی نامتناهی ودانا و توانا که خود من و هر چیز دیگری به وسیله او خلق شده ایم، تصویری دارم. ۵- کانت  
و) برهان نظم ثابت نمی کند که ناظم خالق همان خداوندی است که نیازمند به علت نیست و وجودی ازلی و ابدی دارد. ۶- برگسون  
ی) من معتقدم که دلیل وجود خداوند عمدتاً در تجربه های شخصی درونی مانهفته است. ۷- کانت  
۸- ارسطو

@ جواب ها: الف) ۵ ب) ۸ ج) ۳ د) ۱ و) ۲ ه) ۳ ی) ۴

۱۵۹-هریک از عبارات زیر عقیده کدام فیلسوف است؟ (نهایی خرداد ماه ۹۹)

- الف) درسوی دیگر نوعی از هستی است که نه می زاید و نه از میان می رود. ۱) کرکگور  
ب) "ایمان هدیه ای الهی است که خداوند به انسان عطا می کند. ۲) کانت  
۳) افلاطون

@ جواب ها: الف) ۳ ب) ۱

۱۶۰-هریک از عبارات زیر نظر کدام فیلسوف درباره خداست؟ (نهایی دی ماه ۹۹)

- الف: دلیل وجود خداوند، عمدتاً در تجربه های شخصی درونی مانهفته است. ۱- کانت  
ب: ضرورت وجود خداوند، از طریق اخلاق و وظایف اخلاقی امکان پذیر است. ۲- هیوم  
۳- ویلیام جیمز

@ جواب ها: الف) ۳ ب) ۱

**۱۶۱- هریک از عبارات زیر نظر کدام فیلسوف درباره خدا است؟ (نهایی خردادماه ۱۴۰۰)**

- الف) نوعی از هستی وجود دارد که پیوسته ثابت است. ۱- کرگور
- ب) تصور انسان از یک موجود دانا و توانا و نامتناهی، از جانب خداوند داده شده است. ۲- افلاطون
- ج) ایمان هدیه ای الهی است که خداوند به انسان عطا می کند. ۳- کانت
- ۴- دکارت

@ جواب ها: الف - ۲ (افلاطون) ب - ۴ (دکارت) ج - ۱ (کرگور)

**۱۶۲- هریک از عبارات زیر، نظر کدام فیلسوف درباره خدا است؟ (نهایی شهریورماه ۱۴۰۰)**

- الف) وجود حرکت در عالم نیازمند محرکی است که خود آن محرک، حرکت نداشته باشد. ۱- کانت
- ب) وجود جهانی ماورای دنیای مادی، مشروط به وجود خدایی جاودان و نامتناهی است. ۲- ارسطو
- ۳- افلاطون

@ جواب ها: الف - ۲ (ارسطو) ب - ۱ (کانت)

@ به سؤالات ذیل جواب کوتاه دهید:

۱۶۳- فیلسوفان بزرگ یونان، از جمله سقراط و افلاطون و ارسطو، در جامعه خود پیرامون مفهوم خدا و خدایان با چه نوع

مردمی مواجه بودند؟

در جامعه ای زندگی می کردند که مردم آن به خدایان متعدداعتقاد داشتند و هر کدام را مبدأ و منشأ یک حقیقت در جهان می شمردند.

۱۶۴- به سؤالات زیر در مورد فلسفه افلاطون پاسخ مختصر دهید؟

الف) نظریه تیلور در مورد خداشناسی افلاطون چیست؟

افلاطون ابداع کننده خداشناسی فلسفی است.

ب) کار خداوند از نظر افلاطون چیست؟

کار خداوند هدف دار است.

ج) خداوند افلاطون چه ویژگی های دارد؟

خدا نزد افلاطون یک خدای معین با ویژگی های روشن است و این، با چند خدایی یونان تفاوت دارد.

د) چرا خداوند افلاطون یک خدای معین با ویژگیهای روشن است و با چندخدایی یونان تفاوت دارد؟

زیرا از نظر وی، کار خداوند هدف دار است و بر اساس حکمت و برای هدفی خاص صورت می گیرد.

۱۶۵- "مثال خیر" و "دمیورژ" به عنوان نام های خدا در نظر افلاطون شناسان به ترتیب، به چه موردی اشاره دارد؟

آنان می گویند دمیورژ، همان خداست، اما در مرتبه خلق جهان، اما مثال خیر، فقط اشاره به ذات خداوند دارد.

۱۶۶- برهان ارسطو باین عبارت که: هر جاکه یک خوب تر و بهتر وجود دارد، خوب ترین و بهترین نیز هست. چه نامیده

می شود؟ برهان درجات کمال

۱۶۷- سوالات زیر را در مورد خدا با نظر به عقیده ارسطو پاسخ دهید؟

الف) منظور ارسطو از "واقعیت الهی" چیست؟

حقیقتی که خوب ترین و بهترین است وجود دارد که از همه بزرگتر است و این، همان واقعیت الهی است.

ب) چرا ارسطو تلاش کرد برهان هایی بر وجود خدا و مبدأ نخستین جهان ارائه کند؟

زیرا او از قدرت استدلال و منطق قوی برخوردار بود.

۱۶۸- فیلسوفان بزرگ یونان از جمله سقراط و افلاطون و ارسطو، در چه نوع جامعه ای زندگی می کردند؟

در جامعه ای زندگی می کردند که مردم آن به خدایان متعددی اعتقاد داشتند و هر کدام را مبدأ و منشأ یک حقیقت در جهان می شمردند.

۱۶۹- از نظر فیلسوفان بزرگ یونان، زئوس و آپولون و آرتمیس به ترتیب چگونه خدایانی است؟

خدای آسمان و باران، خدای خورشید و هنر و موسیقی، خدای عفت و خویشتر داری

۱۷۰- انکار خدایان متعدد در یونان باستان، چه نتایج و پیامدهای می تواند در پی داشته باشد؟

اعتقاد به این خدایان، چنان عمیق بود که انکار آنها، طرداز جامعه یونان و گاه از دست دادن جان را به دنبال داشت.

۱۷۱- در یونان چه کسانی اجازه نمی دادند که کسی با اندیشه شرک آلودشان مخالفت کند و به خدایان توهین نماید؟

حاکمان و بزرگان جامعه یونان

۱۷۲- در یونان باستان اتهام اصلی سقراط چه بود؟

او خدایانی را که همه به آنها معتقدند، انکار می کند و از خدایی جدید سخن می گوید.

۱۷۳- افلاطون برای مقابله با اندیشه حاکمان و بزرگان جامعه یونان در مورد خدا چه تصمیمی اتخاذ کرد؟

افلاطون تصمیم گرفت با دقتی فلسفی و استدلالی درباره خدا صحبت کند و پندارها را اصلاح نماید.

۱۷۴- به نظر افلاطون شناسان، افلاطون از چه تعابیر و عناوینی برای مفهوم خدا استفاده می کند؟ نام ببرید.

۱- مثال خیر ۲- صانع یا دمیورژ (آفریننده این عالم)

۱۷۵- ارسطو فیلسوف بزرگ یونان از چه ویژگی برخوردار بود و در خصوص وجود خداوند چه تلاشی کرد؟

ارسطو که از قدرت استدلال و منطق قوی برخوردار بود، تلاش کرد برهان هایی بر وجود خدا و مبدأ نخستین جهان ارائه کند.

۱۷۶- برهان مشهور ارسطو در اثبات خدا چه نام دارد؟

برهان حرکت نام دارد.

۱۷۷- شکل گیری دوره جدید اروپا در چه قرن هایی بود و سبب پیدایش چه مکاتبی در فلسفه شد؟

قرن های ۱۴ و ۱۵ سبب پیدایش دو جریان عقل گرا و حس گرا (تجربه گرا) در فلسفه شد.

۱۷۸- فلاسفه عقل گرای قرن ۱۷ و ۱۸ را به ترتیب نام ببرید؟

دکارت، کانت

۱۷۹- دکارت در میان صفات خداوند، علاوه بر صفت دانا و توانا، بر کدام صفت او بیشتر تاکید می ورزد؟

نامتناهی بودن

۱۸۰- فیلسوف حس گرا و تجربه گرای قرن هجدهم را فقط نام ببرید؟

دیوید هیوم

۱۸۱- دیوید هیوم بر اساس فلسفه تجربی خود، درباره اعتقاد به وجود خداوند چه تعبیری داشت؟

ادعای کند که دلایل دکارت و سایر فیلسوفان پذیرفتنی نیست. از نظری، دلایلی که صرفاً متکی بر عقل باشند مردودند؛ زیرا عقل

اساساً ادراک مستقل از حس و تجربه ندارد.

۱۸۲- چرا هیوم دلایلی را که صرفاً متکی به عقل هستند را مردود دانسته و مورد انکار قرار می دهد؟

زیرا عقل اساساً ادراک مستقل از حس و تجربه ندارد.

۱۸۳- مهم ترین برهان فیلسوفان الهی، از نظر هیوم چیست؟ برهان نظم

۱۸۴- به نظر کانت، مسئولیت پذیری و رعایت اخلاق تنها چه زمانی معنا دارد؟

تنها در جایی معنا دارد که انسان خود را صاحب اراده و اختیار ببیند.

۱۸۵- کانت برای کدام موجودات معتقد بود که وظیفه اخلاقی معنا ندارد؟

برای موجودات بدون اختیار

۱۸۶- به عقیده کانت، سعادت روح و نفس مجرد در چیست؟

سعادتش در کسب فضیلت و رعایت اصول اخلاقی است.

۱۸۷- چرا کانت بر این باور است که روح و نفس مجرد برای سعادت دائمی خود به جهانی ماوراءدنیای مانیاز دارد؟

چون موجودی جاودانه است.

۱۸۸- به عقیده کانت، اگر انسان دارای یک وجدان اخلاقی است که او را دعوت به فضیلت و رعایت اصول اخلاقی در

زندگی می کند. این مسئله چه نتایجی به همراه خواهد داشت؟

این وجدان اخلاقی از او می خواهد که آنچه را برای خود می پسندد، برای دیگران هم پسندد و این اصل را به عنوان یک قاعده،

همواره در نظر داشته باشد و در زندگی پیاده کند.

۱۸۹- به نظر کانت قبول خداوند، پشتوانه چیست؟

اختیار و اراده انسان و مسئولیت پذیری او و تکیه گاه اصول اخلاقی مورد قبول وی می باشد.

۱۹۰- به نظر کانت، پذیرش جهان ماوراءدنیای ما، مشروط به چیست؟

مشروط به وجود خدایی خلودان و نامتناهی است.

۱۹۱- از نظر کانت پذیرش خداوند به چه نتایجی می رسیم؟

زندگی انسان معنای حقیقی و متعالی پیدا می کند و از پوچی و بی هدفی خارج می شود.

۱۹۲- منظور از زندگی معنادار چیست؟

زندگی معنادار، آن زندگی است که دارای هدف و مقصود متعالی و مقدس و آراسته به فضائل اخلاقی و کرامت انسانی باشد.

۱۹۳- چرا فیلسوفانی مانند دکارت و کانت تلاش می کردند که پایه های عقلی اعتقاد به خدا را در میان مردم استوار سازند؟

از نظر فیلسوفانی مانند دکارت و کانت، در صورتی زندگی معناداری شود که از پشتوانه قبول خداوند برخوردار باشد. از این رو آنان تلاش

می کردند که پایه های عقلی اعتقاد به خدا را در میان مردم استوار سازند.

۱۹۴- کدام فیلسوفان غربی تلاش کردند پایه های عقلی اعتقاد به خدا را استوار سازند؟

فیلسوفانی مانند دکارت و کانت



۱۹۵- کدام فیلسوفان غربی از تجربه های معنوی درونی و عشق و عرفان برای خداوند استفاده کردند؟

کرگور فیلسوف دانمارکی قرن ۱۹ و ویلیام جیمز، فیلسوف آمریکایی قرون ۱۹ و ۲۰، و برگسون، فیلسوف فرانسوی قرن ۲۰

۱۹۶- نظریه ویلیام جیمز در مورد دلیل وجود خداوند چیست؟

من معتقدم که دلیل وجود خداوند عمدتاً در تجربه های شخصی درونی ما نهفته است.

۱۹۷- به نظر کرگور، فیلسوف قرن بیستم، ایمان چیست؟

ایمان هدیه ای الهی است که خداوند به انسان عطا می کند.

۱۹۸- ویژگی های اصلی ایمان در نظریه کرگور بنویسید؟

۱- ایمان هدیه ای الهی است که خداوند به انسان عطا می کند.

۲- نیازی به استدلال و پشتوانه عقلی ندارد.

۱۹۹- ویژگی استدلالهای ارسطو بر وجود خدا چه بود؟

این استدلال ها، گرچه قدم های اولیه بوده اند، از استحکام خاصی برخوردارند و زمینه قدم های بعد را فراهم می کنند.

۲۰۰- از منظر کاتینگهام، پس از سیر نزولی استدلال های عقلی و فلسفی در اروپا بر اثبات وجود خدا، برخی از فیلسوفان

به کدامین سمت حرکت کردند؟

به این سمت حرکت کردند که خدا را عامل اصلی معنابخشی به زندگی معرفی کنند.

۲۰۱- هریک از موارد زیر عقیده چه شخص یا اشخاصی بوده است؟ (نهایی دی ماه ۹۸)

الف- یا خدایی نیست یا نمی توانیم اوز اثبات کنیم: (دیونفر) (خرداد ماه ۹۹)

ب- دلیل وجود خداوند عمدتاً در تجربه های شخصی درونی ما نهفته است. (ج) ایمان هدیه ای الهی می باشد.

@ جواب: الف) هیوم / اگوست کنت (ب) ویلیام جیمز (برگسون هم درست است) (ج) کرگور

۲۰۲- دو فیلسوف اروپایی را که از تجربه های درونی و عشق و عرفان برای اثبات وجود خدا استفاده کرده اند، نام

ببرید. (نهایی شهریور ماه ۹۹)

ویلیام جیمز - برگسون یا (کرگور - کاتینگهام)

۲۰۳- دو فیلسوف تجربه گرای اروپایی نام ببرید که می گفتند: "یا خدایی نیست و یا ما نمی توانیم وجود او را ثابت

کنیم" (نهایی خرداد ماه ۹۹) هیوم و آگوست کنت

۲۰۴- کانت برای اثبات وجود خدا از چه مفهومی استفاده کرد؟ (نهایی دی ماه ۹۹)

وظایف اخلاقی یا اخلاق

۲۰۵- دوفیلسوف اروپایی را که از تجربه های معنوی و عشق و عرفان برای باور به خداوند استفاده کردند، نام

ببرید. (نهایی شهریور ماه ۱۴۰۰)

کرکگور- ویلیام جیمز- برگسون - کاتینگهام (ذکر دومورد کافی است)

**\* پاسخ کامل و تشریحی دهید:**

۲۰۶- آیا سقراط به خدای یگانه معتقد است؟ این مسئله را تبیین کنید؟

سقراط، گرچه گاهی از لفظ خدایان هم استفاده می کرد، اما گزارش افلاطون از جزئیات محاکمه وی نشان از آن دارد که وی به وجود خدای یگانه معتقد بوده و تلاش کرده که مردم را نیز به این حقیقت رهبری و هدایت نماید.

۲۰۷- ویژگی های خدای افلاطون را نوشته و بیان کنید چرا خدای افلاطون با چند خدای یونانی تفاوت داشت؟

خدانزد افلاطون یک خدای معین با ویژگیهای روشن است. و این، با چند خدای یونان تفاوت دارد؛ زیرا از نظر وی، کار خداوند هدف دار است و بر اساس حکمت و برای هدفی خاص صورت می گیرد.

۲۰۸- با طرح مثالی از افلاطون توضیح و تبیین او را در مورد خداوند به عنوان "مثال خیر" بنویسید؟

همه چیز در پرتو آن دارای حقیقت می شوند و همان طور که روشنایی شبیه خورشید است، اما خود خورشید نیست، حقایق نیز شبیه به مثال خیر هستند، نه خود آن.

۲۰۹- افلاطون با مطرح کردن عنوان "صانع یا دمیورژ یا آفریننده عالم"، چه چیزی را می خواهد به انسان ها یادآوری

نمایید؟

یگانه سخنی که درباره نظم جهان و گردش آفتاب و ماه و ستارگان میتوان گفت این است که کل جهان در زیر فرمان عقل قرار دارد.

۲۱۰- توصیف افلاطون از خدا را در دو یا سه سطر مختصراً بنویسید؟

درسوی دیگر، نوعی از هستی وجود دارد که پیوسته ثابت است؛ نه می زایدونه از میان می رود و نه چیز دیگری رابه خود راه می دهد و

نه خود در چیزی دیگری فرومی شود. او نه دیدنی است و نه از طریق حواس دریافتنی است. فقط با تفکر و تعقل می توان به او دست

یافت و از او بهره مند شد.

۲۱۱- از نظر افلاطون شناسان، وقتی افلاطون از خدایان نام می برد، به معنای اعتقاد وی به چندخدایی است؟ توضیح دهید؟

اگر گاهی افلاطون از خدایان نام می برد، به معنای اعتقاد وی به چندخدایی نیست، بلکه برای ارتباط برقرار کردن با جامعه آن است که به شدت مشرک اند. استاد وی، سقراط را هم به همین جهت که با خدایان مخالفت می نمود، محاکمه کردند و به قتل رساندند. همچنین او تلاش می کند خداوند (مثال خیر) را در جایگاهی قرار دهد که هیچ موجود دیگری نمی تواند به آن جایگاه برسد.

۲۱۲- ارسطو فیلسوف بزرگ یونان، خداوند را در برهان درجات کمال چگونه توصیف می کرد؟

طور کلی، هر جاکه یک خوب تر و بهتر وجود دارد، خوب تر و بهتری نیز هست. حال، در میان موجودات برخی خوب تر و بهتر از برخی دیگرند. پس، حقیقتی هم که خوب ترین و بهترین است وجود دارد که از همه برتر است و این، همان واقعیت الهی است.

۲۱۳- منظور ارسطو در برهان درجات کمال از مقایسه دو موجود یا یکدیگر در اثبات خدا چیست؟ بنویسید.

از نظر ارسطو هر گاه دو موجود با یکدیگر مقایسه شوند و گفته شود که یکی کامل تر و خوب تر از دیگری است، باید یک کامل مطلق و یک خوب مطلق وجود داشته باشد که بتوان آن دو موجود را با این وجود کامل مقایسه نمود و هر کدام را که به این وجود، نزدیک تر باشد، برتر و آن را که دورتر باشد، ناقص تر به حساب آورد.

۲۱۴- برهان مشهور ارسطو را در اثبات خدا تبیین و توضیح دهید؟

او معتقد است که وجود حرکت در عالم نیازمند یک محرکی است که خود آن محرک، حرکت نداشته باشد، به نظر ارسطو اگر محرک غیر متحرک نیز حرکت داشته باشد، نیازمند یک محرک دیگر است و آن محرک دوم نیز به همین ترتیب نیازمند محرک است و سلسله محرک ها تا بی نهایت جلو خواهد رفت و چنین تسلسلی عقلاً محال است.

۲۱۵- نظریه واستدلال دکارت درباره اثبات خداوند را بنویسید؟

من از حقیقتی نامتناهی و دانای توانا خودم و هر چیز دیگری به وسیله او خلق شده ایم، تصویری دارم. این تصور نمی تواند از خودم باشد؛ زیرا من موجودی متناهی ام. پس، این تصور از من و هر موجود متناهی دیگری نیست بلکه از وجود نامتناهی است؛ اوست که می تواند چنین ادراکی به من بدهد.

۲۱۶- نقد دیوید هیوم بر برهان نظم فیلسوفان الهی را به اختصار بنویسید؟

این برهان نیز توانایی اثبات یک وجود ازلی وابدی و نامتناهی را ندارد. این برهان فقط می تواند ثابت کند که یک ناظم و خالق این جهان را اداره می کند. اما ثابت نمی کند که این ناظم خالق همان خداوندی است که نیازمند به علت نیست و وجودی ازلی و ابدی دارد.

۲۱۷- مهم ترین برهان فیلسوفان الهی از نظر هیوم، کدام برهان است؟ و چرا این برهان توانایی اثبات یک وجود ازلی

وابدی و نامتناهی را ندارد؟

برهان نظم است از تجربه گرفته شده اما این برهان نیز توانایی اثبات یک وجود ازلی و ابدی و نامتناهی را ندارد. این برهان فقط می تواند ثابت کند که یک ناظم و خالق این جهان را اداره می کند. اما ثابت نمی کند که این ناظم خالق همان خداوندی است که نیازمند به علت نیست و وجودی ازلی و ابدی دارد.

۲۱۸- دلیل اخلاقی بر اثبات وجود خدا توسط چه کسی مورد طرح و پذیرش قرار گرفت؟ این دلیل را تبیین کنید.

کانت

۱- انسان دارای یک وجدان اخلاقی است که او را دعوت به فضیلت و رعایت اصول اخلاقی در زندگی می کند. این وجدان اخلاقی از او می خواهد که آنچه را برای خود می پسندد، برای دیگران هم پسندد و این اصل را به عنوان یک قاعده، همواره در نظر داشته باشد و در زندگی پیاده کند.

۲- مسئولیت پذیری و رعایت اخلاق تنها در جایی معنا دارد که انسان خود را صاحب اراده و اختیار ببیند. برای موجودات بدون اختیار، وظیفه اخلاقی معنا ندارد.

۳- اختیار و اراده نمی تواند ویژگی بدن باشد که ماده ای مانند سایر مواد است بلکه باید ویژگی نفسی غیرمادی باشد که فنا پذیر است و با مرگ بدن از بین نمی رود. این بعد غیرمادی انسان بهره مند از وجدان اخلاقی است. انسان در وجدان خود فضایل اخلاقی مانند عدالت را خوب می شمارد و بر ذلت های اخلاقی مانند ظلم را بد به حساب می آورد.

۴- روح و نفس مجرد که سعادتش در کسب فضیلت و رعایت اصول اخلاقی است، چون موجودی جاودانه است، برای سعادت دائمی

خود به جهانی ماوراء الدنیا نیاز دارد و چنین جهانی نیز مشروط به وجود خدایی جاودان و نامتناهی است. بنابراین، قبول

خداوند، پشتوانه اختیار و اراده انسان و مسئولیت پذیری او و تکیه گاه اصول اخلاقی مورد قبول وی می باشد. با پذیرش خداوند است که زندگی انسان معنای حقیقی و متعالی پیدامی کند و از پوچی و بی هدفی خارج می شود

۲۱۹- به عقیده کانت، اختیار و اراده ویژگی بدن است یا نفس؟ چرا؟

اختیار و اراده نمی تواند ویژگی بدن باشد که ماده ای مانند سایر مواد است بلکه باید ویژگی نفسی غیرمادی باشد که فنا پذیر است و با مرگ بدن از بین نمی رود.

۲۲۰- چرا بعد از دکارت و کانت پایه های اعتقاد به خدا در جامعه اروپایی سست شد و زندگی مردم را تحت تأثیر قرار گرفت؟

رشد تفکر حسی و حس گرایی و ظهور فیلسوفانی که جهان را مادی می دانستند و انسان را نیز موجودی مادی می شمردند، پایه های اعتقاد به خدا در جامعه اروپایی سست کرد و زندگی مردم را تحت تأثیر قرار داد.

۲۲۱- روش و راه دکارت و کانت به عنوان فیلسوفان عقل گرا برای پذیرش خداوند را با یکدیگر مقایسه کنید؟

کانت به جای اثبات وجود خدا از طریق مخلوقات یا برهان علیت و یا وجود و امکان، ضرورت وجود خدا را از طریق اخلاق و وظایف اخلاقی اثبات کرد.

۲۲۲- چه عواملی باعث شد پایه های اعتقاد به خدا در جامعه اروپایی سست کرد و زندگی دسته هایی از مردم را تحت

تأثیر قرار داد؟

رشد تفکر حسی و حس گرایی و ظهور فیلسوفانی که جهان را صرفاً حقیقتی مادی میدانستند و انسان را نیز موجودی مادی می شمردند.

۲۲۳- در چه صورت در جامعه اروپایی معنا و مقصود زندگی در حد اهداف مادی تنزل پیدا کرد و زندگی فاقد معنا و ارزش

های متعالی گردید و بحران معناداری زندگی پدید آمد؟

رشد تفکر حسی و حس گرایی و ظهور فیلسوفانی که جهان را صرفاً حقیقتی مادی می دانستند و انسان را نیز موجودی مادی می شمردند، پایه های اعتقاد به خدا را در جامعه اروپایی سست کرد و زندگی دسته هایی از مردم را تحت تأثیر قرار داد.

۲۲۴- دو مورد از نتایج و پیامدهای سست شدن اعتقاد به خدا در جامعه اروپایی بعد از دکارت و کانت را بنویسید؟

۱- معنا و مقصود زندگی در میان بخشی از جامعه اروپایی به اهداف مادی محدود شد

۲- زندگی فاقد جنبه های متعالی خود گردید.

۳- زندگی بسیاری از مردم فاقد معنا و ارزش های متعالی گردید و بحران معناداری زندگی پدید آمد.

۲۲۵- از نظر ویلیام جیمز در چه لحظه ها خاص حضور، زندگی را متعالی و برتر می یابیم؟

ویلیام جیمز می گوید: هر یک از ما احساس می کنیم که در هنگام سخن گفتن با خدا و راز و نیاز با او توصیف زیبا و عاشقانه او به

نوعی از تعالی و معنویت منتقل می شویم که ساعاتی قبل از آن تهی بوده ایم ما در ساعات و لحظه هایی خاص از زندگی، حضور

او را حس می کنیم و در آن لحظه های حضور، زندگی را متعالی و برتر می یابیم.

۲۲۶- ویلیام جیمز عبارت "من معتقدم که دلیل وجود خداوند عمدتاً در تجربه های شخصی درونی مانهفته است."

را چگونه تبیین می کند؟

هریک از ما احساس می کنیم که در هنگام سخن گفتن با خدا و آرزو نیاز با او و توصیف زیبا و عاشقانه او به نوعی از تعالی و معنویت منتقل می شویم که ساعاتی قبل از آن تهی بوده ایم. مدارس ساعات و لحظه هایی خاص از زندگی، حضور او را حس می کنیم و در آن لحظه های حضور، زندگی را متعالی و برتر می یابیم.

۲۲۷- چه نوع زندگی ای را می توان زندگی معنادار دانست؟

زندگی معنادار عبارت از یک زندگی دارای غایت و هدف و سرشار از ارزشهای اخلاقی است که انسان را نسبت به آینده مطمئن می کند و آرامشی برتر به او می دهد.

۲۲۸- بحران معناداری زندگی در قرن بیستم و یکم در اروپا سبب ظهور چه نوع فیلسوفانی شد؟ و برای اثبات

وجود خدا به کدام مورد توجه داشتند؟

در قرن بیستم و یکم فیلسوفانی ظهور کردند که در عین اعتقاد راسخ به خدا، به جای ذکر دلایل اثبات وجود او، به رابطه میان «اعتقاد به خدا» و «معناداری زندگی» توجه کردند و نشان دادند که زندگی بدون اعتقاد به خدایی که مبدأ خیر و زیبایی و ناظر بر انسان است، دچار خلأ معنایی و پوچی آزاردهنده ای می شود.

۲۲۹- نظریه کرکگور، فیلسوف دانمارکی قرن بیستم در مورد ایمان بررسی کنید؟

کرکگور نیز معتقد است که ایمان، هدیه ای الهی است که خداوند به انسان می بخشد و نیازی به استدلال و پشتوانه عقلی ندارد. خدا انسان مؤمن را برمی گزیند و به او ایمان هدیه می کند و اگر کسی شایسته این بخشش نشود، زندگی تاریکی را سپری خواهد کرد.

۲۳۰- بحران معناداری زندگی در قرن بیستم و یکم سبب ظهور چه فیلسوفانی شد و آنها چه ویژگی های داشتند؟

بحران معناداری زندگی سبب شد که در قرن بیستم و یکم فیلسوفانی ظهور کردند که در عین اعتقاد راسخ به خدا، به جای ذکر دلایل اثبات وجود او، به رابطه میان «اعتقاد به خدا» و «معناداری زندگی» توجه کنند و نشان دهند که زندگی بدون اعتقاد به خدایی که مبدأ خیر و زیبایی و ناظر بر انسان باشد، دچار خلأ معنایی و پوچی آزاردهنده ای خواهد شد.

۲۳۱- از نظر کاتینگهام پذیرش و قبول خداوند در زندگی، چه نتایج و پیامدهای دارد؟ بنویسید.

قبول خداوند، زندگی ما را در بستری قرار می دهد که آن را با ارزش و با اهمیت می سازد و این امید را می دهد که به جای اینکه احساس کنیم در جهان بیگانه ای افتاده ایم که در آن هیچ امری در نهایت، اهمیت ندارد، می توانیم مأمون و پناهگاهی بیابیم.

۲۳۲- از نظریه یوم مهمترین برهان فیلسوفان الهی کدام است و دلیل ناتوانی آن برهان، برای اثبات یک وجود ازلی

وابدی و نامتناهی چیست؟ (نهایی خردادماه ۹۹)

برهان نظم، زیرا از تجربه گرفته شده اما این برهان نیز توانایی اثبات یک وجود ازلی وابدی و نامتناهی را ندارد. این برهان فقط می تواند ثابت کند که یک ناظم وخالق این جهان را اداره می کند. اما ثابت نمی کند که این ناظم خالق همان خداوندی است که نیازمند به علت نیست و وجودی ازلی وابدی دارد.

۲۳۳- یکی از برهان های ارسطو را بر اثبات وجود خدا و مبدا نخستین بنویسید. (نهایی شهریورماه ۹۹) (یک مورد خواسته)

۱- به طور کلی، هر جاکه یک خوبتر و بهتر وجود دارد، خوبترین و بهترین نیز هست. حال، در میان موجودات برخی خوبتر و بهتر از برخی دیگرند. پس، حقیقتی هم که خوب ترین و بهترین است وجود ندارد که از همه برتر است و این، همان واقعیت الهی است. (برهان اول = برهان درجات کمال)

۲- برهان مشهور ارسطو بر اثبات وجود خدا، برهان حرکت نام دارد. او معتقد است که وجود حرکت در عالم نیازمند یک محرک است که خود آن محرک، حرکت نداشته باشد، زیرا اگر آن نیز حرکت داشته باشد، نیازمند یک محرک دیگر است و آن محرک دوم نیز به همین ترتیب نیازمند محرک است و سلسله محرک ها تا بی نهایت جلو خواهد رفت و چنین تسلسلی عقلاً محال است.

۲۳۴- "برهان حرکت ارسطو" را مبنی بر اثبات وجود خداوند بنویسید؟ (نهایی دی ماه ۹۹ و خردادماه ۱۴۰۰)

وجود حرکت در عالم نیازمند یک محرک است که خود آن محرک، حرکت نداشته باشد، زیرا اگر آن نیز حرکت داشته باشد، نیازمند یک محرک دیگر است و آن محرک دوم نیز به همین ترتیب نیازمند محرک است و سلسله محرک ها تا بی نهایت جلو خواهد رفت و چنین تسلسلی عقلاً محال است.

۲۳۵- افلاطون خداوند را چگونه توصیف نموده است؟ (نهایی دی ماه ۹۹)

درسوی دیگر، نوعی از هستی وجود دارد که پیوسته ثابت است؛ نه می زاید و نه از میان می رود و نه چیز دیگری را به خود راه می دهد و نه خود در چیزی دیگری فرو می شود. (و یا هر یک از توصیفات دیگر افلاطون در مورد خدا)

۲۳۶- استدلال دکارت در اثبات وجود خداوند را توضیح دهید. (با اندکی تغییر نهایی شهریورماه ۱۴۰۰)

من از حقیقتی نامتناهی و دانای توانا خود من و هر چیز دیگری به وسیله او خلق شده ایم، تصویری دارم. این تصور نمی تواند از خودم باشد؛ زیرا من موجودی متناهی ام. پس، این تصور از من و هر موجود متناهی دیگری نیست بلکه از وجود نامتناهی است؛ اوست که می تواند چنین ادراکی به من بدهد.

تبیین ص ۳۲

مقدمه ۱: این جهان، برخوردار از یک نظم و هماهنگی میان پدیده هاست.

مقدمه ۲: هر نظم و هماهنگی نیازمند یک ناظم حکیم و عاقل است.

نتیجه: پس این جهان دارای یک ناظم حکیم و عاقل است.

به عبارت دیگر:

۱- در هر گوشه ای از جهان، آثار نظم و حساب و قانون و هدفمندی به چشم می خورد.

۲- هر دستگاهی چنین باشد، سازنده ای عالم و عاقل دارد.

نتیجه: پس کل جهان در زیر فرمان عقل قرار دارد.

تبیین ص ۳۳

مقدمه ۱: در این جهان موجوداتی وجود دارند که نسبت به هم خوب تر و بهتر هستند.

مقدمه ۲: هر جا که خوب تر و بهتر هست، خوب ترین و بهترین نیز هست.

مقدمه ۳: پس در این جهان موجودی هست که از همه خوب تر و بهترین است.

به عبارت دیگر: مقدمه ۱: در عالم موجوداتی هستند که در میان موجودات برخی خوب تر و بهتر از برخی دیگرند.

مقدمه ۲: هر جا که یک خوب تر و بهتر هست، خوب ترین و بهترین نیز هست.

نتیجه: پس حقیقتی هم که خوبترین و بهترین است وجود دارد که از همه برتر است و این همان واقعیت الهی است.

اندیشه ص ۳۴

✓ **ضرورتاً موجود:** واجب الوجود (یعنی موجودی که نمی توان وجود را از او سلب کرد، همان طور که سه ضلعی را از مثلث نمی توان سلب کرد)

**محرک غیر متحرک:** ثابت و غیر مادی (عامل نهایی حرکت در جهان، خود متحرک نیست. زیرا اگر آن هم متحرک باشد دور پیش می آید و یا تسلسل که هر دو باطل است و امکان پذیر نیست)

**دارای حیات:** زنده و باشعور (مبدأ جهان یک موجود زنده است. شعور و اراده و آگاهی دارد.)

**تغییرناپذیر:** ثابت (تغییر بردو نوع است: ۱- به صورت دفعی، که آن را کون و فساد می نامند، ۲- به صورت تدریجی که آن را حرکت می گویند. از نظر ارسطو خداوند یک حقیقت ثابت است و هیچ تغییری در او رخ نمی دهد. زیرا هر تغییری علامت نقص و نیاز و نداشتن چیزی است که موجود متغیر با تغییر خود به آن چیز می رسد و خداوند، از نظر ارسطو، کامل و بی نیاز مطلق است. **عالی ترین اندیشه:** اندیشه مطلق (خداوند و مبدأ نخستین که کامل ترین علم را دارد.)



## استدلال دکارت

مقدمه ۱: من تصویری از خالقی که حقیقت نامتناهی دارد، دارم.

مقدمه ۲: تصور وجود نامتناهی نمی تواند از یک موجود متناهی ناشی شده باشد.

نتیجه: پس یک موجود نامتناهی هست که این تصور از او ناشی شده و در من قرار داده شده است.

**به عبارت دیگر:** مقدمه ۱: من از حقیقتی نامتناهی و دانای توانا که خود من و هر چیز دیگری به وسیله او خلق شده ایم، تصویری دارم.

مقدمه ۲: این تصور نمی تواند از خودم باشد؛ زیرا من موجودی متناهی ام.

نتیجه: پس، این تصور از من و هر موجود متناهی دیگری نیست بلکه از یک وجود نامتناهی است؛ اوست که میتواند

چنین ادراکی را به من بدهد.

## بررسی ص ۳۵

۱- هیوم عقل را نادیده گرفته و برهان نظم را از اساس بی فایده دانسته است. و از طرفی برهان نظم رانقادی کرده و نشان داده که این برهان فقط ناظم کلی را اثبات می کند نه خدای شخصی و صفات کمالیه او را. منی توان آن را به عنوان گرایش فطری به سوی یک نامتناهی نوعی برهان فطری حساب کرد. **به عبارت دیگر:** این برهان منی تواند حداکثر یک ناظم و مدبر را اثبات کند، نه یک خالق نامتناهی را. به همین جهت برخی از فیلسوفان گفته اند که ما از طریق برهان نظم به یکی از صفات خداوند،

یعنی صفت حکمت می رسیم نه اثبات وجود خداوند واجب الوجود. این چنین نیست که این برهان قوی ترین برهان فلاسفه الهی باشد، بلکه برهان های دیگر، از جمله برهان وجوب و امکان، از این برهان بسیار قوی تر هستند. برهان نظم ساده ترین و شایع ترین است، نه قوی ترین.

۲- جواب اولیه مابه هیوم در اینجا می تواند همین باشد که خودش بیان کرده و گفته که این برهان منی تواند حداکثر یک ناظم و مدبر را اثبات کند، نه یک خالق نامتناهی را. به همین جهت برخی از فیلسوفان گفته اند که ما از طریق برهان نظم به یکی از صفات خداوند، یعنی صفت حکمت می رسیم. نه اثبات وجود خداوند. البته برهان نظم این چنین نیست که این برهان قوی ترین برهان فلاسفه الهی باشد. بلکه برهان های دیگر، از جمله برهان وجوب و امکان، از این برهان بسیار قوی تر هستند. برهان نظم ساده ترین و شایع ترین است، نه قوی ترین (ملاحظه تشریحی کتاب راهنمای معلم)

## بررسی ص ۳۷

✓ هر نیازی پاسخی دارد. پس نیاز به خدا هم باید پاسخی داشته باشد.

✓ خدا ضامن اخلاقیات است. بدون نظارت و پاداش الهی، اخلاق ضمانتی ندارد.

## بررسی ص ۳۸

**پاسخ سؤالات به ترتیب:** بی بندوباری - اخلاق بدون نظارت و پاداش الهی ضمانت اجراندارد - خداو معنا بخشی زندگی انسان.

این جمله وی تأیید کننده این نظر است که زندگی معنا دار و با فضیلت با قبول وجود خدا امکان پذیر است. یعنی اگر کسی خدا را قبول نداشته باشد و بگوید که واقعاً خدایی نیست و من به خدا اعتقاد ندارم، عقلاً و منطقیاً منی تواند هر کاری انجام دهد، چه خوب و چه بد. مقصود داستایوفسکی از کلمه مجاز این است که اگر خداوند نباشد، اولاً مسئولیت پذیری انسان بسیار سخت می شود، ثانیاً کنترل اخلاقی و محدود کردن امیال از دست می رود و معیاری برای تعیین خوب و بد و ارزش ها در دست نخواهد بود.

## بررسی ص ۳۹

✓ نظر چهارم - صرف تکیه بر نیازی یعنی تکیه بر امری مبهم و تاریک که ممکن است انسان در تشخیص و مصداق اشتباه کند.

- ۱- افلاطون: درسوی دیگر، نوعی از هستی وجود دارد که پیوسته ثابت است نه می زایدونه از میان می رود و نه چیز دیگری را به خود راه می دهد و نه خود در چیزی دیگری فرومی شود. او نه دیدنی است و نه از طریق حواس در یافتنی است. فقط با تفکر و تعقل میتوان به اودست یافت و از او بهره مند شد.
- ۲- ارسطو: حقیقتی که خوبترین و بهترین است وجود دارد که از همه برتر است. او می گوید: نمی شود که یک نظم و انتظام بر جهان حاکم باشد، بدون این که موجودی جاویدان و برتر از ماده در کار است.
- ۳- دکارت: دکارت تصوّر چیزی به نام خدا را ناشی از خود خدا می داند.
- ۴- هیوم: هیوم براهین خداشناسی، از جمله برهان نظم را رد می کند و عقل را که از نظر او ادراک مستقل از تجربه ندارد، در این مورد کاره ای نمی داند. او معتقد است که برهان نظم خدا را اثبات نمی کند بلکه نهایتاً ناظمی را اثبات می کند.
- ۵- ویلیام جیمز: او معتقد است که دلیل وجود خداوند عمدتاً در تجربه های شخصی درونی ما نهفته است.

- ۱- اعتقاد به خدا، به عنوان صانع که جهان را بر اساس حکمت و عدل آفریده، در فرهنگ ماسابقه‌دیرینه دارد.
- ۲- گزارش‌های تاریخی و داستان‌های اسطوره‌ای از ایران قبل از باستان، یعنی پیش از حکومت مادها و هخامنشیان، نشانگر باور و اعتقاد به چنین خدایی در آن دوره است.
- ۳- فارابی، فیلسوف بزرگ دوره اسلامی معتقد است که حکیمانی در ایران قبل از باستان، می‌زیسته‌اند که علاوه بر حکمت، با عرفان نیز آشنا بوده‌اند.
- ۴- به نظر سهروردی حکیمانی در ایران قبل از باستان می‌زیسته‌اند و خداوند را نور هستی می‌دانستند که با پرتو اشراق خود، پدیده‌ها را خلق می‌کند و ظاهر می‌سازد.
- ۵- به نظر سهروردی حکیمان ایران باستان، خداوند را نور الانوار نیز می‌نامیدند.
- ۶- بحث فیلسوف درباره خدا، تا وقتی فلسفی است که از روش فلسفه، یعنی استدلال منطقی، تجاوز نکند و نتایج تفکر خود را به صورت استدلالی عرضه نماید.
- ۷- بحث فیلسوف، خواه مسلمان، خواه مسیحی و یا پیرو هر مسلک دیگر درباره خدا، تا وقتی فلسفی است که از روش فلسفه، استفاده نکند.
- ۸- دکارت و کانت، با اینکه مسیحی بودند ولی چون باروش فلسفی به اثبات خداوند پرداختند، بحث آنها یک بحث دینی به شمار می‌آید.
- ۹- فیلسوفان مسئله‌ان، مانند ابن سینا و فارابی هم از روش استدلال عقلی پیروی کرده و در کتب فلسفی خود باروش عقلی درباره خداوند بحث کرده و به اثبات وجود خدا پرداخته‌اند.
- ۱۰- فیلسوف کسی است که عقیده‌ای داشته باشد، زیرا او کسی است که بر اساس قواعد فلسفی عقیده‌ای را نپذیرد و با قواعد فلسفی از عقیده خود دفاع کند.
- ۱۱- فیلسوف کسی است که بر اساس قواعد فلسفی عقیده‌ای را پذیرفته و با قواعد فلسفی از عقیده خود دفاع کند.
- ۱۲- فیلسوف معتقد به خدا، از طریق شهود عقلی به خدا اعتقاد پیدا کرده است و از همین طریق هم از خدا دفاع می‌کند.
- ۱۳- همه فلاسفه اروپایی به این نتیجه رسیده بودند که وجود خدا را نمی‌توان از طریق عقل و استدلال عقلی اثبات کرد.
- ۱۴- فیلسوفان مسلمان، نظرشان بر این است که اثبات وجود خدا از طریق استدلال عقلی امکان پذیر است.
- ۱۵- فیلسوفان مسلمان، همانند همه فلاسفه اروپایی نظرشان بر این است که اثبات وجود خدا از طریق استدلال عقلی امکان پذیر است.

- ۱۶- همه فلاسفه اروپایی، با بیانی بسیار دقیق، استدلال های طرح شده را توضیح دهند یا استدلالی جدید ارائه کنند.
- ۱۷- فارابی، علاوه بر قبول برهانهای افلاطون، برهانی بر وجود خدا ارائه می کند که مبتنی بر محال بودن تسلسل نامتناهی علت هاست.
- ۱۸- به نظر فارابی در جهان پیرامون ما اشیایی هستند که وجودشان از خودشان نیست و معلول چیزهای دیگرند.
- ۱۹- بر اساس نظر فارابی، هر چیزی که وجودش از خودش نباشد، ضرورتی مقدم بر خود دارد که به او وجود می دهد.
- ۲۰- به عقیده فارابی، وجود علت بر وجود معلول مقدم است و وجود معلول مشروط به وجود علت است.
- ۲۱- به بیان فارابی، اغلب در صورتی که علت موجود باشد، معلول هم موجود خواهد بود.
- ۲۲- به دیدگاه فارابی اگر علتی که اکنون موجود است معلولی داشته باشد که آن معلول هم خودش معلول باشد، به ناچار، این معلول هم علت دیگری دارد.
- ۲۳- اگر معلولی که اکنون موجود است علتی داشته باشد که آن علت هم خودش معلول باشد، به ناچار، این معلول هم علت دیگری دارد. حال اگر این علت دوم هم معلول باشد، برای موجود شدن به علت سومی نیازمند است.
- ۲۴- اگر سلسله علت ها بخواید تا بی نهایت پیش بروید، و منتهی به علتی نشود که معلول دیگری نباشد، تسلسل علل متناهی پیش می آید و چنین تسلسلی محال است.
- ۲۵- تسلسل علل نامتناهی محال است، زیرا اگر سلسله علت ها بخواید تا بی نهایت به عقب بروید، اصلاً نوبت به معلولی که هم اکنون پیش روی ماست، نمی رسد.
- ۲۶- اگر سلسله علت ها تا بی نهایت به عقب برگردد، به معنی آن است که باید نهایت داشته باشد تا نوبت به معلول پیش روی ما برسد و هیچ گاه چنین چیزی امکان پذیر نیست.
- ۲۷- در ابتدای سلسله علت ها، معلولها علتی وجود دارند که وجودش وابسته به دیگری نیست؛ یعنی خودش واجب الوجود و علل موجودات دیگر است.
- ۲۸- سلسله موجودات معلول نیازمند موجودی است که معلول باشد.
- ۲۹- در ابتدای سلسله علت ها و معلول ها علتی وجود دارد که وجودش وابسته به دیگری نیست؛ یعنی خودش واجب الوجود و علل موجودات دیگر است.
- ۳۰- همه موجودات این جهان در ذات خود ممکن بوده و از طریق علت های خود موجود شده اند.
- ۳۱- خلاصه برهان ابن سینا برای اثبات واجب الوجود بالذات به برهان وجوب و امکان شهرت دارد.

۳۲- به نظر ابن سینا، وقتی به موجودات این جهان نگاه می‌کنیم، می‌بینیم که این موجودات در ذات خود نسبت به وجود و عدم بودن و نبودن مساوی‌اند.

۳۳- به عقیده فارابی، موجوداتی که هم می‌توانند باشند و هم می‌توانند نباشند، این موجودات ذاتاً ممکن‌الوجودند.

۳۴- به نظر ابن سینا، ممکن‌الوجودهای بالغیر، برای اینکه از تساوی میان وجود و عدم درآیند و وجود برای آنها ضروری گردد، نیازمندعلتی هستند که خودش ممکن‌الوجود نباشد.

۳۵- از نظر ابن سینا، ممکن‌الوجودهای بالذات برای اینکه وجود برای آنها ضروری گردد، نیازمندعلتی هستند و واجب‌الوجود بالذات باشد.

۳۶- واجب‌الوجود بالذات یعنی موجودی که وجود، ذاتی اوست و از او جدا نمی‌شود.

۳۷- پیام اصلی ابن سینا و پیروان او این است که موجودات جهان بر حسب ذات خود، ممکن‌الوجودند اما زاین حیث که اکنون موجودند، واجب‌الوجود بالغیرند؛ یعنی از "واجب‌الوجود بالذات" نشئت گرفته‌اند.

۳۸- فلاسفه بعد از ابن سینا، هم در جهان اسلام و هم در اروپا، بیان وی در اثبات واجب‌الوجود را برهانی بسیار قوی برای اثبات وجود خداوند دانسته و آن را "برهان صدیقین" نامیده‌اند.

۳۹- توماس آکوئیناس، که در بحث مغایرت وجود و ماهیت از ابن سینا تبعیت می‌کرده است.

۴۰- توماس آکوئیناس، برهان وجوب و امکان را در اروپا گسترش داد و مورد قبول بسیاری قرار گرفت.

۴۱- در جهان اسلام فلاسفه‌ای مانند بهمنیار، خواجه نصیرالدین طوسی، میرداماد و شیخ بهایی از برهان وجوب و امکان استفاده کردند.

۴۲- خواجه نصیرالدین طوسی و اشراقیون برهان وجوب و امکان را ارتقا بخشیدند.

۴۳- ملاصدرا و صدرائیان برهان وجوب و امکان را ارتقا بخشیدند.

۴۴- موجودات این جهان به واجب‌الوجودی بالغیری وابسته‌اند که آنها را از حالت امکانی خارج کرده و پدید آورده است.

۴۵- اشیاى جهان واجب‌الوجود بالغیر هستند.

۴۶- واجب‌الوجود بالذات، همان ذاتی است که وجود برایش ضرورت دارد و این ضرورت، از ناحیه خود آن ذات است نه از ناحیه یک امر بیرونی.

۴۷- بی‌نهایت شدن تعداد اشیاى جهان، نیازشان را به واجب‌الوجود بالذات بر طرف نمی‌سازد، بلکه آنها را همچنان نیازمندنگه می‌دارد.

۴۸- برهان وجوب و امکان ابن سینا، اولین برهان فلسفی در پی اثبات وجود خداوند است.

۴۹- ملاصدرا معتقد است: اگر ذات الهی آنی پرتو عنایت خویش را بازگیرد، کل موجودات نابود می‌گردند و نور آنها خاموش می‌شود.

۵۰- به نظر ملاصدرا، به جای نگاه کردن به ماهیت و مشاهده حالت امکانی آن نسبت به وجود و عدم، اگر به دو واقعیت نگاه کنیم، می بینیم که این واقعیات، عین وابستگی و نیازند.

۵۱- به نظر ملاصدرا، در میان موجودات جهان، می توان موجودی را یافت که وابستگی به غیر و نیازمندی سراسر وجودش را فرا نگرفته باشد.

۵۲- ملاصدرا "وابستگی" و "فقر وجودی" را "امکان فقری" نامید تا آن را از "امکان ماهوی" فارابی جدا کند.

۵۳- به نظر ملاصدرا، فقر و نیاز ذاتی که در موجودات است، باید به معنی متصل باشد که از غنای ذاتی و بی نیازی برخوردار است.

۵۴- به نظر ابن سینا، غنی بالذات، همان خداوند متعال است که همه موجودات به او وابسته اند.

۵۵- از نظر ملاصدرا وجود دو گونه است: ۱- وجود بی نیاز و غیر وابسته ۲- وجودهای نیازمند و وابسته.

۵۶- طبق نظریه "امکان ماهوی" جهان هستی یکپارچه نیاز و تعلق به ذات الهی است و از خود هیچ استقلالی ندارد.

۵۷- بحث دیگری که فلاسفه مسلمان در کنار اثبات وجود خدا داشته اند، بحث درباره تأثیر این اعتقاد در زندگی انسان و نقش آن در معنابخشی به حیات بشری است.

۵۸- در مقام مثال، فلاسفه مسلمان وجود خدا و تأثیر آن در حیات انسانی را شبیه به وجود نور و نقش آن در حیات جسمانی بشری دانند.

۵۹- فلاسفه مسلمان می گویند که بشر ابتدا از طریق حواس به وجود آب پی می برد و آن را یک امر واقعی می یابد؛ آنگاه این آب واقعی را می نوشد.

۶۰- به عقیده فلاسفه مسلمان، خدا نیز مثال نور است؛ اعتقاد به خدایی می تواند به زندگی معنا دهد و انسان را وارد مرتبه ای برتر از زندگی کند که به کمک عقل و منطق یا همراه دیگری وجود او را پذیرفته باشد و در ارتباط روحی و معنوی با او زندگی کند.

۶۱- از نظر یک فیلسوف الهی، پذیرش وجود خداوند با صفتی که دارد، به فیلسوف این امکان را می دهد که بتواند معیارهای یک زندگی معنادار را به دست آورد.

۶۲- فیلسوف الهی با پذیرش خدا، می خواهد انسان را موجودی هدفمند بشناسد و این هدف را مشخص کند.

۶۳- از نظر فیلسوف الهی با پذیرش وجود خدا، می توان برای گرایش فطری انسان به خیر و زیبایی مابازائی ذهنی قائل شد.

۶۴- از نظر فیلسوف الهی با پذیرش وجود خدا، می توان آرمان های مقدس و فراتر از زندگی معنوی را معتبر و درست دانست.

۶۵- از نظر فیلسوف الهی با پذیرش وجود خدا، می توان در برابر یک وجود متعالی و برتر احساس تعهد و مسئولیت داشته باشد.

۶۶- ابن سینا اشتیاق ذاتی و ذوق فطری را که سبب بقای وجود ممکنات است، عقل می نامد.

۶۷- ابن سینا توصیفی مبتنی بر عشق از رابطه خدا و جهان و انسان ارائه می دهد.

۶۸- فارابی در رساله ای که درباره عشق نوشته است، می گوید: هریک از ممکنات به واسطه حقیقت وجودش، همیشه مشتاق کمالات و خیرات است و بر حسب فطرت خود از بدی ها گریزان.

۶۹- ابن سینا معتقد است که عشق و محبت میان انسان و جهان از جاذبه عشق الهی ناشی می شود که در کنه و ذات جهان هستی به ودیعت نهاده شده است.

۷۰- به عقیده فیلسوفان مسلمان، اثبات وجود خدا از طریق استدلال عقلی امکان پذیر است. (نهایی خردادماه ۹۹)

۷۱- وجود علت بوجود معلول مقدم است و وجود علت مشروط به وجود معلول می باشد. (نهایی خردادماه ۹۹)

۷۲- فارابی برای ابطال تسلسل علل نامتناهی از این مقدمه استفاده کرد که: "هر معلولی باید علتی داشته باشد". (نهایی خردادماه ۱۴۰۰)

۷۳- فیلسوف کسی است که هیچ عقیده ای درباره وجود خداوند نداشته باشد. (نهایی شهریورماه ۱۴۰۰)

@جوابها: ۱- غ ۲- ص ۳- غ ۴- ص ۵- غ ۶- غ ۷- ص ۸- غ ۹- ص ۱۰- غ ۱۱- ص ۱۲- غ ۱۳- غ ۱۴- ص ۱۵- غ ۱۶- غ ۱۷- غ ۱۸- ص ۱۹- غ ۲۰- ص ۲۱- غ ۲۲- غ ۲۳- ص ۲۴- غ ۲۵- ص ۲۶- غ ۲۷- ص ۲۸- غ ۲۹- ص ۳۰- ص ۳۱- ص ۳۲- ص ۳۳- غ ۳۴- ص ۳۵- ص ۳۶- ص ۳۷- ص ۳۸- غ ۳۹- ص ۴۰- ص ۴۱- ص ۴۲- غ ۴۳- ص ۴۴- غ ۴۵- ص ۴۶- ص ۴۷- ص ۴۸- غ ۴۹- ص ۵۰- ص ۵۱- غ ۵۲- غ ۵۳- ص ۵۴- غ ۵۵- ص ۵۶- غ ۵۷- ص ۵۸- غ ۵۹- ص ۶۰- غ ۶۱- ص ۶۲- ص ۶۳- غ ۶۴- غ ۶۵- ص ۶۶- غ ۶۷- ص ۶۸- غ ۶۹- ص ۷۰- ص ۷۱- غ ۷۲- ص ۷۳- غ

#### @جاهای خالی را با کلمات مناسب کامل کنید:

۷۴- اعتقاد به خدا، به عنوان خالق هستی که جهان را بر اساس ..... آفریده، در فرهنگ ماسابقه دیرینه دارد.

۷۵- گزارش های تاریخی و داستان های اسطوره ای از ..... نشانگر باور و اعتقاد به خدایی در آن دوره است.

۷۶- سهروردی، معتقد است حکیمانی در ایران قبل از باستان می زیسته اند علاوه بر حکمت، با ..... نیز آشنا بوده است.

۷۷- سهروردی، معتقد است حکیمان ایران قبل از باستان خداوند را ..... می دانستند.

۷۸- حکیمان ..... خداوند را نور هستی می دانستند که با پرتو و اشراق خود، پدیده ها را خلق می کند و ظاهر می سازد.

۷۹- حکیمان ایران باستان خداوند را ..... می نامیدند.

۸۰- فارابی، علاوه بر قبول .....، برهانی بوجود خدا ارائه می کند که مبتنی بر محال بودن تسلسل نامتناهی علت هاست.

۸۱- بحث فیلسوف، خواه مسلمان، خواه مسیحی و یا پیرو هر مسلک دیگر درباره خدا، تا وقتی فلسفی است که از روش ..... استفاده

کند و نتایج تفکر خود را به صورت استدلالی عرضه نماید

۸۲- دکارت و کانت، باینکه مسیحی بودند ولی چون با ..... به اثبات خداوند پرداختند، بحث آنها یک بحث فلسفی به شمار می آید.

- ۸۳- فیلسوفان مسلمان، مانند..... و..... هم از روش فلسفی پیروی کرده و در کتب فلسفی خود باروش عقلی درباره خداوند بحث کرده و به اثبات وجود خدا پرداخته اند.
- ۸۴- فیلسوف کسی نیست که عقیده ای نداشته باشد، بلکه کسی است که براساس..... عقیده ای را بپذیرد و با قواعد فلسفی از عقیده خود دفاع کند.
- ۸۵- فیلسوف معتقد به خدا، از طریق..... به خدا اعتقاد پیدا کرده است و از همین طریق هم از خدا دفاع می کند.
- ۸۶- برخی از فلاسفه اروپایی به این نتیجه رسیده بودند که وجود خدا را نمی توان از..... و..... اثبات کرد.
- ۸۷- فیلسوفان مسلمان، از فارابی تا ملا صدرا و فلاسفه معاصر، نظرشان بر این است که..... از طریق استدلال عقلی امکان پذیر است.
- ۸۸- به عقیده.....، در جهان پیرامون ما اشیایی هستند که وجودشان از خودشان نیست و معلول چیزهای دیگرند.
- ۸۹- به نظر فارابی هر چیزی که وجودش از خودش نباشد، علتی مقدم بر خود دارد که به او..... می دهد.
- ۹۰- به نظر فارابی وجود علت بر وجود معلول..... است و وجود معلول..... به وجود علت است.
- ۹۱- اگر سلسله علت ها بخواهد تا..... پیش برود، یعنی منتهی به علتی نشود که معلول دیگری نباشد، تسلسل..... پیش می آید.
- ۹۲- اگر سلسله علت ها بخواهد تا..... به عقب برود، اصلاً نوبت به معلولی که هم اکنون پیش روی ماست، نمی رسد.
- ۹۳- معلول بودن هر موجود و نیاز آن به علت مانند متکی بودن هر..... دیگر است.
- ۹۴- سلسله موجودات معلول نیازمند موجودی است که..... نباشد.
- ۹۵- در ابتدای سلسله علت ها و معلول ها علتی وجود دارد که وجودش وابسته به دیگری نیست؛ یعنی خودش..... و..... موجودات دیگر است.
- ۹۶- ابن سینا با اینکه برهان فارابی را درست و کامل می داند، امامی کوشد با استفاده از دو مفهوم..... و..... برهان کاملتری ارائه کند.
- ۹۷- خلاصه برهان..... برای اثبات..... به برهان وجوب و امکان شهرت دارد.
- ۹۸- براساس برهان وجوب و امکان ابن سینا، وقتی به موجودات این جهان نگاه می کنیم، می بینیم که این موجودات در ذات خود نسبت به..... و..... مساوی اند.
- ۹۹- اشیای جهان..... هستند.
- ۱۰۰- براساس برهان وجوب و امکان ابن سینا موجودات در..... هم می توانند باشند و هم می توانند نباشند. به عبارت دیگر، این موجودات..... ممکن الوجودند.
- ۱۰۱- ممکن الوجود بالذات، برای اینکه از تساوی میان وجود و عدم در آید و موجود شود، نیازمند..... است؛ موجودی که..... ذاتی او باشد.



- ۱۰۲- موجودات این جهان به ..... وابسته اند که آنها را از حالت ..... خارج کرده و پدید آورده است.
- ۱۰۳- موجود ممکن، برای موجود شدن به وجودی نیاز دارند که خودش ..... باشد و خودش نیازمند دیگری نباشد تا آنها را از حالت امکانی خارج کند و وجود را برای آنها ..... و ..... نماید.
- ۱۰۴- واجب الوجود بالذات یعنی موجودی که وجود، ..... اوست و از او جدا نمی شود
- ۱۰۵- ملاصدرا و صدرائیان از بیان قوی تری برای تبیین برهان ..... که با دستگاه فلسفی ملاصدرا سازگاری داشت، بهره بردند.
- ۱۰۶- ابن سینا ..... میان وجود و ماهیت را به خوبی تبیین کرده است.
- ۱۰۷- حیثیت وجود، وجه ..... است و حیثیت ماهیت، وجه ..... آنها.
- ۱۰۸- توماس آکوئیناس، که در بحث مغایرت وجود و ماهیت از ..... تبعیت می کرده است.
- ۱۰۹- ملاصدرا می گوید، ..... که در موجودات مشاهده می کنیم، باید به متبعی متصل باشد که از غنای ذاتی و بی نیازی برخوردار است. آن غنی بالذات، همان ..... است که همه موجودات به او وابسته اند.
- ۱۱۰- نظریه مغایرت وجود با ماهیت ابن سینا مورد توجه ..... نیز قرار گرفت و زمینه گفت و گوهای مهم فلسفی فراوانی را فراهم آورد که تا عصر ..... دنبال شد و تا امروز هم ادامه یافته است.
- ۱۱۱- پیام اصلی ابن سینا و پیروان او: موجودات جهان بر حسب ذات خود ..... اند اما از این حیث که اکنون ..... اند، واجب الوجود بالغیرند؛ یعنی از ..... نشئت گرفته اند.
- ۱۱۲- توماس آکوئیناس ..... رادر اروپا گسترش داد که مورد قبول بسیاری قرار گرفت.
- ۱۱۳- در جهان اسلام نیز فلاسفه ای مانند ..... از برهان وجوب امکان استفاده کرده اند.
- ۱۱۴- فلاسفه بعد از ابن سینا، هم در جهان اسلام و هم در اروپا، بیان وی در اثبات واجب الوجود را برهانی بسیار قوی برای اثبات وجود خداوند دانسته و آن را برهان ..... نامیده اند.
- ۱۱۵- ملاصدرا می گوید: به جای نگاه کردن به ..... و مشاهده حالت امکانی آن نسبت به وجود عدم، اگر به دو ..... نگاه کنیم، می بینیم که این واقعیات، عین وابستگی و نیازند.
- ۱۱۶- به عقیده ملاصدرا: در میان موجودات، نمی توان موجودی را یافت که وابستگی به ..... و ..... سراسر وجودش را فرا نگرفته باشد.
- ۱۱۷- از نظر ملاصدرا وجود دو گونه است: وجود بی نیاز و ..... و وجودهای نیازمند و ..... .
- ۱۱۸- فلاسفه ..... در کنار اثبات وجود خدا داشته اند، بحث درباره تأثیر این اعتقاد در زندگی انسان و نقش آن در معنابخشی به حیات بشری است.

۱۱۹- فلاسفهٔ مسلمان، وجود خدا و تأثیر آن در حیات انسانی را شبیه به وجود ..... و نقش آن در حیات جسمانی بشر می دانند.  
۱۲۰- فلاسفهٔ مسلمان می گویند که بشر ابتدا از طریق ..... به وجود آب پی می برد و آن را یک امر ..... می یابد. این همان تشبیه برای اثبات خدا و تأثیر آن در حیات انسانی است.

۱۲۱- اعتقاد به خدای توانمند به زندگی معنا دهد و انسان را وارد مرتبه ای برتر از زندگی کند که به کمک ..... و ..... هر راه دیگری وجود او را پذیرفته باشد و در ارتباط روحی و معنوی با او زندگی کند.  
۱۲۲- از نظریک فیلسوف الهی، پذیرش وجود خداوند با ..... که دارد، به فیلسوف این امکان را می دهد که بتواند معیارهای یک ..... را به دست آورد.

۱۲۳- از نظریک فیلسوف الهی، پذیرش ..... انسان را موجودی هدفمند بشناسد و این هدف را مشخص کند.  
۱۲۴- از نظریک فیلسوف الهی، پذیرش وجود خداوند برای گرایش ..... انسان به خیر و زیبایی ..... قائل شود.  
۱۲۵- از نظریک فیلسوف الهی، پذیرش وجود خداوند، آرمان های مقدس و فراتر از زندگی مادی را ..... بداند.  
۱۲۶- از نظریک فیلسوف الهی، پذیرش وجود خداوند، در برابر یک وجود متعالی و برتر احساس ..... و ..... داشته باشد.  
۱۲۷- ابن سینا توصیفی مبتنی بر ..... از رابطهٔ خدا و جهان و انسان ارائه می دهد.

۱۲۸- به نظر ابن سینا: هر یک از ممکنات به واسطهٔ ..... همیشه مشتاق کمالات و خیرات است و بر حسب ..... از بدی ها گریزان.  
۱۲۹- بر اساس عقیدهٔ ابن سینا، اشتیاق ..... و ..... را که سبب بقای ممکنات و مخلوقات است، عشق می نامیم.  
۱۳۰- ابن سینا معتقد است که عشق و محبت میان انسان و جهان از ..... ناشی می شود که در کنه ذات جهان هستی به ودیعت نهاده شده است.

۱۳۱- فارابی در برهان تسلسل علل، از اصل تقدّم ..... استفاده کرده است. (نهایی / خرداد ۹۸)

۱۳۲- اعتقاد به خدایی می تواند به زندگی معنا دهد که به کمک ..... و منطق وجودش را پذیرفته باشیم و در ارتباط ..... با او زندگی کنیم. (نهایی دیماه ۹۸)

۱۳۳- از نظر فارابی، در ابتدای سلسهٔ علت ها و معلول ها، علتی وجود دارد که وابسته به دیگری نیست، یعنی خودش ..... و ..... موجودات دیگر است. (نهایی خرداد ۹۹)

۱۳۴- بر اساس نظر ملا صدرا که به نظریهٔ "....." معروف است، جهان هستی یکپارچه نیاز و تعلق به ذات الهی است. (نهایی)

شهریور ۱۴۰۰

@ جواب ها: ۷۴- (حکمت و عدل) ۷۵- (ایران قبل از باستان) ۷۶- (عرفان) ۷۷- (نور هستی) ۷۸- (ایران باستان) ۷۹- (نور الانوار) ۸۰- (برهانهای ارسطو) ۸۱- (استدلال عقلی) ۸۲- (روش فلسفی) ۸۳- (ابن سینا/فارابی) ۸۴- (قواعد فلسفی) ۸۵- (استدلال) ۸۶- (طریق عقل/استدلال عقلی) ۸۷- (اثبات وجود خدا) ۸۸- (فارابی) ۸۹- (وجود) ۹۰- (مقدم/مشروط) ۹۱- (بی نهایت/علل نامتناهی) ۹۲- (بی نهایت) ۹۳- (آجر به آجر) ۹۴- (مغلول) ۹۵- (واجب الوجود/عله العلل) ۹۶- (وجوب/امکان) ۹۷- (ابن سینا/واجب الوجود بالذات) ۹۸- (وجود/عدم) ۹۹- (واجب الوجود بالغیر) ۱۰۰- (ذات خود/ذاتا) ۱۰۱- (واجب الوجود بالذات/وجود) ۱۰۲- (واجب الوجودی بالذات/امکانی) ۱۰۳- (واجب الوجود بالذات/ضروری/واجب) ۱۰۴- (ذاتی) ۱۰۵- (وجوب و امکان) ۱۰۶- (مغایرت) ۱۰۷- (مشترک موجودات/اختصاصی) ۱۰۸- (ابن سینا) ۱۰۹- (فقرونیاز ذاتی/خداوند متعال) ۱۱۰- (فلاسفه مسلمان/ملاصدرا) ۱۱۱- (ممکن الوجود/موجود/واجب الوجود بالذات) ۱۱۲- (برهان وجوب و امکان) ۱۱۳- (بهنیاز/خواجه نصیرالدین طوسی یامیر داماد/شیخ بهایی) ۱۱۴- (وجوب و امکان) ۱۱۵- (ماهیت/واقعیت) ۱۱۶- (غیر/نیازمندی) ۱۱۷- (غیر وابسته/وابسته) ۱۱۸- (مسلمان) ۱۱۹- (آب) ۱۲۰- (حواس/واقعی) ۱۲۱- (عقل/منطق) ۱۲۲- (صفات/زندگی معنادار) ۱۲۳- (وجود خداوند) ۱۲۴- (فطری/ما با ذاتی واقعی) ۱۲۵- (معتبر و درست) ۱۲۶- (تعهد/مسئولیت) ۱۲۷- (عشق) ۱۲۸- (حقیقت وجودش/فطرت خود) ۱۲۹- (ذاتی/ذوق فطری) ۱۳۰- (جاذبه عشق الهی) ۱۳۱- (علت برمغلول) ۱۳۲- (عقل/روحی یا معنوی) ۱۳۳- (واجب الوجود/عله العلل) ۱۳۴- (امکان فقری یا فقروبودی)

**@گزینه صحیح را انتخاب کنید:**

۱۳۵- کدام عبارت نادرست است؟

- ۱- بحث فیلسوف، به طور کلی درباره خدا، تا وقتی فلسفی است که نتایج تفکر خود را به صورت استدلالی عرضه نماید.
- ۲- فیلسوف کسی است که هم می تواند عقیده ای داشته باشد و هم می تواند عقیده نداشته باشد.
- ۳- فیلسوف کسی است که بر اساس قواعد فلسفی عقیده ای را پذیرفته و با قواعد فلسفی از عقیده خود دفاع کند.
- ۴- فیلسوف معتقد به خدا، از طریق استدلال به خدا اعتقاد پیدا کرده است و از همین طریق هم از خدا دفاع می کند.
- ۱۳۶- در برهان فارابی بر امتیاع تسلسل علل نامتناهی از کدام اصل استفاده شده و بیانگر چیست؟

(۱) تقدم علت برمغلول- تاعلت وجود پیداکنند معلول وجود پیداکنند می کند.

(۲) مشروط بودن علت برمغلول- تا معلول وجود پیداکنند علت وجود پیداکنند می کند.

(۳) همزمانی علت بر معلول- وجود معلول مشروط به وجود علت نیست.

(۴) تقدم علت بر معلول- وجود علت مشروط به وجود معلول است.

۱۳۷- اعتقاد به تناهی سلسله علل از لوازم علت و معلول است که مبتنی بر بطلان تسلسل است و اصرار بر تقدم وجودی علت بر معلول از..... که پایانش به ..... موجود مشروط می انجامد.

(۱) ابن سینا- وجود (۲) فارابی- وجود (۳) فارابی- عدم (۴) ابن سینا- عدم

۱۳۸- اگر تساوی نسبت وجود و عدم، برای پیدایش شیء کافی باشد: .....

(۱) موجودات ضرورت وجود خود را از علت تامه دریافت می کردند.

(۲) واجب الوجود عامل پیدایش جهان هستی و کل نظام آفرینش بود.

(۳) هر حادثه ممکن الوجودی بدون موجبی خودبه خودبه وجود می آمد

(۴) دیگر به علت نیازی نبود به محض تصور آن، موجود پدیدار می گشت.

۱۳۹- به اعتقاد ابن سینا «شوق به کمالات» و «اشتیاق به خیرات» در ممکنات برخاسته از خنیة..... آن هاست و سبب بقای آن ها،

همان ..... است .

(۱) امکانی- عشق (۲) وجودی- عشق (۳) وجودی- وجود (۴) امکانی- وجود

۱۴۰- میان دو متفکر ذکر شده کدام یک مناثر از دیگری بوده است. و کدام شخص برهان وجوب امکان ابن سینا را ارتقا بخشید؟

(۱) توماس آکوئیناس از خواجه نصیر- میرداماد (۲) ابن سینا از توماس آکوئیناس- میرداماد

(۳) توماس آکوئیناس از ابن سینا- ملاصدرا (۴) ابن سینا از توماس آکوئیناس- ملاصدرا

۱۴۱- با توجه به دیدگاه ابن سینا و ملاصدرا به ترتیب کدام گزینه صحیح است؟

(۱) امکان ماهوی موجود ← واجب الوجود بالغیر بودن موجود/ امکان فقری فقری ← واجب بالغیر بودن موجود

(۲) امکان فقری موجود ← واجب بالغیر بودن موجود/ امکان ماهوی فقری ← عین نیاز و وابستگی به واجب

(۳) امکان فقری موجود ← عین نیاز و وابستگی به واجب/ امکان فقری فقری ← واجب بالغیر بودن موجود

(۴) امکان ماهوی موجود ← واجب بالغیر بودن موجود/ امکان فقری فقری ← عین نیاز و وابستگی به واجب

@ جواب تست ها: ۱۳۵- گزینه ۲ ۱۳۶- گزینه ۱ ۱۳۷- گزینه ۳ ۱۳۸- گزینه ۳ ۱۳۹- گزینه ۲ ۱۴۰- گزینه ۳ ۱۴۱-

گزینه ۴

مورد درست چپ اضافی است)

- |  |                                       |
|--|---------------------------------------|
| الف) عدم اثبات خدا از طریق عقل و استدلال عقلی        | ۱- از نتایج اثبات خدا توسط فارابی     |
| ب) تقدم علت بر معلول.                                | ۲- برهان وجوب وامکان                  |
| ج) وجود معلول مشروط به وجود علت است.                 | ۳- یکی از دلایل اثبات خدا توسط فارابی |
| د) تسلسل علل متناهی است.                             | ۴- فطرت                               |
| ر) خلاصه برهان ابن سینا برای اثبات واجب الوجود       | ۵- همه فیلسوفان اروپایی               |
| ز) علت گریزان بودن ممکنات از بدی ها از نظر ابن سینا  | ۶- فارابی                             |
| و) یعنی موجودی که وجود ذاتی اوست و از او جدا نمی شود | ۷- واجب الوجود بالذات                 |
|  | ۸- عشق                                |

@ جواب: الف) ۴ (ب) ۶ (ج) ۳ (د) ۱ (ر) ۲ (ز) ۴ (و) ۷

۱۴۳- سوالات کشف ارتباط (یک مورد در سمت چپ اضافی است)

الف: سوالات ب: پاسخ ها

- |  |                    |
|--|--------------------|
| ۱- گسترش دهنده برهان وجوب وامکان در اروپا      | (۱) ملاصدرا        |
| ۲- ارتقا دهنده برهان وجوب وامکان ابن سینا      | (۲) شیخ بهایی      |
| ۳- در جهان اسلام از برهان وجوب وامکان ابن سینا | (۳) توماس آکوئیناس |
| ۴- نظریه فقر وجودی (نهایی شهر یور ۹۸)          | (۴) ابن سینا       |

@ جواب: ۱) ۳ (۲) ۱ (۳) ۲ (۴) ۱

@ گزینه درست را انتخاب کنید.

۱۴۴- ابن سینا بر اثبات وجود خداوند از دو مفهوم (۱: علت و معلول ۲: وجوب وامکان) استفاده کرد. (نهایی شهر یور ماه ۱۴۰۰)

@ جواب: گزینه ۲ (وجوب وامکان)

@ به سوالات ذیل جواب کوتاه دهید:

۱۴۵- گزارش های تاریخی و داستان های اسطوره ای از ایران قبل از باستان، (پیش از حکومت مادها و هخامنشیان) نشانگر چیست؟  
نشانگر باور و اعتقاد خدایی در آن دوره است.

۱۴۶- به نظر سهروردی، فیلسوف بزرگ دوره اسلامی، حکیمان ایران قبل از باستان چه اصطلاحی در مورد خدا به کار می برند؟  
آنان خداوند رانورالانوار نیز می نامیدند.

۱۴۷- برهان های اثبات وجود خدا نزد فیلسوفان مسلمان رافقط نام ببرید؟

۱- استدلال فارابی ۲- استدلال ابن سینا ۳- بیان ملاصدرا

۱۴۸- اصل فلسفی یامبانی فلسفی مربوط به هر یک از گزاره های زیر را نام ببرید:

الف) محال است زنجیره علی و معلول می تواند نامتناهی باشد.

جواب: (تسلسل علل محال باطل است.)

ب- مضمون اشعار ذیل ، مربوط به نظریه ابن سینا..... است.

"طبیاع جز کشش کاری ندانند حکیمان این کشش را عشق خوانند.

کسی کز عشق خالی شد، فسرده ست گرش صدجانب ود، ب می عشق مرده نشت"

جواب: (ناشی شدن عشق و محبت میان انسان و جهان از جاذبه عشق الهی)

ج) وجود علت بر وجود معلول مقدم است و وجود معلول مشروط به وجود علت است.

جواب: (برهان یا بیان فارابی برای اثبات خدا)

د) وقتی به موجودات این جهان نگاه می کنیم، می بینیم که این موجودات در ذات خود نسبت به وجود عدم (بودن و نبودن) مساویند

جواب: (برهان وجوب و امکان ابن سینا برای اثبات خدا یا برهان برای اثبات واجب الوجود بالذات)

ز) موجودات این جهان هم می توانند باشند و هم می توانند نباشند.

جواب: (برهان وجوب و امکان ابن سینا برای اثبات خدا یا برهان برای اثبات واجب الوجود بالذات)

ر) موجودات این جهان ذاتاً ممکن الوجودند.

جواب: (برهان وجوب و امکان ابن سینا برای اثبات خدا یا برهان برای اثبات واجب الوجود بالذات)

۱۴۹- با توجه به مبانی فلسفی فارابی به سوالات ذیل پاسخ دهید:

الف- تسلسل علل در چه صورتی محال و باطل است؟

در صورتی که سلسله علل را نامتناهی فرض کنیم.

ب- برهان او برای اثبات چه اموری به کار می رود؟

در محال بودن تسلسل و اثبات وجود خدا به کار می رود.

۱۵۰- برهان وی بر چه اصلی استوار است؟

تقدم علت بر معلول

۱۵۱- در مورد برهان فارابی به سوالات زیر پاسخ دهید (نهایی دی ماه ۹۷)

الف) بدنبال اثبات چه چیزی است؟

ب) از چه اصلی استفاده کرده است؟

@ جواب: الف- در محال بودن تسلسل / یا اثبات وجود خدا

ب) تقدم علت بر معلول

۱۵۲- با توجه به مبانی فلسفی ابن سینا به سوالات ذیل پاسخ دهید:

الف- اقسام واجب الوجود از نظر ابن سینا نام ببرید؟

واجب الوجود بر دو قسم است: ۱- واجب الوجود بالذات ۲- واجب الوجود بالغير

ب- رابطه خدا و جهان و انسان چگونه تبیین کرده است؟

توصیفی مبتنی بر عشق

ج- تعریف عشق از نظر ابن سینا (نهایی خرداد ماه ۹۹)

هریک از ممکنات به واسطه حقیقت وجودش، همیشه مشتاق کمالات و خیرات است و بر حسب فطرت خود از بدی ها گریزان. همین

اشتیاق ذاتی و ذوق فطری را که سبب بقای وجود ممکنات است، عشق می نامیم.

د- ابن سینا به چه وسیله ای وجود خداوند را اثبات می کند؟

دلایل فلسفی

ذ- پیام اصلی ابن سینا و پیروان او درباره تقسیم واجب الوجود به بالذات و بالغير چیست؟

موجودات جهان بر حسب ذات خود ممکن الوجودند اما از این حیث که اکنون موجودند، واجب الوجود بالغيرند؛ یعنی از واجب الوجود

بالذات نشئت گرفته اند.

ر- به نظر او عشق و محبت میان انسان و جهان از چه چیزی ناشی می شود؟

از جاذبه عشق الهی ناشی می شود که در کنه و ذات جهان هستی به ودیعت نهاده شده است.

۱۵۳- از نظر یک فیلسوف الهی، پذیرش وجود خداوند با صفاتی که دارد، چه تاثیری می تواند بر فیلسوف داشته باشد؟

به فیلسوف این امکان را می دهد که بتواند معیارهای یک زندگی معنادار را به دست آورد.

۱۵۴- به سوالات ذیل با توجه به نظریک فیلسوف الهی، پاسخ کوتاه بدهید:

- ۱- چه زمانی یک فیلسوف نمی تواند جهان را غایتمند و انسان را موجودی هدفمند بشناسد؟
- ۲- چه زمانی یک فیلسوف نمی تواند برای گرایش فطری انسان به خیر و زیبایی مابازائی واقعی قائل شود؟
- ۳- چه زمانی یک فیلسوف نمی تواند در برابر یک وجود متعالی و برتر احساس تعهد و مسئولیت داشته باشد؟
- ۴- چه زمانی یک فیلسوف نمی تواند آرمان های مقدس و فراتر از زندگی مادی را معتبر و درست بداند؟

@ جواب سوال های ۱ تا ۴: اگر فیلسوفی نتواند وجود خدا یا صفات او را اثبات کند.

۱۵۵- فیلسوف براساس چه قواعدی، عقیده ای را می پذیرد یا از آن دفاع می کند؟

براساس قواعد فلسفی

۱۵۶- فیلسوف معتقد به خدا از چه طریقی به خدا اعتقاد پیدا می کند یا از آن دفاع می کند؟

از طریق استدلال

۱۵۷- به سوالات ذیل در مورد توماس آکوئیناس پاسخ دهید:

الف- به پیروی از چه کسی بحث مغایرت وجود و ماهیت را در اروپا مطرح کرد؟

ابن سینا

ب- به پیروی از ابن سینا کدام بحث فلسفی را در اروپا مطرح کرد؟

مغایرت وجود و ماهیت

۱۵۸- آیبی نهایت شدن تعداد اثنباء جهان، نیازشان را به واجب الوجود بالذات برطرف می سازد؟ چرا؟

خیر، بلکه آنها را همچنان نیازمند نگه می دارد.

۱۵۹- به موارد ذیل جواب کوتاه بدهید:

الف- مقصود ملاصدرا از غنی بالذات چیست؟

همان خداوند متعال است که همه موجودات به او وابسته اند.

ب- چرا ملاصدرا وابستگی و فقر وجودی را امکان فقری نامید؟

تا آن را از امکان ماهوی ابن سینا جدا کند.

ت- از نظر ملاصدرا وجود بر چند قسم است؟ نام ببرید.

۱- وجود بی نیاز و غیروابسته ۲- وجودهای نیازمند و وابسته



ج- در نظر کدام فیلسوف وجود بر دو قسم، وجود غیر وابسته و وجود وابسته است؟

ملاصدرا

د- نام دیگر نظریه امکان ففری ملاصدرا چیست؟

فقرو جودی

۱۶۰- در جهان اسلام کدام فلاسفه از برهان وجوب وامکان استفاده کرده اند؟ نام دو تن از آنها را بنویسید.

فلاسفه ای مانند بهمنیار، خواجه نصیرالدین طوسی، میرداماد و شیخ بهایی از این برهان استفاده کرده اند.

۱۶۱- از میان معیارهای یک زندگی معنادار که بعد از پذیرش وجود خداوند مطرح می شوند، یک مورد را بنویسید. (نهایی دی ماه ۹۸)

جهان را غایتمند بیابد و آن را توضیح دهد. (یا هر یک از موارد پنج گانه ای که در صفحه ۴۷ کتاب آمده)

۱- جهان را غایتمند بیابد و این غایتمندی را توضیح دهد.

۲- انسان را موجودی هدفمند بشناسد و این هدف را مشخص کند.

۳- برای انسان گرایشی به خیر و زیبایی قائل شود و بداند که این خیر و زیبایی یک امر خیالی نیست، بلکه در یک حقیقت متعالی (یعنی خدا) وجود دارد.

۴- آرمان های مقدس و فراتر از زندگی مادی را معتبر و درست بداند.

۵- در برابر یک وجود متعالی و برتر احساس تعهد و مسئولیت نماید.

۱۵۸- دو مورد از معیارهای یک زندگی معنادار (از نظر فیلسوفان مسلمان) را بنویسید؟ (نهایی خرداد و شهریور ماه ۹۹)

(هر یک از موارد پنج گانه ای صفحه ۴۷ و ۴۸ کتاب)

۱- جهان را غایتمند بیابد و این غایتمندی را توضیح دهد.

۲- انسان را موجودی هدفمند بشناسد و این هدف را مشخص کند.

۳- برای انسان گرایشی به خیر و زیبایی قائل شود و بداند که این خیر و زیبایی یک امر خیالی نیست، بلکه در یک حقیقت متعالی (یعنی خدا) وجود دارد.

۴- آرمان های مقدس و فراتر از زندگی مادی را معتبر و درست بداند.

۵- در برابر یک وجود متعالی و برتر احساس تعهد و مسئولیت نماید.

۱۵۹- به نظر سهروردی، فیلسوف بزرگ دوره اسلامی، حکیمان ایران قبل از باستان در مورد خدا چیست؟ بنویسید.

معتقد است که آنان علاوه بر حکمت، با عرفان نیز آشنا بوده و خداوند را نورهستی می دانستند که با پرتو و اشراق خود، پدیده ها را خلق می کند و ظاهر می سازد.

۱۶۰- دلیل فارابی مبتنی بر محال بودن تسلسل نامتناهی علت ها را به اختصار بنویسید؟

فارابی می گوید اگر پدیده ای که الان موجود است معلول علتی باشد و آن علت هم معلول علت دیگری باشد و سلسله این علت و معلول ها، بخواهد تا بی نهایت پیش رود، چنین تسلسلی محال است و در خارج تحقق نمی یابد زیرا اگر سلسله علتها بخواهد تا بی نهایت به عقب برگردد و هر علتی وابسته به علت قبل از خود باشد، بدین معناست که آغاز و ابتدایی در کار نباشد؛ و در این صورت اصلاً چیزی پدید نمی آید تا نوبت به معلولی برسد که اکنون پیش روی ماست. به بیان دیگر اگر تعداد علت ها بخواهد بی نهایت باشد، به معنی آن است که باید بی نهایت پدیده موجود باشد تا نوبت به معلول پیش روی ما برسد و چنین چیزی امکان پذیر نیست.

۱۶۱- با طرحی مثالی محال بودن تسلسل نامتناهی علت ها را از نظر فارابی توضیح دهید؟

شخصی می خواهد تعدادی آجر را به صورت مایل و با تکیه یکی بر دیگری، روی یک سطح صاف بچیند. برای این کار، ابتدا یک ستون عمودی روی زمین نصب می کند و آجر اول را به صورت مایل به آن تکیه می دهد. آنگاه آجر دوم را به آجر اول تکیه می دهد و بقیه آجرها را به همین ترتیب می چیند. در این میان، اگر کسی بگوید به آن ستون ثابت نیازی نیست، عملاً نمی تواند هیچ سلسله ای از آجرهای مایل را روی زمین قرار دهد و چنین سلسله ای از آجرها تشکیل نخواهد شد. معلول بودن هر موجودی نیاز آن به علت مانند متکی بودن هر آجر به آجر دیگر است. همان طور که سلسله آجرهای متکی به هم باید به ستونی ختم شوند که نگه دارنده همه آجرهای دیگر باشد، سلسله موجودات معلول نیز نیازمند موجودی است که خودش معلول نباشد و بر خود تکیه نماید.

۱۶۲- چرا تسلسل علل نامتناهی محال است؟

زیرا اگر سلسله علت ها بخواهد تا بی نهایت به عقب برود، اصلاً نوبت به معلولی که هم اکنون پیش روی ماست، نمی رسد.

۱۶۳- با توجه به فلسفه فارابی بنویسید منظور از «سلسله علل نامتناهی محال است» چیست؟ توضیح دهید؟

اگر سلسله علت ها بخواهد تا بی نهایت پیش برود یعنی منتهی به علتی نشود که معلول دیگری نباشد، تسلسل علل نامتناهی پیش می آید و چنین تسلسلی محال است.

۱۶۴- میان امکان یا عدم امکان اثبات وجود خداوند، چه تفاوتی بین نگرش برخی فیلسوفان اروپایی و فیلسوفان اسلامی وجود دارد؟

برخی از فلاسفه اروپایی به این نتیجه رسیده بودند که وجود خدا را نمی توان از طریق عقل و استدلال عقلی اثبات کرد، اما فیلسوفان مسلمان، از فارابی تا ملا صدرا و فلاسفه معاصر، نظرشان بر این است که اثبات وجود خدا از طریق استدلال عقلی امکان پذیر است.

۱۶۵- برهان فارابی رابراثبات اینکه «تسلسل علل، محال است» واثبات خدا را بررسی و اثبات کنید؟ (ذکر مثال)

الف) در جهان پیرامون مایشایی هستند که وجودشان از خودشان نیست و معلول چیزهایی دیگرند.

ب) وجود علت بر وجود معلول مقدم است و وجود معلول مشروط به وجود علت است. یعنی، فقط در صورتی که علت موجود باشد، معلول هم موجود خواهد بود.

ج) اگر معلولی که اکنون موجود است علتی داشته باشد که آن علت هم خودش معلول باشد، به ناچار این معلول هم علت دیگری دارد. حال اگر این علت دوم هم معلول باشد، برای موجود شدن به علت سومی نیازمند است. اکنون اگر تسلسل علت ها بخواهد تا بی نهایت پیش برود، یعنی منتهی به علتی نشود که معلول دیگری نباشد، تسلسل علل نامتناهی پیش می آید

د) تسلسل علل نامتناهی محال است؛ زیرا اگر سلسله علت ها بخواهد تا بی نهایت به عقب برود، زیرا اگر سلسله علت ها بخواهد تا بی نهایت به عقب برگردد بدین معناست که آغاز و ابتدایی در کار نیست؛ یعنی اصلاً چیزی پدید نمی آید تا نوبت به معلولی برسد که اکنون پیش روی ماست. یعنی اگر سلسله علت ها تا بی نهایت به عقب برگردد، به معنی آن است که باید بی نهایت موجود پدید آید تا اصلاً نوبت به معلولی که هم اکنون پیش روی ما بماند متکی بودن هر آجر به آجر دیگر است. مثال: همان طور که سلسله آجرهای متکی به هم باید به ستونی ختم شوند که نگه دارنده همه آجرهای دارای اتکاست، سلسله موجودات معلول نیز نیازمند موجودی است که معلول نباشد.

۱۶۶- عشق به هستی را از نظر ابن سینا توضیح دهید و بنویسید انبیا انسان به جهان ناشی از چیست؟

هریک از ممکنات به واسطه حقیقت وجودش، همیشه مشتاق کمالات و خیرات است و بر حسب فطرت خود از بدی ها گریزان. همین اشتیاق ذاتی و ذوق فطری را که سبب بقای ممکنات و مخلوقات است، عشق می نامیم ابن سینا معتقد است که عشق و محبت میان انسان و جهان از جاذبه عشق الهی ناشی می شود که در کنه و ذات جهان هستی به ودیعت نهاده شده است.

۱۶۷- اگر شما مثل ابن سینا بنیان دیشید، در این صورت، موجودات ممکن چگونه مشتاق کمالات و خیرات و گریزان از بدیهامی شوند؟ ممکنات به واسطه حقیقت وجودش، همیشه مشتاق کمالات و خیرات است و بر حسب فطرت خود از بدی ها گریزان.

۱۶۸- کدام بحث فلاسفه مسلمان در کنار اثبات وجود خدا مطرح کرده اند؟ نمونه و مثالی بنویسید.

بحث درباره تأثیر این اعتقاد در زندگی انسان و نقش آن در معنابخشی به حیات بشری است. در مقام مثال، آنان وجود خدا و تأثیر آن در حیات انسانی را شبیه به وجود آب و نقش آن در حیات جسمانی بشر می دانند.

۱۶۹- موجودات جهان بر حسب ذات خود واز این حیث که اکنون موجودند، به ترتیب چگونه موجودی هستند؟

موجودات بر حسب ذات خود ممکن الوجودند و از این حیث که اکنون موجودند واجب الوجود بالذات یعنی از واجب الوجود بالذات نشئت گرفته اند.

۱۷۰- پیام اصلی ابن سینا و پیروان او در مورد ماهیات و موجودات جهان را بنویسید؟

موجودات بر حسب ذات خود ممکن الوجودند اما از این حیث که اکنون موجودند واجب الوجود بالذات یعنی از واجب الوجود بالذات نشئت گرفته اند.

۱۷۱- مفاد استدلال فارابی برای اثبات وجود خدا به اختصار بنویسید؟

الف) در جهان پیرامون ما شایایی هستند که وجودشان از خودشان نیست و معلول چیزهای دیگرند.

ب) وجود علت بر وجود معلول مقدم است و وجود معلول مشروط به وجود علت است. یعنی، فقط در صورتی که علت موجود باشد، معلول هم موجود خواهد بود.

ج) اگر معلولی که اکنون موجود است علتی داشته باشد که آن علت هم خودش معلول باشد، به ناچار، این معلول هم علت دیگری دارد. اکنون اگر سلسل علتها بخواید تا بینهایت پیش برود، یعنی منتهی به علتی نشود که معلول دیگری نباشد، تسلسل علل نامتناهی پیش می آید

د- تسلسل علل نامتناهی محال است؛ اکنون اگر سلسل علتها بخواید تا بی نهایت پیش برود، یعنی منتهی به علتی نشود که معلول دیگری نباشد، تسلسل علل نامتناهی پیش نمی آید و چنین تسلسلی محال است.

۱۷۲- خلاصه برهان و استدلال ابن سینا برای اثبات واجب الوجود بالذات (برهان وجوب و امکان) را بنویسید؟

۱- وقتی به موجودات این جهان نگاه می کنیم، می بینیم که این موجودات در ذات خود نسبت به وجود و عدم (بودن

و نبودن) مساوی اند؛ هم می توانند باشند و هم می توانند نباشند. به عبارت دیگر، این موجودات ذاتاً ممکن الوجودند

۲- ممکن الوجود های بالذات، برای اینکه از تساوی میان وجود و عدم در آیند و وجود برای آنها ضروری گردد و موجود

شوند، نیازمند علتی هستند که خودش ممکن الوجود نباشد بلکه واجب الوجود بالذات باشد؛ یعنی موجودی که وجود، ذاتی اوست و از او جدا نمی شود.

۳- پس، موجودات این جهان به واجب الوجودی بالذات وابسته اند که آنها را از حالت امکانی خارج کرده و پدید آورده است.

۱۷۳- ملاصدرا برای تمایز وجدا کردن نظریه خود با ابن سینا درباره ماهیات چه تبیین و توضیحی ارائه می دهد؟

ملاصدرامی گوید، به جای نگاه کردن به ماهیت و مشاهده حالت امکانی آن نسبت به وجود و عدم، اگر به دو واقعیت نگاه کنیم، می بینیم که این واقعیات، عین وابستگی و نیازند؛ در میان این موجودات، نمی توان موجودی را یافت که وابستگی به غیر و نیازمندی سراسر وجودش را فرا نگرفته باشد. وی این وابستگی و فقر وجودی را امکان فقری نامید تا آن را از امکان ماهوی این سینا جدا کند.

۱۷۴- به عقیده ملاصدرا، برای مشاهده فقر و نیاز ذاتی در موجودات باید به چه منبعی متصل شد؟

این فقر و نیاز ذاتی که در موجودات مشاهده می کنیم، باید به منبعی متصل باشد که از غنای ذاتی و بی نیازی برخوردار است. آن غنی بالذات، همان خداوند متعال است که همه موجودات به او وابسته اند.

۱۷۵- چه زمانی بحث یک فیلسوف در مورد خدا بحثی فلسفی قلمداد می شود؟

بحث فیلسوف، خواه مسلمان، خواه مسیحی و خواه پیرو هر مسلک دیگر درباره خدا، تا وقتی فلسفی است که از این روش فلسفه، یعنی استدلال عقلی محض، تجاوز نکند و نتایج تفکر خود را به صورت استدلالی عرضه نماید.

۱۷۶- فلاسفه بعد از ابن سینا هم در جهان اسلام و هم در اروپا، در مورد برهان ابن سینا چه عقیده ای داشته و آنرا چه نامیده اند؟

آنهابیان ابن سینا در اثبات واجب الوجود از برهانی بسیار قوی برای اثبات وجود خداوند دانسته و آنرا برهان «وجوب و امکان» نامیده اند.

۱۷۷- رابطه بین اثبات وجود خدا و معناداری حیات نزد فلاسفه مسلمان را بنویسید؟

اعتقاد به خدایی می تواند به زندگی معنادار و ناسان را وارد مرتبه ای برتر از زندگی کند که به کمک عقل و منطق یا هر راه دیگری وجود او را پذیرفته باشد و در ارتباط روحی و معنوی با او زندگی کند. مثلاً آنان وجود خدا و تأثیر آن در حیات انسانی را شبیه به وجود آب و نقش آن در حیات جسمانی بشر می دانند.

۱۷۸- از نظر یک فیلسوف الهی، پذیرش وجود خداوند با صفاتی که دارد، به فیلسوف این امکان را می دهد که بتواند معیارهای

یک زندگی معنادار را به دست آورد؛ این معیارها را بنویسید. (سه مورد)

۱- جهان را غایتمند بیابد و آن را توضیح دهد.

۲- نسان را موجودی هدفمند بشناسد و این هدف را مشخص کند.

۳- برای گرایش فطری انسان به خیر و زیبایی مابزائی واقعی قائل شود.

۴- آرمان های مقدس و فراتر از زندگی مادی را معتبر و درست بداند.

۵- در برابر یک وجود متعالی و برتر احساس تعهد و مسئولیت داشته باشد.

۱۷۹- باتوجه به گزاره "از نظر یک فیلسوف الهی، پذیرش وجود خداوند با صفاتی که دارد، به انسان این امکان را می دهد که بتواند معیارهای یک زندگی معنادار را به دست آورد" اگر فیلسوفی نتواند وجود خدا را اثبات کند، چه نتایجی بدست می آید؟ امکان پذیرش معیارهای یک زندگی معنادار را هم از دست می دهد و نمی تواند جهان و انسان را غایتمند یا بدو سرچشمه گرایش های مقدس و متعالی انسانها نشان دهد و به آرمانهای فراتر از زندگی مادی دل ببندد و در برابر یک وجود متعالی احساس مسئولیت نماید.

۱۸۰- خلاصه مفاد و موارد استدلال نظریه امکان فقری یا فقرو جودی ملاصدرا را بنویسید؟

۱- به هر موجودی نگاه می کنیم، وجودش عین وابستگی و نیاز است.

۲- موجود وابسته و نیازمند باید به وجودی متصل باشد که در ذات خود، غیر نیازمند و برخوردار باشد.

۳- پس موجودات این جهان وابسته به وجودی بی نیاز و غیر وابسته هستند.

۱۸۱- طبق نظریه فقرو جودی یا امکان فقری ملاصدرا جهان هستی چگونه جهانی است؟ توضیح دهید. (هماهنگ کشوری)

طبق نظریه «امکان فقری» یا «فقر و جودی» جهان هستی یکپارچه نیاز، و تعلق به ذات الهی است و از خود هیچ استقلال ندارد. اگر ذات الهی آنی پرتو عنایت خویش را بازگیرد، کل موجودات نابود می گردند و نور آنها خاموش می شود.

۱۸۲- نظریه فقر و جودی یا امکان فقری ملاصدرا را توضیح دهید؟ (بالتذکی تغییر نهایی خرداد و دی ماه ۹۸)

او به جای نگاه به ماهیت اشیا و اینکه مثلاً بگوییم انسان ماهیتاً ممکن الوجود است و ممکن الوجود نیاز به علت دارد، از همان ابتدایه خود وجود و واقعیت نگاه می کنیم. در این نگاه می بینیم که همه موجودات و واقعیات عین وابستگی و نیازمندی هستند و وابستگی و نیازمندی به غیر سراسر وجود و واقعیات را فرا گرفته است. وی این وابسته بودن و نیازمندی را امکان فقری نامید.

۱۸۳- نظریه فقرو جودی یا امکان فقری را کدام فیلسوف مسلمان مطرح نموده است؟ آن را شرح دهید. (نهایی خرداد ماه ۹۹)

ملاصدرا او به جای نگاه به ماهیت اشیا و اینکه مثلاً بگوییم انسان ماهیتاً ممکن الوجود است و ممکن الوجود نیاز به علت دارد، از همان ابتدایه خود وجود و واقعیت نگاه می کنیم. در این نگاه می بینیم که همه موجودات و واقعیات عین وابستگی و نیازمندی هستند و وابستگی و نیازمندی به غیر سراسر وجود و واقعیات را فرا گرفته است. وی این وابسته بودن و نیازمندی را امکان فقری نامید.

۱۸۴- برهان وجوب و امکان ابن سینا را شرح دهید. (نهایی شهریور ماه ۹۹ و خرداد ماه ۱۴۰۰)

وقتی به موجودات این جهان نگاه می کنیم، می بینیم که موجودات در ذات خود نسبت به وجود و عدم مساویند؛ یعنی ذاتاً ممکن الوجودند. ممکن الوجود بالذات، برای اینکه از تساوی میان وجود و عدم در آید و وجود برای آن ضروری گردد و موجود شود، نیازمند واجب الوجود بالذات است؛ پس، موجودات این جهان به واجب الوجودی بالذات وابسته اند که آنها را از حالت امکانی خارج کرده و پدید آورده است.

۱۸۵- نظریه امکان فقری یا فقر وجودی را تعریف کنید. (نهایی شهریور ماه ۹۹)

اگر به جای نگاه به ماهیت اشیا و اینکه مثلاً بگوییم انسان ماهیتاً ممکن الوجود است و ممکن الوجود نیاز به علت دارد، از همان ابتدایه خود وجود و واقعیت نگاه می‌کنیم. در این نگاه می‌بینیم که همه موجودات و واقعیات عین وابستگی و نیازمندی هستند و وابستگی و نیازمندی به غیر سراسر وجود واقعیات را فرا گرفته است. وی این وابسته بودن و نیازمندی را امکان فقری نامید.

۱۸۶- نظریه امکان فقری صدرالمتهین را توضیح دهید. (نهایی دی ماه ۹۹)

هر موجودی نگاه می‌کنیم، وجودش عین وابستگی و نیاز است موجود وابسته و نیازمند باید به وجودی که در ذات خود، بی نیاز است متصل باشد. پس موجودات این جهان وابسته به وجودی بی نیاز و غیر وابسته هستند.

۱۸۷- استدلال فارابی برای اثبات وجود خدا را شرح دهید. (نهایی دی ماه ۹۹)

در جهان اطراف ما موجودات تماماً معلول هستند یعنی وجودشان وابسته به علت است. وجود علت بر وجود معلول مقدم است و وجود معلول مشروط به وجود علت است. اگر در میان تمام موجودات جهان، علت غیر مشروطی نباشد، تسلسل بی نهایت خواهد بود که محال است.

۱۸۸- صدرالمتهین بر اساس نظریه "امکان فقری" چه استدلالی ارائه کرده؟ آن را شرح دهید. (نهایی شهریور ۱۴۰۰)

به هر موجودی نگاه می‌کنیم، وجودشان عین وابستگی و نیاز به دیگری است. موجودات وابسته و نیازمند باید به وجودی متصل باشند که آن موجود در ذات خود، نیازی به غیر نداشته باشد. پس موجودات این جهان وابسته به وجودی بی نیاز و غیر وابسته هستند.

@جواب فعالیت ها و تمرینات درس ۶

مقایسه ص ۴۲

✓ به دیدگاه افلاطون و ارسطو نزدیک است و از دیدگاه کانت و برگسون و ... دور است.

\*ملاحظه تشریحی کتاب راهنمای معلم: (نظریه فیلسوفان مسلمان بانظر عقل گرایانی چون دکارت هماهنگ است. بانظر کانت هماهنگی ندارد. بانظر تجربه گرایانی مانند هیوم هماهنگی ندارد. بانظر تجربه گرایانی چون ویلیام جیمز نیز هماهنگ نیست چون این فیلسوفان هم به امکان استدلال عقلی معتقد نیستند.)

تطبیق ص ۴۲

✓ عقل به امور کلی و غیر حسی راه می‌یابد و خدا نیز امری غیر حسی است. عقل مخصوصاً در کشف وجود و پی بردن به وجود امور غیر مادی توانایی دارد.

بررسی ص ۴۴

✓ راسل مفاد اصل علیت را درست درک نکرده است. او فکر کرده است اصل علیت یعنی این که هر چیزی علتی دارد.

✓ راسل چون در فهم اصل علیت دچار اشکال شده به نتایج غلطی رسیده از جمله این که فکر کرده چیز بدون علت نداریم. اگر چیزی واجب الوجود باشد و نه ممکن الوجود، علت محض خواهد بود و جنبه معلولی نخواهد داشت و نیازمند علت نخواهد بود. فارابی می‌گوید هر موجودی که معلول بود، وجودش وابسته به علت است.

★ ملاحظه تشریحی کتاب راهنمای معلم: (فیلسوفان نمی گویند هر موجودی نیازمند به علت است. آنان می گویند هر معلولی و هر پدیده ای به علت نیاز دارد. اما کسانی مانند جان استوارت میل و برتراند راسل این اشتباه را کرده اند و چنین فرض کرده اند که فیلسوفان می گویند هر موجودی نیازمند علت است. سخن فارابی با چیزی که راسل به فلاسفه الهی نسبت می دهد متفاوت است. فارابی می گوید هر موجودی که معلول بود، وجودش وابسته به علت است. اما راسل فکر کرده که فلاسفه می گویند هر وجودی نیازمند و وابسته به علت است. همچنین راسل فکر کرده که علت العلل از نظر فیلسوفان با سایر علل هیچ فرقی ندارد و آن هم چیزی مثل چیزهای دیگر است و در نتیجه به علت نیازمند است.)

#### 🌟 تفکر ص ۴۵

- ۱- نه خیر. چون ضرورت ذاتی یعنی ضرورت وجود داشتن. اگر چیزی وجودش ضروری باشد و موجود نشود، تناقض پیش می آید.
- ۲- نه خیر. چون یعنی امتناع ذاتی یعنی ضرورت عدم. اگر چیزی عدمش ضروری باشد و موجود شود، تناقض پیش می آید.

#### 🌟 تطبیق ص ۴۸

✓ بله تطبیق دارد و از این اشعار می توان زیبایی، خوش بینی، شوق و اشتیاق، هدفداری را استشمام کرد.  
 ★ ملاحظه تشریحی کتاب راهنمای معلم:

#### ✓ موارد زیر را می توان از نظرات ابن سینا برداشت کرد:

معیار ۱ و ۲	اشتیاق ذاتی و فطری موجودات به کمالات و خیرات
معیار ۳	گرایش فطری به خوبی ها و گریزان بودن از بدی ها
معیار ۴	جاذبه عشق الهی در انسان
معیار ۵	ودیعۀ الهی بودن عشق به کمالات و خیرات

#### ✓ موارد زیر را می توان از اشعار به دست آورد:

معیار ۱ و ۳	وجود یک عشق مقدس و برتر در جهان
معیار ۳ و ۴	برتری انسان عاشق بر انسان های معمولی
معیار ۲ و ۳	وجود یک کشش به سوی خدا در موجودات

#### 🌟 نمونه ص ۴۹

- ۱- بی هدف است یا هدفش نامعلوم است ۲- اعتقاد به معنا و هدف در عین حال اعتقاد به پوچی.
- ۳- چون از شناخت و اعتقاد به امور ماورائی و خدا و آخرت محروم است، نمی تواند هدف و معنایی برای جهان و زندگی بیابد.
- ۱- سؤال اول، منظور آلبر کامو این است که جهان چیزی جز همین طبیعت نیست، این طبیعت هیچ پیام متعالی و بزرگ برای من ندارد. آیا جهان غایتمند است؟ آیا یک حقیقت مقدس و متعالی وجود دارد؟ نمی دانم.
- ۲- سؤال دوم، تناقض درونی آلبر کامو را دنبال می کند. او از یک طرف فطرتی با گرایش به زیبایی و خیر جهان متعالی دارد و از طرف دیگر معتقد است که جهان چیزی جز همین طبیعت مادی نیست. یعنی اندیشه و فکر او ظرفیت پذیرش این گرایش فطری را ندارد. راه حل این است که وی به تحقیقات خود ادامه دهد تا شاید بتواند به دریافتی درست از جهان و انسان برسد.
- ۳- سؤال سوم نشان می دهد که آلبر کامو به جای دنباله روی از فکر و فلسفه اش، تسلیم فطرت خود شده و به گرایش ها و تمایل های انسانی خود پاسخ مثبت داده است.



۱- سیر فلاسفه مسلمان در اثبات خدا بر عکس فلاسفه اروپایی، به سمت عمق بخشی در استدلال عقلی بوده و در عین عمق بخشی به استدلال عقلی، همواره برجسته قلبی و ایمانی رابطه انسان با خدا تأکید ورزیده اند. نزد فلاسفه مسلمان بحث در معناداری را از همان ابتدای تفکر فلسفی و عرفانی جریان داشته و فلاسفه مسلمان از ثمرات اعتقادیه خدا سخن گفته اند و بحث درباره معناداری و فواید اعتقادیه خداهم زمان با بحث درباره اثبات وجود خدا در جریان بوده و یکی جایگزین دیگری نشده است. فلاسفه مسلمان معناداری را تحت عنوان فواید و لوازم اعتقادیه خدام مطرح کرده اند و معناداری را فرغ اثبات وجود خدا قرار داده اند، نه جایگزین آن و معتقدند که بدون اثبات وجود خدانی توان از معناداری سخن گفت. آنان معتقدند که مهمترین رکن در معناداری، غایت مندی جهان و انسان است و کسی می تواند برای انسان و جهان از معناداری سخن بگوید که قبل از آن خدا را اثبات و قبول کرده باشد.

کرگور معتقد است که ایمان، هدیه ای الهی است که خداوند به انسان عظیمی کتبت. خدا انسان مؤمن را برمی گزیند و به او ایمان هدیه می کند و اگر کسی شایسته این بخشش نشود، زندگی تاریکی را سپری خواهد کرد. در حقیقت می توان گفت کرگور چندان به پشتوانه عقلی و استدلالی برای اثبات خدا قائل نیست. ولی اعتقادیه خدا برای معناداری زندگی انسان را قبول داشت.

۲- ابن سینا برهان خود را متکی بر ابطال تسلسل قرار نمی دهد. او می خواهد بگوید که این موجودات، چه محدود باشند و چه بی نهایت، چون ممکن الوجود هستند نیاز مند به واجب الوجود می باشند. ممکن الوجود بالذات برای موجود شدن نیاز مند به واجب الوجود بالذات است. راسل فکر کرده که علت العلل از نظر فیلسوفان با سایر علل هیچ فرقی ندارد و آن هم چیزی مثل چیزهای دیگر است و در نتیجه به علت نیاز مند است.

۳- آن دیدگاهی که میبایست ابتدا وجود خدا را از طریق عقل و تفکر و اندیشه بپذیرد و سپس با وی ارتباط معنوی برقرار کند و یک زندگی معنادار و متعالی را سامان بخشد. وقتی اعتقادیه خدا می تواند به زندگی معنادار و انسان را وارد مرتبه ای برتر از زندگی کند که واقعا و از یک راه معقول و درست پذیرفته باشد البته پذیرش هر کس به اندازه قدرت علمی و فکری اوست. از نظریک فیلسوف الهی، پذیرش خداوند با صفاتی که دارد، به فیلسوف این امکان را می دهد که بتواند معیارهای یک زندگی معنادار را به دست آورد.

۴- زندگی معنادار آن زندگی است که بر پایه غایت و هدف معقول و شایسته انسان بنا شده باشد و این غایت معقول و شایسته، همان امر مقدس و پاکی است که انسان تلاشی میکند به آن نزدیک شود و این حقیقت مقدس همان خداست که غایت انسان است و دارای همه زیبایی ها و قدانست هاست و همه ارزش ها و خیرها نیز از آن اوست. بنابراین زندگی معنادار و مقدس به وجود یک حقیقت واقعی که مقدس است، گره خورده است و اگر فیلسوفی نتواند آن حقیقت مقدس را اثبات کند، راه را منطقیاً بر زندگی معناداری بندد.

### ✓ اما شاخص ها یک زندگی معنادار:

۱- جهان را غایت مند بیابد و این غایت مندی را توضیح دهد. ۲- انسان را موجودی هدف مند بشناسد و این هدف را مشخص کند. ۳- برای انسان گرایشی به خیر و زیبایی قائل شود و بداند که این خیر و زیبایی یک امر خیالی نیست، بلکه در یک حقیقت متعالی (یعنی خدا) وجود دارد. ۴- آرمان های مقدس و فرائد زندگی مادی را معتبر و درست بداند. ۵- در برابر یک وجود متعالی و برتر احساس تعهد و مسئولیت داشته باشد. نکته: اگر فیلسوفی نتواند وجود خدا را اثبات کند، امکان پذیرش پنج گزاره فوق را از دست می دهد.